



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir

سپیمای علم و حکمت در قرآن و حدیث



محمد محمدی ری شهری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیمای علم و حکمت در قرآن و حدیث

نویسنده:

محمد محمدی ری شهری

ناشر چاپی:

موسسه علمی فرهنگی دارالحدیث

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۹	سیمای علم و حکمت در قرآن و حدیث
۱۹	مشخصات کتاب
۲۰	اشاره
۳۴	پیشگفتار
۳۶	درآمد
۳۶	مفهوم علم در متون اسلامی
۳۷	حقیقت علم
۴۲	ویژگیهای جوهر علم
۴۲	۱. ریشه نور علم در فطرت انسان
۴۳	۲. وحدت جوهر علم
۴۳	۳. جداناپذیری حقیقت علم از ایمان
۴۳	۴. همراهی علم و بیم از خدا
۴۴	۵. اخلاق شایسته از برکات نور علم
۴۴	۶. جداناپذیری جوهر علم از عمل شایسته
۴۴	راه کسب نور علم
۴۷	بخش اول : دانش
۴۷	اشاره
۴۹	فصل اول : حقیقت دانش
۵۱	فصل دوم : فضیلت دانش
۵۱	۱ / ۲ معیار ارزش انسان
۵۱	۲ / ۲ بنیاد هر نیکی
۵۲	۳ / ۲ سرافرازی دو سرا
۵۲	۴ / ۲ گذشته نادانی

۵۲	۵ / ۲ حقیقت زندگانی
۵۳	۶ / ۲ بهترین همدم
۵۳	۷ / ۲ بهترین زیبایی
۵۳	۸ / ۲ بهترین هدایت
۵۳	۹ / ۲ برترین شرف
۵۳	۱۰ / ۲ برترین جزز
۵۵	۱۱ / ۲ پوشاندن عیوب
۵۵	۱۲ / ۲ پرسودترین گنج
۵۵	۱۳ / ۲ بهترین میراث
۵۶	۱۴ / ۲ بهتر از مال
۵۶	۱۵ / ۲ انفاق نابودش نمی کند
۵۶	۱۶ / ۲ کمال ایمان
۵۷	۱۷ / ۲ شرط عمل
۵۷	۱۸ / ۲ پایان ناپذیر
۵۸	فصل سوم : آثار دانش
۵۸	۱۱ / ۳ ایمان
۵۸	۲ / ۳ بیم
۵۹	۳ / ۳ عمل
۶۰	۴ / ۳ صلاح
۶۲	بخش دوم : حکمت
۶۲	اشاره
۶۴	فصل اول : معنای حکمت
۶۴	اشاره
۶۵	پژوهشی در معنای حکمت و اقسام آن
۶۵	۱ . حکمت نظری
۶۶	۲ . حکمت عملی

۶۷	۳ . حکمت حقیقی
۷۰	فصل دوم : فضیلت حکمت
۷۲	فصل سوم : آثار حکمت
۷۲	۳ / ۱ کاستی شهوت
۷۲	۳ / ۲ بازداشتن از زشتی
۷۲	۳ / ۳ عصمت
۷۲	۳ / ۴ روشنی دل
۷۳	۳ / ۵ هدایت
۷۳	۳ / ۶ دانش
۷۳	۳ / ۷ شناخت خود
۷۴	فصل چهارم : اساس حکمت
۷۶	فصل پنجم : حکمت‌های جامع
۷۸	فصل ششم : ویژگی‌های حکیمان
۷۸	أ : ویژگی‌های اثباتی
۷۹	ب : ویژگی‌های سلبی
۸۰	بخش سوم : مبادی
۸۰	اشاره
۸۲	فصل اول : مبادی دانش و حکمت
۸۲	۱ / ۱ احتی
۸۲	۱ / ۲ خرد
۸۳	۱ / ۳ دل
۸۴	۱ / ۴ مبدأ اصلی همه ادراکات
۸۶	توضیحی درباره مبادی علم و حکمت
۸۶	۱ . حس
۸۶	۲ . عقل
۸۶	۳ . قلب

۸۸	فصل دوم : اسباب معارف عقلی
۸۸	۱ / ۲ تفکر
۸۹	۲ / ۲ آموختن
۹۰	۳ / ۲ عبرت
۹۰	۴ / ۲ تجربه
۹۱	۵ / ۲ شناخت ضدها
۹۲	فصل سوم : اسباب معارف قلبی
۹۲	۱ / ۳ اوحی
۹۳	۲ / ۳ الهام
۹۴	۳ / ۳ وسوسه
۹۶	فصل چهارم : مبادی الهام
۹۶	۱ / ۴ ایمان
۹۷	۲ / ۴ خلاص
۹۷	۳ / ۴ دوستی اهل بیت علیهم السلام
۹۸	۴ / ۴ بیم از خدا
۹۸	۵ / ۴ عمل
۹۹	۶ / ۴ نماز
۱۰۰	۷ / ۴ روزه
۱۰۰	۸ / ۴ زهد
۱۰۰	۹ / ۴ حلال خوری
۱۰۱	۱۰ / ۴ کم خوری
۱۰۲	۱۱ / ۴ ادعا
۱۰۴	بخش چهارم : موانع
۱۰۴	اشاره
۱۰۶	فصل اول : حجایه‌های دانش و حکمت
۱۰۶	۱ / ۱ هوس

۱۰۷	۲ / ۱ محبت دنیا
۱۰۷	۳ / ۱ گناه
۱۰۸	۴ / ۱ بیماری های قلب
۱۰۹	۵ / ۱ هستم
۱۰۹	۶ / ۱ کفر
۱۱۰	۷ / ۱ فسق
۱۱۱	۸ / ۱ اسراف
۱۱۱	۹ / ۱ غفلت
۱۱۲	۱۰ / ۱ آرزو
۱۱۳	۱۱ / ۱ تکبر
۱۱۳	۱۲ / ۱ خود پسندی
۱۱۴	۱۳ / ۱ فریب
۱۱۴	۱۴ / ۱ طمع
۱۱۵	۱۵ / ۱ خشم
۱۱۵	۱۶ / ۱ سرگرمی
۱۱۵	۱۷ / ۱ خود رأیی
۱۱۶	۱۸ / ۱ تعصب
۱۱۶	۱۹ / ۱ مجادله
۱۱۷	۲۰ / ۱ شرابخواری
۱۱۷	۲۱ / ۱ پرخوری
۱۱۸	مسائلی در باره حجابهای علم و حکمت
۱۱۸	مسأله اول : قلمرو حجابهای حکمت
۱۱۹	مسأله دوم : ریشه موانع نور علم
۱۲۰	مسأله سوم : مبادی وسوسه
۱۲۲	فصل دوم : آنچه حجاب ها را می درد
۱۲۲	۱ / ۲ قرآن

- ۱۲۳ ۲ / ۲ اندرز
- ۱۲۳ ۲ / ۳ اتقوا
- ۱۲۴ ۲ / ۴ ذکر
- ۱۲۵ ۲ / ۵ پناه جستن
- ۱۲۶ ۲ / ۶ توبه
- ۱۲۶ ۲ / ۷ بلا
- ۱۲۷ توضیحی درباره داروی حجابهای دانش و حکمت
- ۱۲۷ ۱ . غذای جان و مبدأ الهام
- ۱۲۷ ۲ . قلمرو تأثیر داروهای معرفت
- ۱۲۸ ۳ . چگونگی به کار بردن داروهای معرفت
- ۱۲۹ ۴ . اصول داروهای معرفت
- ۱۲۹ ۵ . حجابهای غیر قابل زوال
- ۱۳۳ بخش پنجم : تعلّم
- ۱۳۳ اشاره
- ۱۳۴ فصل اول : وجوب تعلّم
- ۱۳۴ ۱ / ۱ وجوب تعلّم بر هر مسلمان
- ۱۳۴ ۱ / ۲ وجوب تعلّم در هر حال
- ۱۳۵ ۱ / ۳ واجب تر از طلب مال
- ۱۳۶ ۱ / ۴ هشدار از ترک تعلّم
- ۱۳۸ فصل دوم : فضیلت تعلّم
- ۱۳۸ ۲ / ۱ تأکید بر جستجوی دانش
- ۱۳۸ ۲ / ۲ فضیلت جویای دانش
- ۱۳۹ ۲ / ۳ برتری دانش جویی بر عبادت
- ۱۴۰ نکته هایی در باره برتری دانش بر عبادت
- ۱۴۰ ۱ . کدام علم و کدام عبادت ؟
- ۱۴۱ ۲ . نقش سازنده عبادت در کنار علم

- ۱۴۲ ۴ / ۲ بهره های جستجوی دانش
- ۱۴۴ فصل سوم : آداب تعلّم
- ۱۴۴ الف : آنچه شایسته است
- ۱۴۴ ۱ / ۳ اخلاص
- ۱۴۵ ۲ / ۳ انتخاب آموزگار شایسته
- ۱۴۶ ۳ / ۳ رعایت اولویت ها
- ۱۴۶ ۴ / ۳ فارغ ساختن
- ۱۴۷ ۵ / ۳ آموختن شفاهی
- ۱۴۷ ۶ / ۳ خوب گوش دادن
- ۱۴۷ ۷ / ۳ نگارش
- ۱۴۸ ۸ / ۳ پرسیدن
- ۱۴۹ ۹ / ۳ تفکر
- ۱۴۹ ۱۰ / ۳ شناخت آرا
- ۱۴۹ ۱۱ / ۳ پذیرش حق از آورنده آن
- ۱۵۲ ۱۲ / ۳ حرص
- ۱۵۲ ۱۳ / ۳ استمرار
- ۱۵۲ ۱۴ / ۳ شکیبایی
- ۱۵۴ ۱۵ / ۳ پرهیزگاری
- ۱۵۴ ۱۶ / ۳ فروتنی در برابر آموزگار
- ۱۵۵ ۱۷ / ۳ میانه روی در خوراک
- ۱۵۵ ۱۸ / ۳ سحر خیزی
- ۱۵۵ ۱۹ / ۳ غنیمت شمردن فرصت در خردسالی و جوانی
- ۱۵۶ ب : آنچه شایسته نیست
- ۱۵۶ ۲۰ / ۳ آموختن برای غیر خدا
- ۱۵۷ ۲۱ / ۳ خجالت کشیدن
- ۱۵۷ ۲۲ / ۳ پراکندگی در مجلس

- فصل چهارم : آداب پرسیدن ۱۵۸
- الف : آنچه سزاوار است ۱۵۸
- ۴ / ۱ خردورزی ۱۵۸
- ۴ / ۲ پرسیدن برای دانستن ۱۵۸
- ۴ / ۳ نیکو پرسیدن ۱۵۹
- ۴ / ۴ رعایت حقّ تقدّم ۱۵۹
- ب : آنچه شایسته نیست ۱۵۹
- ۴ / ۵ پرسیدن برای درمانده کردن ۱۵۹
- ۴ / ۶ پرسیدن از چیزهایی که پاسخش زیان می رساند ۱۶۰
- ۴ / ۷ پرسش از چیزهای بی فایده ۱۶۱
- ۴ / ۸ بسیار پرسیدن ۱۶۱
- فصل پنجم : احکام تعلّم ۱۶۴
- الف : آنچه فراگیرش واجب است ۱۶۴
- ۵ / ۱ شناخت خدا ۱۶۴
- ۵ / ۲ پایه های اسلام ۱۶۴
- ۵ / ۳ معارف دین ۱۶۵
- ب : آنچه فراگیرش شایسته است ۱۶۶
- ۵ / ۴ خودشناسی ۱۶۶
- ۵ / ۵ دانش های اهل بیت ۱۶۶
- ۵ / ۶ آنچه عمل و صلاح را می افزاید ۱۶۷
- ۵ / ۷ آنچه سود می بخشد ۱۶۷
- ۵ / ۸ از هر دانشی ، نیکوترینش ۱۶۸
- ۵ / ۹ زبان های گوناگون ۱۶۸
- ج : آنچه فراگرفتنش حرام است ۱۶۸
- ۵ / ۱۰ آنچه به فساد می انجامد ۱۶۸
- ۵ / ۱۱ سحر ۱۶۹

- ۱۷۰ ----- ۱۲ / ۵ ستارگان
- ۱۷۱ ----- د : آنچه فراگرفتنش شایسته نیست
- ۱۷۱ ----- ۱۳ / ۵ آنچه سود نمی بخشد
- ۱۷۲ ----- توضیحی در باره احکام یادگیری
- ۱۷۲ ----- ۱ . تعلّم واجب
- ۱۷۳ ----- ۲ . تعلّم مستحب
- ۱۷۴ ----- ۳ . تعلّم حرام
- ۱۷۴ ----- ۴ . تعلّم مکروه
- ۱۷۴ ----- ۵ . تعلّم مباح
- ۱۷۶ ----- بخش ششم : آموزش
- ۱۷۶ ----- اشاره
- ۱۷۸ ----- فصل اول : ضرورت آموزش
- ۱۷۸ ----- ۱ / ۱ اوجوب آموزش بر دانشمند
- ۱۷۸ ----- ۲ / ۱ حرمت پنهان داشتن دانش
- ۱۸۰ ----- ۳ / ۱ ولایت و آموزش
- ۱۸۲ ----- فصل دوم : فضیلت آموزش
- ۱۸۲ ----- ۱ / ۲ سنت پیامبران
- ۱۸۳ ----- ۲ / ۲ ویژگی های آموزش
- ۱۸۳ ----- الف : زکات دانش
- ۱۸۳ ----- ب : برترین صدقه
- ۱۸۴ ----- ۳ / ۲ فایده های آموزش
- ۱۸۴ ----- الف : استواری دانش
- ۱۸۴ ----- ب : رشد خرد
- ۱۸۴ ----- ج : صدقه جاریه
- ۱۸۵ ----- د : آموزش خواهی همه چیز
- ۱۸۵ ----- ه : درود همه چیز

۱۸۵ ۲ / ۴ فضیلت آموزگار
۱۸۸ فصل سوم : آداب آموزش
۱۸۸ ۳ / ۱۱ اخلاص
۱۸۸ ۳ / ۲ برابری میان شاگردان
۱۸۹ ۳ / ۳ بزرگداشت شاگرد
۱۸۹ ۳ / ۴ فروتنی برای شاگرد
۱۹۰ ۳ / ۵ رفق
۱۹۰ ۳ / ۶ بذل دانش به مستحقش و بازداشتن آن از ناهلش
۱۹۱ ۳ / ۷ مزد نگرفتن بر آموزش معارف دین
۱۹۲ فصل چهارم : آداب پاسخ دادن
۱۹۲ ۴ / ۱ آنچه مایه اصابت رأی است
۱۹۲ ۴ / ۲ آنچه مایه اشتباه می شود
۱۹۳ ۴ / ۳ گفتن «نمی دانم»
۱۹۴ ۴ / ۴ سکوت
۱۹۶ بخش هفتم : دانشمند
۱۹۶ اشاره
۱۹۸ فصل اول : فضیلت دانشمند
۱۹۸ ۱ / ۱ ویژگیهای دانشمندان
۱۹۸ الف : اُمْنای خدا
۱۹۸ ب : دوستان خدا
۱۹۸ ج : وارثان پیامبران
۱۹۹ د : نزدیک ترین مردم به پیامبران
۱۹۹ ه : پاک خوی ترین مردم
۱۹۹ و : مرتب آنان برتر از خون شهیدان است
۲۰۰ ز : حاکم بر شاهان
۲۰۰ ح : نگرستن به آنان عبادت است

- ط : زنده در میان مردگان ۲۰۰
- ی : مرگشان شکافی در دین است ۲۰۱
- ک : گریستن همه چیز بر مرگ آنان ۲۰۱
- ۱ / ۲ ویژگیهای راسخان در دانش ۲۰۱
- ۱ / ۳ ویژگیهای داناترین مردم ۲۰۲
- ۱ / ۴ برتری دانشمند بر عابد ۲۰۳
- ۱ / ۵ مثل دانشمندان ۲۰۴
- الف : مانند ستارگان ۲۰۴
- ب : چون ماه تمام ۲۰۴
- ج : مانند کسی که چراغ به همراه دارد ۲۰۴
- ۱ / ۶ فایده های همنشینی با دانشمند ۲۰۵
- ۱ / ۷ دانشمندان در روز قیامت ۲۰۵
- فصل دوم : آداب دانشمند ۲۰۸
- الف : آنچه شایسته دانشمند است ۲۰۸
- ۲ / ۱ عمل ۲۰۸
- ۲ / ۲ مکارم اخلاق ۲۰۹
- ۲ / ۳ بردباری ۲۱۰
- ۲ / ۴ سکوت ۲۱۱
- ۲ / ۵ فروتنی ۲۱۱
- ۲ / ۶ مبارزه با ابلیس ۲۱۲
- ۲ / ۷ مبارزه با ستمکار ۲۱۲
- ۲ / ۸ ردّ بدعت ۲۱۲
- ۲ / ۹ اندرز همدیگر ۲۱۳
- ۲ / ۱۰ اندازه خود را شناختن ۲۱۳
- ۲ / ۱۱ مباحثه ۲۱۳
- ۲ / ۱۲ توقّف هنگام ندانستن ۲۱۴

- ۲۱۴ ۱۳ / ۲ اعتراف به نادانی
- ۲۱۵ ۱۴ / ۲ بسنده نکردن به آنچه می داند
- ۲۱۶ ۱۵ / ۲ یاری جستن از خدا برای افزایش دانش
- ۲۱۶ ۱۶ / ۲ یاری جستن از خدا برای بهره بردن از دانش
- ۲۱۶ ۱۷ / ۲ پناه بردن به خدا از بی بهره ماندن دانش
- ۲۱۷ ۱۸ / ۲ پناه جویی از نادانی
- ۲۱۷ ۱۹ / ۲ استغفار از نادانی
- ۲۱۸ ۲۰ / ۲ پوزش از نادانی
- ۲۱۸ ب : آنچه که سزاوار دانشمند نیست
- ۲۱۸ ۲۱ / ۲ عمل نکردن
- ۲۱۹ ۲۲ / ۲ ادعای دانش
- ۲۱۹ ۲۳ / ۲ حَبّ دنیا
- ۲۲۰ ۲۴ / ۲ کاسبی کردن با دانش دینی
- ۲۲۱ ۲۵ / ۲ نشست و برخاست با پادشاه ستمگر
- ۲۲۱ ۲۶ / ۲ جاه طلبی
- ۲۲۱ ۲۷ / ۲ غزه شدن
- ۲۲۲ ۲۸ / ۲ حسادت
- ۲۲۲ ۲۹ / ۲ حرص
- ۲۲۲ ۳۰ / ۲ خودنمایی
- ۲۲۴ فصل سوم : حقوق دانشمند و آموزگار و دانشجو
- ۲۲۴ ۱ / ۳ حقوق دانشمند
- ۲۲۴ الف : اکرام
- ۲۲۴ ب : کوچک نشمردن دانشمند
- ۲۲۵ ج : فروتنی در برابر وی
- ۲۲۵ د : فرو آوردن صدا نزد وی
- ۲۲۵ ه : پیروی از وی

- و : دیدار وی ۲۲۵
- ز : همنشینی با وی ۲۲۶
- ح : پرسش از وی ۲۲۶
- ط : خدمت به وی ۲۲۷
- ی : ستیزه نکردن با وی ۲۲۷
- ۳ / ۲ حقوق آموزگار ۲۲۷
- ۳ / ۳ حقوق دانشجو ۲۲۹
- فصل چهارم : اصناف دانشمندان ۲۳۰
- فصل پنجم : نمونه های والای دانش و حکمت ۲۳۲
- ۱ / ۵ پیامبران ۲۳۲
- ۲ / ۵ آل ابراهیم ۲۳۴
- ۳ / ۵ بنی اسرائیل ۲۳۴
- ۴ / ۵ خاندان محمد صلی الله علیه و آله ۲۳۴
- ۵ / ۵ لقمان ۲۳۵
- ۶ / ۵ قسّ بن ساعده ۲۳۵
- ۷ / ۵ مثرم بن رغیب ۲۳۵
- ۸ / ۵ سلمان ۲۳۶
- ۹ / ۵ روبیل ۲۳۶
- فصل ششم : دانشمندان بد ۲۳۸
- ۱ / ۶ هشدار به دانشمند بی عمل ۲۳۸
- ۲ / ۶ فراوانی دانشمندان بی کردار ۲۳۹
- ۳ / ۶ تمثّل دانشمند بی کردار ۲۳۹
- ۴ / ۶ دانشمند بی کردار ، نادان است ۲۴۰
- ۵ / ۶ نکوهش دانشمندان بد ۲۴۰
- ۶ / ۶ خطر لغزش دانشمند ۲۴۱
- ۷ / ۶ خطر دانشمندان بد ۲۴۲

۲۴۲ ----- ۸ / ۶ خطر دانشمند بدکار و عابد نادان

۲۴۳ ----- ۹ / ۶ حساب دانشمندان بد

۲۴۳ ----- ۱۰ / ۶ کیفی دانشمندان بد

۲۴۶ ----- درباره مرکز

سیمای علم و حکمت در قرآن و حدیث

مشخصات کتاب

سرشناسه : محمدی ری شهری، محمد، 1325-

عنوان قراردادی : العلم والحكمة في الكتاب والسنة. فارسی

عنوان و نام پدیدآور : علم و حکمت در قرآن و حدیث/محمدی ری شهری، [با همکاری] رضا برنجکار و عبدالهادی مسعودی ؛ مترجم عبدالهادی مسعودی.

مشخصات نشر : قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، سازمان چاپ و نشر، 142ق. = 138 1424 -ق. = 1382.

مشخصات ظاهری : 2ج.

شابک : 42000ریال:دوره:964-5985-28-5

یادداشت : فهرست نویسی بر اساس جلد دوم

یادداشت : این کتاب جلد چهارم کتاب "میزان الحکمه" است که به صورت مستقل منتشر و ترجمه شده است.

یادداشت : 2ج.(چاپ دوم)

یادداشت : کتابنامه.

یادداشت : نمایه.

موضوع : اسلام و آموزش و پرورش -- احادیث.

موضوع : اسلام و آموزش و پرورش -- جنبه های قرآنی.

شناسه افزوده : برنجکار، رضا، 1342-

شناسه افزوده : مسعودی، عبدالهادی، 1343-، مترجم

رده بندی کنگره : BP141/5الف/5م 33041 1380ی

رده بندی دیویی : 297/218

شماره کتابشناسی ملی : 1054131

ص: 1

اشاره

پیشگفتار

پیشگفتار الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على عبده المصطفى محمد وآله الطاهرين وخيار صحابته أجمعين در جهان امروز که علم با همه پیشرفتهای چشمگیرش از حلّ مشکلات اساسی جامعه بشر عاجز مانده است، آشنایی با دیدگاههای اسلام در باره علم و معرفت می تواند گامی بلند و مؤثر در ایجاد تحولی عظیم و سازنده و گره گشا باشد. از آغاز تدوین حدیث در تاریخ اسلام به دلیل اهمیتی که اسلام برای علم و آگاهی قایل است، همه جوامع حدیثی، بخشی را به طرح دیدگاههای این آیین آسمانی در باره علم و معرفت اختصاص داده اند که کاملترین آنها، جزء چهارم و مستقل از موسوعه میزان الحکمة می باشد. این مجموعه که پیشتر ترجمه و تلخیص شده بود، دوباره و برای استفاده دانشجویان عزیز تلخیص گشته و چکیده ای از حاصل سالها تحقیق در باره دانش و حکمت را از دیدگاه اسلام و متون اصلی آن یعنی قرآن و حدیث به صورت موضوعی و با دسته بندی نو به علاقمندان ارائه می دهد. گفتنی است برای تکمیل مباحث مربوط به معرفت شناسی از دیدگاه قرآن و حدیث، مطالعه اصل کتاب و نیز کتاب «العقل والجهل في الكتاب والسنة» (1) پنجمین مجموعه موسوعه میزان الحکمة ضروری است. به امید روزی که همه دانش پژوهان در سراسر جهان، بویژه دانشجویان مسلمان، با بهره گیری از رهنمودهای اسلام و نورانی ساختن خود به نور علم و حکمت، ظلمتکده جهان را روشن و دانش را از بردگی سرمایه داران و زورمداران رها سازند و در خدمت انسانیت قرار دهند. از همه برادران بزرگوار «مرکز تحقیقات دارالحدیث» که در این اثر ارزشمند، خدمتی ارایه کرده اند، سپاسگزارم. همچنین از فاضل گرانمایه حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای دکتر رضا برنجکار که در کار تألیف و تحقیق این کتاب مساعدت ورزیدند و از فاضل ارجمند حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای عبدالهادی مسعودی که ترجمه و تلخیص این اثر را پذیرا شدند، صمیمانه قدردانی و تشکر می کنم. رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ مُحَمَّدٌ مُحَمَّدِي رِي شَهْرِي

13/3/1380

1- این کتاب در سه بخش: «العقل»، «الجهل» و «الجاهلية» در سال 1378 منتشر شده است.

مفهوم علم در متون اسلامی

درآمد «قل هل یستوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون» (1) هیچ مکتبی مانند اسلام برای علم و معرفت ارزش قایل نیست و هیچ دینی مانند اسلام مردم را از خطر جهل تحذیر نکرده است. اسلام علم را اساس همه ارزشها و جهل را ریشه همه مفاسد فردی و اجتماعی و انسان را در هر حرکتی نیازمند شناخت می داند و از او می خواهد که عقاید، اخلاق و اعمالش مبنای علمی داشته باشد. اما کدام علم و کدام معرفت؟ کدام علم معیار ارزش انسان است و موجب تکامل او؟ چه دانشی به او سود می رساند و راه او را در دنیا و آخرت هموار می کند؟ و آخر اینکه تشویقها و تأکیدهای اسلام نسبت به علم، ناظر به چیست؟

مفهوم علم در متون اسلاممیررسی موارد کاربرد واژه علم در متون اسلامی نشان می دهد که علم در اسلام دو مفهوم دارد: یکی را حقیقت و اصل علم می نامیم و دیگری را ظاهر و فرع آن. از نظر اسلام علم حقیقت و جوهری دارد و ظاهر و پوسته ای. انواع علوم رسمی - اعم از اسلامی و غیر اسلامی - پوسته علم محسوب می شوند و حقیقت علم و معرفت چیز دیگری است. آنجا که گفته می شود: «خدا و فرشتگان و دانشمندان گواهی می دهند که جز او هیچ معبودی نیست» (2) و یا «آنان که دانش یافته اند می دانند که آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده، حق است» (3) و یا «از میان بندگان خدا تنها دانایان از او بیم دارند» (4)، سخن از حقیقت و جوهر علم است. و آنجا که گفته می شود: «فقط پس از آن که علم برایشان حاصل آمد، راه تفرقه پیمودند» (5) و یا «کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شده با یکدیگر به اختلاف پرداختند مگر پس از آنکه علم برای آنان حاصل آمد» (6)، سخن از ظاهر و پوسته علم است. در اینجا سه سؤال مطرح می شود که حقیقت علم چیست؟ و چگونه می توان با شناخت ویژگیهای حقیقت علم آن را از ظاهر و پوسته اش تمیز داد؟ و چگونه می توان آن را تحصیل کرد؟

1- سوره زمر، آیه 9.

2- سوره بقره، آیه 185.

3- سوره فاطر، آیه 28.

4- سوره جاثیه، آیه 23.

5- سوره شوری، آیه 14.

6- سوره آل عمران، آیه 19.

حقیقت علم

حقیقت علم حقیقت علم نوری است که در پرتو آن ، انسان جهان را آن گونه که هست می بیند و جایگاه خود را در هستی می یابد . نور علم مراتبی دارد که بالاترین آن نه تنها انسان را با راه تکامل خود آشنا می کند بلکه او را در این مسیر حرکت می دهد و به مقصد اعلای انسانیت می رساند . قرآن کریم باصراحت از این نور سخن می گوید: «آیا کسی که مرده دل بود و زنده اش کردیم و برای او نوری پدید آوردیم تا در پرتو آن در میان مردم برود ، چون کسی است که گویی گرفتار در تاریکیهاست و از آن بیرون آمدنی نیست؟» (1) امام علی علیه السلام در باره این نور و مهمترین خاصیت آن یعنی رساندن انسان به مقصد اعلای انسانیت می فرماید :

1- .سوره انعام، آیه 22.

«عقلش را زنده داشته و نفسش را کشته است تا آن جا که درشتی هایش خُرد و خشونت‌هایش نرم شده و نوری پر فروغ برایش درخشیدن گرفته است که شاهراه توحید را روشن سازد و در پرتوش راه پیموده شود. بدین سان درها یکی پس از دیگری او را به آستان سلامت مطلق و برای اقامت جاوید می راند و ثابت قدم و استوار در جایگاه امنیت و آسایش ثبات می یابد، زیرا که او قلب خود را به کار گرفت و پروردگارش را خشنود کرد» (1).

آیات و احادیثی که نورانیت انسان را مقدمه حرکت صحیح او به سوی کمال مطلق می دانند، و یا علم را به نور تفسیر می کنند، و یا علم را ملازم باایمان به خدا و رسالت انبیای الهی و همراه با صفات پسندیده و اعمال شایسته می دانند، در واقع جوهر و حقیقت علم را توضیح می دهند. دلیل این که این نور را، مغز علم و همه علوم رسمی را پوسته علم می شماریم، آن است که ارزش علوم رسمی به آن وابسته است. جوهر علم است که به علم ارزش حقیقی می دهد؛ یعنی علم را در خدمت انسان و در جهت تکامل و بهروزی او قرار می دهد و بدون آن نه تنها علم فاقد خواص و آثار علم می شود، بلکه تبدیل به يك عنصر ضد ارزش و ضد انسانیت می گردد. و این معنی مطلق بودن ارزش حقیقت علم و مشروط بودن علوم رسمی است زیرا علوم رسمی بی جوهر علم نمی توانند در خدمت انسان قرار گیرند. نکته مهم اینکه وقتی علم جوهر و خاصیت خود را از دست داد نه برابر با جهل که از آن زیانبارتر می گردد، زیرا سقوط انسان را تسریع می کند. علم وقتی جوهر و جهت حقیقی خود را از دست داد درست مانند راهنمایی است که به جای آنکه انسان را در مسیر قرار دهد، او را به بیراهه می کشد. اینجاست که علم هر چه بیشتر پیشرفت کند برای انسانیت خطرناکتر می شود. خطر بزرگی که امروز بشر را تهدید می کند این است که علم رشد کرده ولی جوهر و جهت و خاصیت خود را از دست داده و در مسیر انحطاط و سقوط انسانیت به کار می رود. با اندک تأملی می توان دریافت که در جهان امروز علم چه آفاتی را بر بشریت تحمیل کرده است و شمشیر علم در کف قدرتهای بزرگ جهان چه به روز انسان آورده است. دزدهایی که برای غارت ماده و معنای انسان از چراغ علم بهره می گیرند، چگونه با قساوت عمل می کنند و به هیچ چیز و به هیچ کس رحم نمی کنند. به گفته برشت: «انسان امروز از علم بیزار است، زیرا علم بود که فاشیسم را به وجود آورد و به بشریت تحمیل کرد و علم بود که برای نخستین بار مسأله گرسنگی را در سطحی به این وسعت که از هر سه تن، دو تن در جهان گرسنه اند ایجاد کرد...» (2). آیا فنون و ابزار دزدی، قتل و فساد را می توان علم نامید؟ آیا دانشی که جامعه را به تباهی می کشد، علم و نور است و یا جهل و ظلمت؟ این است معنای سخن رسول اکرم صلی الله علیه و آله که فرمود: «برخی از دانش ها نادانی است» (3). و از این روست که بی آنکه دچار تناقض گویی شویم می توانیم دانش را نادانی بدانیم زیرا هنگامی که علم جوهر و خاصیت نداشته باشد با جهل یکی است و از همین رو امام علی علیه السلام می فرماید: «دانش خود را به نادانی تبدیل نکنید» (4)؛ یعنی کاری نکنید که علم بی خاصیت شود و نام علم از آن سلب شود. علم در دنیای امروز با از دست دادن جوهر و جهت راستین خود به این سرنوشت شوم گرفتار شده که همچون جهل، کُشنده و فاسد کننده و خانمانسوز گردیده است، بلکه از جهل نیز زیانبارتر گشته است. حضرت علی علیه السلام چه زیبا و دقیق فرموده است:

1- نهج البلاغه، خطبه 220.

2- تاریخ و شناخت ادیان: ص 34.

3- تحف العقول: ص 57.

«بسی دانشمند که نادانی اش او را کشته و دانشی که به همراه داشته ، او را سودی نبخشیده است» (1).

سرنوشت رقت انگیز عالمی که از جهل هلاک می شود شگفت انگیز است . هنگامی که سعد بن ابی وقاص گزارش سفرش را برای پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می کند ، جهل آنان را چنین به تصویر می کشد : «ای پیامبر خدا! من از نزد قومی به سوی تو می آیم که آنان و چهار پایانشان یکسان اند . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود : ای سعد! آیا تو را به شگفت تر از این آگاه نکنم؟ قومی که آنچه را اینان نمی دانند می دانند و سپس مانند ایشان نادانی می کنند» (2) . این سخن بیانگر سرنوشت علم در جهان امروز است . جامعه متمدن و دانای امروز از نادانی رنج می برد و قربانی جهل خویش است . این چنین است که علم ، بشر را به کره ماه می رساند ، اما نمی تواند در حرکت انسان به سوی کمال مطلق و رشد و تکامل وی نقشی داشته باشد .

1- نهج البلاغه : حکمت 107.

2- کنز العمال : ج 10، ص 211، ح 29116.

ویژگیهای جوهر علم

1. ریشه نور علم در فطرت انسان

ویژگیهای جوهر علمویژگیها و آثار و علایم جوهر علم در قرآن و روایات اسلامی مشابه ویژگیها و آثار و علایم حقیقت حکمت و جوهر عقل است. این تشابه کمک فراوانی در راه شناخت حقیقت علم و عقل از نظر اسلام می کند. برخی از این ویژگیها را در متن کتاب و نیز کتاب «العقل والجهل في الكتاب والسنة» ملاحظه خواهید کرد. در اینجا تنها به فهرست مهمترین آنها اشاره می کنیم:

1. ریشه نور علم در فطرت انسانا حادیثی که علم را سرشته در دل می دانند (1)، و یا آن را به «مطبوع» و «مسموع» تقسیم می کنند (2) و یا از آن به نوری که خداوند متعال به دل افاضه می نماید تعبیر می نمایند (3)، و نیز همه آیات و روایاتی که خداشناسی را فطری می دانند، اشاره به این ویژگی علم دارند.

1- قرّة العیون : ص 439.

2- نهج البلاغه : حکمت 338.

3- منیة المرید : ص 149.

2. وحدت جوهر علم

3. جداناپذیری حقیقت علم از ایمان

4. همراهی علم و بیم از خدا

2. وحدت جوهر علم به عکس علوم رسمی _ و به تعبیر روایات، علوم سمعی _ که رشته های مختلف دارند، جوهر علم يك حقیقت بیش نیست و شاید این حدیث «دانش نقطه ای بود، نادانان آن را زیاد کردند» (1) اشاره به این ویژگی باشد.

3. جداناپذیری حقیقت علم از ایمان این ویژگی در آیات و روایات فراوانی مورد توجه قرار گرفته است و حاصل آن این است که انسان نمی تواند عالم به مفهوم حقیقی آن باشد و مؤمن نباشد. به گفته امام علی علیه السلام: «ایمان و دانش برادران همزادند و دورفیق اند که از هم جدا نمی شوند» (2).

4. همراهی علم و بیم از خدا از نظر قرآن کریم، علم همراه با بیم از خداوند متعال است. این کتاب آسمانی با صراحت و با قاطعیت اعلام کرده است که: «از میان بندگان خدا تنها دانایان از او بیم دارند» (3). نکته قابل تأمل این است که اثبات ملازم بودن علم با بیم از خدا از سوی قرآن، در ادامه سخن در باره چند رشته از علوم طبیعی است. خداوند در سوره فاطر چنین می فرماید: «آیا ندیده ای که خدا از آسمان، آبی فرو فرستاده و بدان میوه های رنگارنگ برآوردیم و نیز از کوهها راههایی سپید و سرخ رنگارنگ و همچنین سیاه سیاه [پدید آوردیم]. بدین گونه از مردم و جانوران و چهارپایان رنگارنگ [آفریده ایم]. از میان بندگان خدا تنها دانایان اند که از او می ترسند. آری خدا پیروز آمرزنده است» (4). بنابر این علوم طبیعی نیز می تواند موجب بیم از خدا شود به شرط آنکه نور هدایتگر حقیقت علم همراه آن گردد و دانشمند با نور علم به طبیعت بنگرد و در پدیده های اعجاب انگیزش تأمل نماید.

1- عوالی اللآلی: ج4، ص129، ح 223.

2- غرر الحکم: 1785.

3- سوره فاطر: آیه 28.

4- سوره فاطر، آیه 27 و 28.

5. اخلاق شایسته از برکات نور علم**6. جداناپذیری جوهر علم از عمل شایسته****راه کسب نور علم**

5. اخلاق شایسته از برکات نور علمیکی از آثار حقیقت نورانی علم، خود سازی و صفات پسندیده است. این ویژگی در روایات فراوانی مورد توجه قرار گرفته است؛ به گفته امام علی علیه السلام:

«هر اندازه دانش انسان افزون گردد توجه وی نسبت به نفس خود بیشتر گردد و در ریاضت و اصلاح آن کوشش بیشتری مبذول کند» (1).

6. جداناپذیری جوهر علم از عمل شایسته یکی از ویژگیهای برجسته نور علم که در روایات فراوانی مورد تاکید قرار گرفته، عمل صالح است (2). از نظر این احادیث عمل شایسته ثمره علم است و بدون عمل، چراغ علم در وجود انسان خاموش می شود.

راه کسب نور علم در این کتاب ملاحظه خواهید کرد که مبدأ علوم رسمی، حسّ و عقل و راه تحصیل آن تعلیم و تعلم است و مبدأ نور علم، قلب است. اما این علم آموختنی نیست و راه تحصیل آن در گام نخست زدودن موانع و در گام دوم فراهم ساختن زمینه های پیدایش آن است. نور علم ریشه در فطرت انسان دارد و تحصیل آن به معنای فراهم ساختن شرایط شکوفایی فطرت است که در این حالت، علم خود آشکار می گردد: «دانش در دل‌های شما سرشته است، به آداب روحانیان متادّب شوید تا برایتان آشکار گردد» (3). نقش محصل در تحصیل نور علم، تنها فراهم ساختن زمینه پیدایش آن است و گرنه فروغ نور علم هدیه ای است الهی به انسانهای شایسته که از عالم غیب سرچشمه می گیرد و کانون جان را روشن می سازد: «دانش، نور و پرتوی است که خدا در دل‌های دوستانش می تاباند» (4). نکته قابل توجه این که هر چند نور علم قابل تعلیم و تعلم نیست اما بی تردید مقدمات آن نیاز به تعلیم و تعلم دارد و واجب ترین وظیفه انبیای الهی و اوصیا و وارثان آنان _ یعنی عالمان ربّانی _ همین است و آنچه در آداب تعلیم و تعلم و عالم و احکام تعلم در این کتاب آمده در این باب است. امید آن که استادان و دانشجویان در همه رشته های علمی با رعایت این آداب به نور علم دست یابند.

1- غرر الحکم: 7204 و نیز بنگرید به: بخش نخست، دانش، فصل سوم: آثار دانش، صلاح.

2- بنگرید به: بخش نخست، دانش، فصل سوم: آثار دانش، عمل.

3- قرّة العیون: 439.

4- همان: ص 438.

بخش اول : دانش

اشاره

بخش اول : دانشفصل اول: حقیقت دانشفصل دوم: فضیلت دانشفصل سوم : آثار دانش

فصل اول : حقیقت دانش

فصل اول حقیقت دانش قرآن «خدا که همواره به عدل قیام دارد و فرشتگان و دانشمندان گواهی می دهند که جز او معبودی نیست ؛ جز او که پیروز و حکیم است» . (1)

«و آنان که از دانش بهره یافته اند ، می دانند که آنچه از جانب پروردگارت بر تو نازل شده ، حق است و به راه خدای پیروز ستوده هدایت می کند» . (2)

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دانش دو گونه است : دانش در دل که دانشی سودمند است و دانش بر زبان که حجت خدا بر بندگانش است . (3)

امام صادق علیه السلام : دانش به فراوانی آموختن نیست ، بلکه نوری است که در دل آنکه خدا هدایتش را بخواهد ، می تابد . پس هرگاه در پی دانش بودی ، ابتدا جوهره بندگی را در جانت بجوی و

1- .سوره آل عمران ، آیه 18 .

2- .سوره سبأ ، آیه 6 .

3- .مصنف ابن ابی شیبہ : ج 8 ، ص 133 ، ح 60 .

با به کار بستن دانش آن را به دست آور و فهم را از خدا بطلب تا به تو بفهماند . (1)

خداوند متعال به آدم وحی کرد : من همه دانش را برایت در چهار کلمه گرد می آورم : یکی برای خودم؛ و یکی برای تو؛ و یکی میان من و تو؛ و یکی هم میان تو و مردم . آنچه برای من است اینکه مرا پرستی و هیچ چیز را شریک من نکنی؛ و آنچه برای توست اینکه من در برابر عمل تو هنگامی به تو پاداش می دهم که بیشترین نیاز را به آن داری . و آنچه میان من و توست اینکه وظیفه تو دعا کردن است و اجابت کردن به عهده من؛ و آنچه میان تو و مردم است اینکه برای مردم آن را پسندی که برای خود می پسندی . (2)

ر . ك : ص 19 «درآمد» / ص 37 «آثار دانش» / ص 72 «الهام» .

1- .مشكاة الأنوار : 326.

2- .قصص الأنبياء : ص 69 ، ح 50 .

فصل دوم : فضیلت دانش

2 / 1 معیار ارزش انسان

2 / 2 بنیاد هر نیکی

فصل دوم فضیلت دانش 2 / 1 معیار ارزش انسانقرآن «بگو: آیا آنان که می دانند با آنان که نمی دانند برابرنند؟» (1)

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پر ارزش ترین مردم، دانشمندترین و کم ارزش ترین مردم، نادان ترین ایشان اند. (2)

امام علی علیه السلام: ای مؤمن! همانا این دانش و ادب، بهای نفس توست، پس در آموختن آن بکوش که هر آنچه بر دانش و ادب افزایش دهد، بر ارج و بهای تو بیفزاید که با دانش، به سوی پروردگارت ره میبری. (3)

ر. ک: ص 32 «سرافرازی دوسرا» / ص 33 «برترین شرف».

2 / 2 بنیاد هر نیکی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: منشأ هرگونه خیری است. (4)

1- .سوره زمر، آیه 9.

2- .الفقیه: ج 4، ص 394، ح 5840.

3- .روضه الواعظین: 16.

4- .جامع الأحادیث للقمی: 102.

2 / 3 سرافرازی دو سرا

2 / 4 کُشنده نادانی

2 / 5 حقیقت زندگانی

2 / 3 سرافرازی دو سراقراآن «خداوند کسانى از شما را كه ايمان آوردند [يك درجه] و دانش يافتگان را درجاتی رفعت بخشد و خدا به آنچه مى كنيد آگاه است.» (1)

حدیث امام علی علیه السلام: گرامی ترین عزّت، دانش است، زیرا با آن شناخت معاد و معاش به دست آید و خوارترین خواری، نادانی است؛ زیرا صاحب آن کر و لال و کور و سرگردان است. (2)

ر. ك: ص 31 «معیار ارزش انسان» / ص 33 «برترین شرف».

2 / 4 کُشنده نادانیا امام علی علیه السلام: دانش، کُشنده نادانی و مایه بزرگواری است. (3)

امام علی علیه السلام: آنکه با دانش خود به پیکار با نادانی اش برخیزد به بالاترین خوشبختی مى رسد. (4)

2 / 5 حقیقت زندگانیا مبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل مى فرماید: گفتگوی علمی در میان بندگانم دلهاى مرده را حیات مى بخشد؛ آن گاه كه در آن به امر من برسند. (5)

1- سوره مجادله، آیه 11.

2- نزهة الناظر: ص 70، ح 65.

3- غرر الحکم: 1584

4- غرر الحکم: 8859.

5- الكافی: ج 1، ص 40، ح 6.

2 / 6 بهترین همدم

2 / 7 بهترین زیبایی

2 / 8 بهترین هدایت

2 / 9 برترین شرف

2 / 10 برترین جز

امام علی علیه السلام: دانش، زندگی و درمان است. (1)

ر. ك: ص 179 «زنده در میان مردگان».

2 / 6 بهترین همدامام علی علیه السلام: بهترین همدم، دانش است. (2)

امام علی علیه السلام: دانش فراگیرید؛ چرا که در تنهایی، همدم و در غربت، همره و در خلوت، هم صحبت است. (3)

2 / 7 بهترین زیباییامام علی علیه السلام: دانش، بهترین زیبایی است. (4)

امام علی علیه السلام: زینت بخش مرد، دانش و بردباری اوست. (5)

2 / 8 بهترین هدایتامام علی علیه السلام: دانش، برترین هدایت است. (6)

امام علی علیه السلام: آنکه را دانش نیست، هدایت نیست. (7)

2 / 9 برترین شرفامام علی علیه السلام: دانش، برترین شرف است. (8)

امام علی علیه السلام: ریاست علمی، شریف ترین ریاست است. (9)

امام جواد علیه السلام: شریف به تمام معنا کسی است که دانشش

.

1- غرر الحکم: 688

2- غرر الحکم: 1654.

3- کنز الفوائد: ج 2، ص 108.

4- غرر الحکم: 1671

5- غرر الحکم : 9778

6- غرر الحکم : 846

7- غرر الحکم : 10785

8- غرر الحکم : 481

9- غرر الحکم : 5589.

2 / 11 پوشاندن عیوب

2 / 12 پرسودترین گنج

2 / 13 بهترین میراث

مایه شرف او گردد . (1)

ر . ك : ص 31 «معیار ارزش انسان» / ص 32 «سرافرازی دو سرا» .

2 / 10 برترین حرز امام علی علیه السلام : دانش ، حرز (نگهدارنده) است . (2)

امام علی علیه السلام : دانش ، پرده ای جلوگیر از آفتهاست . (3)

2 / 11 پوشاندن عیوب امام علی علیه السلام : آنکه جامه دانش بپوشد ، عیبش از مردم نهان ماند . (4)

2 / 12 پرسودترین گنج امام علی علیه السلام : گنجی سودمندتر از دانش نیست . (5)

امام علی علیه السلام : دانش ، گنج بزرگی است که فنا نمی پذیرد . (6)

2 / 13 بهترین میراث امام علی علیه السلام : دانش ، میراثی ارجمند و نعمتی عام و گسترده است . (7)

1- .كشف الغمّه : ج 3 ، ص 140 .

2- .غور الحکم : 218

3- .غور الحکم : 720 .

4- .تحف العقول : 215 .

5- .الكافی : ج 8 ، ص 19 ، ح 4 .

6- .غور الحکم : 1234

7- .غور الحکم : 1701 .

2 / 14 بهتر از مال

2 / 15 انفاق نابودش نمی کند

2 / 16 کمال ایمان

2 / 14 بهتر از مال امام علی علیه السلام: خداوند سبحان، مال را به کسانی که دوست یا دشمن دارد می بخشد؛ ولی دانش را جز به کسی که دوست دارد نمی بخشد. (1)

امام علی علیه السلام: دانش در هفت چیز بر مال برتری دارد: نخست اینکه دانش میراث پیامبران است و مال میراث فراعنه. دوم اینکه دانش به بخشش کاستی نپذیرد و مال بدان کاستی گیرد. سوم اینکه مال به نگهبان نیاز دارد اما دانش، دارنده اش را نگه می دارد. چهارم اینکه دانش همراه مرده می رود و مال می ماند. پنجم اینکه مال به چنگ مؤمن و کافر می آید، ولی دانش تنها نصیب مؤمن می شود. ششم اینکه همه مردم در کار دین خود به عالم نیاز دارند ولی به صاحب مال نیازی ندارند. هفتم اینکه دانش در گذشتن از صراط آدمی را نیرو می بخشد، ولی مال مانع اوست. (2)

ر. ک: ص 114 «واجب تر از طلب مال».

2 / 15 انفاق نابودش نمی کند امام علی علیه السلام: همه چیز با انفاق کاستی گیرد، جز دانش. (3)

ر. ک: ص 163 «استواری دانش».

2 / 16 کمال ایمان امام علی علیه السلام: سه ویژگی در هر که باشد ایمانش به کمال

1- غرر الحکم : 3522 .

2- آداب تعلیم و تعلّم : 64 .

3- غرر الحکم : 6888 .

2 / 17 شرط عمل

2 / 18 پایان ناپذیر

رسد: خرد، بردباری و دانش. (1)

ر. ك: ص 37 «ایمان» / ص 75 «ایمان».

2 / 17 شرط عمل پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آن کس که بی دانش دست به کاری زند بیش از آنکه اصلاح کند تباه می سازد. (2)

امام صادق علیه السلام: عمل کننده بی بصیرت، مانند رونده در بیراهه است. هر چه تندتر رود از مقصد دورتر شود. (3)

ر. ك: ص 38 «عمل» / ص 187 «عمل» و ص 197 «عمل نکردن» / ص 217 «دانشمندان بد».

2 / 18 پایان ناپذیر قرآن «بالا تر از هر دانشمندی، دانایی هست». (4)

حدیث امام علی علیه السلام: به پایان دو چیز نمی توان رسید: دانش و خرد. (5)

امام علی علیه السلام: هر کس ادعا کند که به انتهای دانش رسیده است، نهایت نادانی خود را آشکار ساخته است. (6)

1- غرر الحکم: 4658.

2- الکافی: ج 1، ص 44، ح 3

3- الکافی: ج 1، ص 43، ح 1.

4- سوره یوسف، آیه 76.

5- غرر الحکم: 5768

6- غرر الحکم: 9193.

فصل سوم : آثار دانش

3 / 1 ایمان

3 / 2 بیم

فصل سوم آثار دانش 3 / 1 ایمانقرآن «تا دانش یافتگان دانند که این قرآن، حقی است و از جانب پروردگار توست ، پس بدان ایمان آورند و دلهایشان برای آن خاضع گردد و براستی ، خداوند کسانی را که ایمان آورده اند به سوی راهی راست رهنماست» . (1)

حدیث امام علی علیه السلام : ایمان و دانش ، برادران همزادند و دورفیق اند که از هم جدا نمی شوند . (2)

ر . ك : ص 35 «کمال ایمان» / ص 75 «ایمان» .

3 / 2 بیمقرآن «از میان بندگان خدا ، تنها دانایان از او بیم دارند . بی گمان

1- .سوره حج ، آیه 54 .

2- .غرر الحکم : 1785 .

خدا پیروز و آمرزنده است» (1).

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ در وصیتش به ابوذر _ ای ابوذر! به هر کس دانشی داده شود اما [از بیم خدا] نگرید ، دانشی بی سود داده شده است ، زیرا خدای عز و جل دانشمندان را توصیف فرموده و گفته است : «بی گمان کسانی که پیش از نزول آن ، دانش یافته اند ، چون این کتاب بر آنان خوانده شود سجده کنان به رو در می افتند و می گویند : منزه است پروردگار ما که بی گمان وعده پروردگار ما انجام شدنی است و به رو در می افتند و می گریند و بر فروتنی آنها می افزاید» (2) . (3)

امام علی علیه السلام : هرگاه دانش انسان افزون شود ، بر ادبش افزوده و بیم وی از پروردگارش ، دو چندان شود . (4)

3 / 3 عمل امام علی علیه السلام : غایت دانش ، عمل نیکوست . (5)

امام علی علیه السلام : ثمره دانش ، پرستش است . (6)

امام صادق علیه السلام : دانش با عمل همراه است . پس هر که دانست عمل کرد و هر که عمل کرد دانست و دانش ، به عمل فرا

1- .سوره فاطر ، آیه 28 .

2- .سوره اسراء ، آیه 107 _ 109 .

3- .مکارم الأخلاق : ج 2 ، ص 367 ، ح 2661.

4- .غرر الحکم : 4174

5- .غرر الحکم : 4600

6- .غرر الحکم : 6357 .

می خواند، پس اگر او را اجابت کرد چه بهتر و گرنه از او جدا و دور می شود. (1)

ر. ك: ص 187 «عمل» و ص 197 «عمل نکردن» / ص 217 «دانشمندان بد».

3 / 4 صلاح امام علی علیه السلام: هر اندازه دانش انسان افزون گردد، توجّه وی به نفسش بیشتر گردد و در ریاضت و اصلاح آن کوشش بیشتری مبذول کند. (2)

امام علی علیه السلام: کژی، با دانش راست می شود. (3)

ر. ك: ص 51 «آثار حکمت».

1- الكافی: ج 1، ص 44، ح 2.

2- غرر الحکم: 7204

3- غرر الحکم: 4234.

بخش دوم : حکمت

اشاره

بخش دوم : حکمتفصل اول: معنای حکمتفصل دوم: فضیلت حکمتفصل سوم: آثار حکمتفصل چهارم: اساس حکمتفصل پنجم:
حکمت‌های جامعفصل ششم: ویژگی‌های حکیمان

فصل اول : معنای حکمت

اشاره

فصل اول معنای حکمت قرآن «این (رهنمودها) از جمله حکمت‌هایی است که پروردگارت به تو وحی کرده است». (1)

حدیث امام علی علیه السلام: آغاز حکمت، ترك لذتها و پایان آن، نفرت از چیزهای گذراست. (2)

امام صادق علیه السلام _ درباره گفتار خدای عز و جل: «و هر که حکمت یابد، خیری فراوان یافته است» _ می فرماید: مقصود فرمانبرداری از خدا و شناخت امام است. (3)

امام کاظم علیه السلام _ در تفسیر گفته خدای متعال: «و به لقمان حکمت دادیم» _ فرمود: منظور فهم و خرد است. (4)

ر. ک: ص 51 «آثار حکمت» / ص 53 «اساس حکمت» / ص 55 «حکمت‌های جامع».

1- .سوره بقره، آیه 269.

2- .غرر الحکم : 3052.

3- .الکافی : ج 1، ص 85، ح 11

4- .الکافی : ج 1، ص 16، ح 12.

1. حکمت نظری

پژوهشی در معنای حکمت و اقسام آنواژه حکمت در قرآن کریم بیست بار تکرار شده و خداوند متعال خود را بدین صفت وصف فرموده و در این کتاب آسمانی نود و یک بار از آن تمجید کرده است. عالمان لغوی برای واژه حکمت دو معنای بنیادین یاد کرده اند: معنای اول: منع، از آن روی که مانع از نادانی و کردار زشت است و معنای دوم: استواری، چون بر علم استوار و خالی از خلل اطلاق می شود، همچون معلومات عقلی حق و بطلان ناپذیر و به دور از دروغ. ما با استفاده از احادیث و نیز تفاسیر متعدد، حکمت را عبارت از مقدمات علمی، عملی و روحی برای نیل انسان به هدف والایش می دانیم و آنچه را در تفسیر حکمت می آید مصداقهای این معناست. در پرتو تعریف مذکور حکمت سه گونه می شود: حکمت نظری و حکمت عملی و حکمت حقیقی. این سه همچون پله های نردبان استواری هستند که زمینه و مایه اعتلای آدمی به مقام انسان کامل بلکه نزدیک شدن به کمال مطلق است. پیامبران، نخستین پله این نردبان را بنا نهادند و وظیفه انسان است که پله دوم را بسازد و اما نردبان سوم در اختیار خدای متعال است که آن را کار گذارد.

1. حکمت نظری حکمت نظری مقدمه علمی رسیدن به هدف اعلای انسانی است. از ویژگیهای این حکمت، قابلیت آموزش آن است و یکی از انگیزه های اساسی بعثت پیامبران به شمار می رود که قرآن کریم در آیات متعدد بدان پرداخته است. خداوند می فرماید: «یقیناً خدا بر مؤمنان در برانگیختن فرستاده ای از ایشان ممت نهاده است که آیات خود را برایشان بخواند و آنها را پاکیزه گرداند و بدیشان کتاب و حکمت بیاموزد؛ هرچند پیش از آن در گمراهی آشکاری بسر برده باشند» (1). از دیدگاه قرآن حکمت نظری شامل همه معارف اعتقادی و اخلاقی و عملی می گردد که آدمی را به سوی زندگانی پاکیزه رهنمون می شود و به غایت خلقتش نزدیک می گرداند. از این روست که قرآن کریم پس از ارائه امور گوناگون در عرصه های اعتقادی و اخلاقی و عملی، همه آنها را حکمت دانسته و فرموده است: «اینها از حکمت هایی است که پروردگارت به تو وحی کرده است» (2).

1- سوره آل عمران: 164، و بنگرید به سوره های بقره: آیه 129 و 151، جمعه: آیه 2.

2- سوره اسراء، آیه 39.

2. حکمت عملی

2. حکمت عملی حکمت عملی مقدمه عملی رسیدن به مرتبه انسان کامل است . با تجلی این ، همه اعمال آدمی که مایه رشد انسان و نزدیکی او به غایت خلقت و کمال است ، در انسان تحقق می یابد . احادیثی که حکمت را به طاعت خدای تعالی و مدارا با مردم و دوری از کبائر و اجتناب از نیرنگ تفسیر می کنند، به این نوع از حکمت اشاره دارند (1).

1- . بنگرید به ص 53 : اساس حکمت .

3. حکمت حقیقی

3. حکمت حقیقی حکمت نظری، مقدمه حکمت عملی و حکمت عملی، سرآغاز حکمت حقیقی است و تا آن هنگام که آدمی بدین درجه از حکمت نرسیده، به مفهوم واقعی حکیم نیست؛ هر چند استاد کلّ در کلّ باشد. حکمت حقیقی در واقع جوهر علم و حقیقت دانش است و از این رو خواص علم حقیقی و آثارش بر آن مترتب می شود و از مهمترین آثار حقیقت دانش که در قرآن کریم آمده همان بیم از خداست. به حکم آیه شریفه: «از میان بندگان خدا، تنها دانایان از او بیم دارند» (1). و همین اثر در کلام رسول خدا برای حکمت نیز گفته شده است، آنجا که می فرماید: «بیم از خدای عزّوجلّ بنیاد هرگونه حکمت است» (2). حکمت حقیقی نوری است که خدا آن در نتیجه عمل به حکمت نظری به انسان می دهد و این نورانیت همان گونه که از تفسیر امام صادق علیه السلام از حکمت بر می آید، ضد هوا و هوس است و هر اندازه قلب از آن پرتو گیرد، به همان اندازه هوا از آن می گریزد و شهوت ضعیف می شود تا آنجا که می میرد و عقل زنده می شود و دیگر زمینه ای برای ارتکاب اعمال زشت در انسان باقی نمی ماند و در نتیجه حکمت با عصمت همراه می گردد و در نهایت همه ویژگیهای حکیم و دانشمند حقیقی در انسان مشاهده و در اوج آدمی به نفس خویش و پروردگار خود عارف می گردد و به هدف اعلای انسانیت نایل می شود و آن «لقاء الله» است. در این مقام است که قلب از هر چه فانی است می بُرد و به عالم بقا می پیوندد و بر این مبناست که امام علی علیه السلام می فرماید: «سرآغاز حکمت، ترك لذتهاست و پایان آن نفرت از امور فانی» (3) و نیز می فرماید: «تعریف حکمت روی گرداندن از سرای ناپایدار است و شوق به خانه ماندگار» (4). با این توضیح بر ما روشن می گردد که چرا خداوند حکمت را خیر فراوان می نامد. و می فرماید: «هر کس حکمت داده شود، قطعاً خیر فراوانی به او داده شده است» (5).

1- سوره فاطر، آیه 28.

2- حلیة الأولیاء: ج 2، ص 386.

3- بنگرید به ص 43 ح 53.

4- غرر الحکم: 4900.

5- سوره بقره، آیه 269.

فصل دوم : فضیلت حکمت

فصل دوم فضیلت حکمت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نزدیک است که حکیم ، پیامبر گردد . (1)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : حکمت ، شرف بزرگوار را می افزاید و بنده مملوک را تا مجلس ملوک بالا می کشد . (2)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : انسان مسلمان هدیه ای برتر از سخنی حکیمانه که خداوند بدان ، هدایش را افزون کند یا از نابودیش برهاند به برادرش نداده است . (3)

امام علی علیه السلام : هر که به حکمت شناخته شود ، چشمها او را به دیده وقار و شکوه بنگرند . (4)

امام علی علیه السلام : مایه توانگری خردمند ، حکمتش و مایه عزت وی قناعتش باشد . (5)

ر . ک : ص 31 «فضیلت دانش» .

1- .کنز العمال : ج 16 ، ص 117 ، ح 44123.

2- .حلیة الأولیاء : ج 6 ، ص 173 .

3- .شعب الایمان : ج 2 ، ص 280 ، ح 1764.

4- .الکافی : ج 8 ، ص 23 ، ح 4.

5- .غرر الحکم : 6422 .

فصل سوم : آثار حکمت

3 / 1 کاستی شهوت

3 / 2 بازداشتن از زشتی

3 / 3 عصمت

3 / 4 روشنی دل

فصل سوم آثار حکمت 3 / 1 کاستی شهوت امام علی علیه السلام: هر اندازه حکمت قوی گردد، شهوت ضعیف شود. (1)

3 / 2 بازداشتن از زشتی امام علی علیه السلام: جانها، طبیعتهای بدی دارند و حکمت است که از آنها باز می دارد. (2)

3 / 3 عصمت امام علی علیه السلام: حکمت با عصمت همراه است. (3)

3 / 4 روشنی دل عیسی علیه السلام: حکمت، روشنی هر دل است. (4)

1- غرر الحکم : 7205

2- غرر الحکم : 7341

3- غرر الحکم : 6712 .

4- تحف العقول : 512 .

3 / 5 هدایت

3 / 6 دانش

3 / 7 شناخت خود

امام کاظم علیه السلام: خداوند دل‌های مؤمنان را سربسته و در پیچیده به ایمان آفریده است، پس هرگاه روشن ساختن آن را اراده کند، آب حکمت بر آن بیفشاند و دانش در آن بکارد و کشتکار و نگاهدار آن، پروردگار جهانیان است. (1)

3 / 5 هدایت امام علی علیه السلام: دانش یاری می‌رساند، حکمت ره می‌نماید. (2)

3 / 6 دانش امام علی علیه السلام: دانش، ثمره حکمت است و درستی از شاخه‌های آن. (3)

3 / 7 شناخت خود امام علی علیه السلام: شناخت خویشتن، از حکمت است. (4)

ر. ک: ص 37 «آثار دانش».

1- الکافی: ج 2، ص 421، ح 3.

2- غرر الحکم: 5

3- غرر الحکم: 1752.

4- نزهة الناظر: ص 45، ح 9.

فصل چهارم : اساس حکمت

فصل چهارم اساس حکمت امام علی علیه السلام: نگاهداری دین ، ثمره معرفت و اساس حکمت است . (1)

امام علی علیه السلام: اساس حکمت ، همراهی حق است و فرمان بردن از حقدار . (2)

امام علی علیه السلام: اساس حکمت ، مدارا کردن با مردم است . (3)

امام علی علیه السلام: اساس حکمت ، دوری گزیدن از نیرنگ است . (4)

امام علی علیه السلام: تقوای الهی ، اساس هر حکمتی است . (5)

1- غرر الحکم : 4903

2- غرر الحکم : 5258

3- غرر الحکم : 5252

4- غرر الحکم : 5249 .

5- الفردوس : ج 2 ، ص 71 ، ح 2403 .

فصل پنجم : حکمت‌های جامع

فصل پنجم حکمت‌های جامع امام علی علیه السلام _ در سفارش به پسرش ، امام حسن علیه السلام _ چه سخن حکیمانه ای جامعتر از اینکه آنچه را برای خود می پسندی برای مردم بپسند و آنچه را برای خود ناخوش می داری ، برای آنها هم ناخوش دار . (1)

امام رضا علیه السلام : بی گمان در سوره حمد ، کلماتی جامع از خیر و حکمت در امور دنیا و آخرت گرد آمده است که نظیر آن را در هیچ کجا نمی توان یافت . (2)

لقمان حکیم _ در سفارش به پسرش _ : هفت هزار حکمت را فرا گرفتم . تواز آن میان چهار سخن را فراگیر و با من به بهشت درآی : کشتی ات را استوار ساز که دریا ژرف است و بارت سبک گردان که گردنه خسته کننده است و توشه فراوان بگیر که سفر دراز است و عمل را خالص کن که ارزیاب ، بیناست . (3)

1- . تحف العقول : 81 .

2- . الفقیه : ج 1 ، ص 310 ، ح 926 .

3- . الإختصاص : 341 .

فصل ششم : ویژگیهای حکیمان

أ: ویژگیهای اثباتی

فصل ششم ویژگیهای حکیماناً: ویژگیهای اثباتی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه مؤمن را ساکت دیدید، بدو نزدیک شوید که حکمت القا می کند. (1)

امام عسکری علیه السلام: دل احمق در دهانش و دهان حکیم در دلش است. (2)

امام علی علیه السلام: حکیمان در میان مردم، شریفترین و شکیباترین و پرگذشت ترین و خوش خلق ترین کسان اند. (3)

امام علی علیه السلام: حکیم آن است که بدی را با خوبی پاداش دهد. (4)

امام علی علیه السلام: هر که خردش را در اختیار گرفت، حکیم است. (5)

لقمان حکیم: حکیم ده خصلت دارد: پارسایی، عدل، فهم، گذشت، نیکی، بیداری، خود نگهداری، تذکر، هشیاری،

1- تحف العقول: 397

2- تحف العقول: 489.

3- غرر الحکم: 2107

4- غرر الحکم: 1698

5- غرر الحکم: 8282.

ب : ویژگیهای سلبی

نیک خوئی و میانه روی . (1)

ب : ویژگیهای سلبیامام علی علیه السلام: آنکه در گشاده رویی برای جز نزدیکانش زیاده روی کند ، حکیم نیست . (2)

امام علی علیه السلام: آنکه با کسی که از مدارایش ناگزیر است مدارا نمی کند ، حکیم نیست . (3)

امام علی علیه السلام: ای مردم! بدانید آنکه از سخن نادرست درباره خود بی تاب می شود ، خردمند نیست و آنکه به ستایش نادان درباره خود خشنود شود ، حکیم نیست . (4)

امام علی علیه السلام: سفاهت با همطرازت ، چون ستیزه دو خروس با هم و به هم پریدن دو سگ است که جز زخم خورده یا رسوا شده از هم جدا نمی گردند و این نه کار حکیمان است و نه روش خردمندان . شاید که وی با تو بردباری کند و در نتیجه از تو سنگین تر و بزرگوارتر شود و تو از او کاهیده و نکوهیده تر گردی . (5)

امام علی علیه السلام: پرگویی حکیم را می لغزاند و بردبار را ملول می کند ، پس پرگویی مکن که به ستوه آوری و کوتاهی مکن که خوار گردی . (6)

ر . ك : ص 177 «ویژگیهای دانشمندان» .

1- . معدن الجواهر : 72 .

2- . غرر الحکم : 7498 .

3- . تحف العقول : 218 .

4- . الکافی : ج 1 ، ص 50 ، ح 14 .

5- . غرر الحکم : 5647 .

6- . غرر الحکم : 2009 .

بخش سوم : مبادی

اشاره

بخش سوم : مبادی فصل اول : مبادی دانش و حکمتفصل دوم : اسباب معارف عقلیفصل سوم : اسباب معارف قبلیفصل چهارم : مبادی الهام

فصل اول : مبادی دانش و حکمت

1 / 1 احسن

1 / 2 خرد

فصل اول مبادی دانش و حکمت 1 / 1 حسقرآن «خدا شما را از شکمهای مادرانتان بیرون آورد، در حالی که چیزی نمی دانستید و برای شما گوش و دیدگان و دلها قرار داد، شاید سپاس بگزارید». (1)

حدیث امام علی علیه السلام: دل، سرچشمه حکمت و گوش، آبگیر آن است. (2)

امام علی علیه السلام: چشمها، پیش قراولان دلهايند. (3)

1 / 2 خرد قرآن «اینگونه خداوند مردگان را زنده می گرداند و نشانه های

1- .سوره نحل، آیه 78 .

2- .غرر الحکم : 2046

3- .غرر الحکم : 405 .

خود را به شما می نمایاند، تا مگر بیندیشید». (1)

ر. ك: بقره: 44 و 76، آل عمران: 65، انعام: 32 و 151، اعراف: 169، یونس: 16 و 100، هود: 51، یوسف: 2 و 109، رعد: 4، نحل: 12 و 67، انبیاء: 67، مؤمنون: 80، قصص: 60، عنكبوت: 35، روم: 24 و 28، یس: 62 و 68، صافات: 138، غافر: 67، زخرف: 3، حدید: 17، جاثیه: 5، نحل: 12 و 67.

حدیث امام علی علیه السلام: با خرد است که آدمیان به ستیغ دانش می رسند. (2)

امام علی علیه السلام: خرد، ریشه دانش و انگیزه فهم آن است. (3)

امام علی علیه السلام: اندیشیدن مانند با چشم دیدن نیست؛ زیرا گاه چشمها به صاحبانش دروغ می گویند، ولی خرد به آنکه از وی اندرز خواسته، نیرنگ نمی زند. (4)

امام علی علیه السلام: خردها، پیشوایان اندیشه ها و اندیشه ها، پیشوایان دلها و دلها، پیشوایان حواس و حواس، پیشوایان اندام اند. (5)

1 / 3 دلقرآن [قرآن] را روح الامین (جبرئیل) بر دلت فرود آورد تا از بیم دهندگان باشی». (6)

1- سوره بقره، آیه 73.

2- غرر الحکم: 4275

3- غرر الحکم: 1959.

4- نهج البلاغه: حکمت 281.

5- کنز الفوائد: ج 1، ص 200.

6- سوره شعراء، آیه 193 و 194.

1 / مبدءاً اصلی همه ادراکات

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای نیست مگر آنکه در چهره اش دو چشم است که کار دنیا را با آنها می نگرد و دو چشم در دلش هست که کار آخرت را با آنها می بیند. پس هرگاه خداوند خیر بنده ای را بخواهد، دو چشم دلش را می گشاید تا با آن دو، وعده های غیبی و نهان را ببیند و به نهان در نهان ایمان آورد. (1)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر شیطانها برگرد دلهای فرزندان آدم نمی چرخیدند، آنها به ملکوت نظر می کردند. (2)

امام صادق علیه السلام: هیچ دلی نیست جز آنکه دو گوش دارد: بر یکی از آنها فرشته ای راهنما و بر دیگری شیطانی فتنه گر ایستاده است. این فرمان می دهد و آن باز می دارد. شیطان به سرپیچی فرمان می دهد و فرشته باز می دارد. این همان کلام خداوند است: «از راست و چپ نشسته اند. (آدمی) هیچ سخنی را بر زبان نمی آورد، مگر اینکه مراقبی آماده نزد او حاضر است». (3)

ر. ك: فصل بعد .

1 / 4 مبدءاً اصلی همه ادراکات امام علی علیه السلام: دل، دفتر اندیشه است. (4)

امام علی علیه السلام: دل، سرچشمه حکمت است. (5)

1- الفردوس: ج 4، ص 14، ح 6040.

2- بحار الأنوار: ج 70، ص 59، ح 39.

3- الکافی: ج 2، ص 266، ح 1.

4- غرر الحکم: 1087

5- غرر الحکم: 2046.

توضیحی درباره مبادی علم و حکمت

1. حسّی

2. عقل

3. قلب

توضیحی درباره مبادی علم و حکمت از آیات و روایاتی که در این فصل گذشت، معلوم می‌شود که در انسان سه مبدأ برای معرفت وجود دارد که آگاهیهای او به آنها باز می‌گردد:

1. حسّ حواسّ ظاهر روزنه‌هایی هستند که شناختهای آغازین از هستی مربوط به آنهاست. اگر هر يك از این روزنه‌ها مسدود شود، شناخت ویژه آن از انسان سلب می‌گردد چنانکه گفته شده است: «من فقد حسّاً فقد علماً؛ هرکس حسّی را از دست بدهد، دانشی را از دست داده است».

2. عقل عقل عبارت است از مرکز شعور و ادراکی که وظیفه آن تجزیه، ترکیب، انتزاع، تعمیم و تعمیق مفاهیمی است که از طریق حواس به آن منتقل می‌شود.

3. قلب کلمه قلب در چهار معنی به کار رفته است: 1. تلمبه خون (1).

2. عقل (1) 3. مرکز معارف شهودی (2) 4. روح (3). در مباحث معرفت شناسی هنگامی که قلب در کنار عقل به عنوان یکی از مبادی معرفت مطرح می شود، مقصود معنای سوم یعنی مرکز معارف شهودی است. نکته مهمی که در بخش چهارم از این فصل مورد توجه قرار گرفته آن است که مبدأ و مصدر اصلی همه ادراکات و احساسات انسان، روح اوست و مبادی سه گانه معرفت _ حس و عقل و قلب _ در واقع به منزله راههایی است که روح از طریق آنها با هستی ارتباط برقرار می کند. بنابراین وقتی که قلب در معنای دوم و یا سوم به کار می رود، در واقع در بُعدی از ابعاد خود یا مرتبه ای از مراتب خویش به کار رفته است (4).

1- الکافی: ج 1، ص 16، ح 12.

2- همان: ج 8، ص 21، ح 2، نهج البلاغه، حکمت 108 و بنگرید به اصل کتاب، فصل مبادی دانش و حکمت، باب 1/3 «دل».

3- بنگرید به سوره بقره، آیه 225، 283، سوره ق، آیه 33، سوره شعراء، آیه 89 و اصل کتاب، فصل مبادی دانش و حکمت، باب 1/4 «مبدأ اصلی ادراکات».

4- برای آگاهی بیشتر بنگرید به کتاب «مبانی شناخت» از مؤلف.

فصل دوم : اسباب معارف عقلی

2 / 1 تفکر

فصل دوم اسباب معارف عقلی 2 / 1 تفکر قرآن «در آفرینش آسمانها و زمین می اندیشند». (1)

«پس ماجرا را بازگوکن شاید که آنها بیندیشند». (2)

«تا آنچه را که به سوی آنها نازل شده است ، برای مردم بیان کنی و شاید ایشان بیندیشند». (3)

«ما آن مثالها را برای مردم می زنیم، باشد که بیندیشند». (4)

حدیث امام علی علیه السلام: اندیشه ، حکمت را ثمر می دهد. (5)

امام علی علیه السلام: اندیشه ات تو را به راه راست هدایت می کند. (6)

1- .سوره آل عمران ، آیه 191 .

2- .سوره اعراف ، آیه 176 .

3- .سوره نحل ، آیه 44 .

4- .سوره حشر ، آیه 21 .

5- .غور الحکم : 878

6- .غور الحکم : 6545 .

امام علی علیه السلام: هر که در آنچه فرا می گیرد بسیار بیندیشد ، دانش خود را استوار ساخته و آنچه را نفهمیده می فهمد . (1)

امام علی علیه السلام: خود را از اندیشه ای که مایه فزونی حکمت گردد و عبرتی که مایه حفظ شود ، تهی مدار . (2)

امام علی علیه السلام: فضیلتها چهارگونه اند : یکی از آنها حکمت است که قوامش اندیشه است . (3)

امام حسن علیه السلام: همواره بیندیشید که آن مایه زندگانی دل بینا و کلید درهای حکمت است . (4)

2 / 2 آموختن قرآن «آنکه با قلم آموخت ، آنچه را آدمی نمی دانست به وی آموخت» . (5)

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دانش به آموزش است . (6)

امام علی علیه السلام: بشنو تا بدانی و ساکت شو تا سالم بمانی . (7)

امام صادق علیه السلام: درس و فراگیری دانش ، مایه باروری

1- غرر الحکم : 8917

2- غرر الحکم : 10307 .

3- کشف الغمة : ج 3 ، ص 138 .

4- أعلام الدین : 297 .

5- سوره علق ، آیه 4 و 5 .

6- صحیح البخاری : ج 1 ، ص 38 .

7- غرر الحکم : 2299 .

شناخت است. (1)

2 / 3 عبرتقرآن «آیا در زمین گردش نکرده اند تا دلهایی داشته باشند که با آن بیندیشند یا گوشهایی که با آن بشنوند. آری [تنها] دیدگان نابینا نمی شوند، بلکه دلهایی که در سینه ها هست نیز نابینا می شود». (2)

حدیثابن دینار: خداوند به موسی علیه السلام وحی کرد که دو کفش و عصای آهنین برگیر و آنگاه در زمین سیاحت کن و آثار و عبرتها را بجوی تا آن جا که کفشها پاره و عصا شکسته شود. (3)

امام علی علیه السلام: استمرار عبرت اندوزی به بینش می انجامد و خودداری (از زشتیها) را نتیجه می دهد. (4)

2 / 4 تجربه امام علی علیه السلام: عقل دو گونه است: عقل طبیعی و عقل تجربی و هر دو سود بخش اند. (5)

1- نزهة الناظر: ص 115، ح 55.

2- سوره حج، آیه 46.

3- الدر المنثور: ج 6، ص 61.

4- غرر الحکم: 5150.

5- مطالب السؤل: 49.

2 / شناخت ضدّها

امام علی علیه السلام: در تجربه ها دانشی تازه است . (1)

2 / شناخت ضدّها امام علی علیه السلام: بدانید که راه را نخواهید شناخت ، تا آنکه رهاکننده اش را بشناسید و پیمان با قرآن را استوار نساخته اید ، تا آنکه ناقضش را بشناسید و به آن چنگ نزده اید ، تا آنکه واگذارنده اش را بشناسید و حق تلاوت قرآن را ادا نکرده اید ، تا آنکه تحریف کننده اش را بشناسید و گمراهی را نشناسید ، تا آنکه هدایت را بشناسید و تقوا را نخواهید شناخت ، تا آنکه تجاوزگر را بشناسید . (2)

امام علی علیه السلام: ارزش نعمتها تنها از سنجش با ضدّشان شناخته می شود . (3)

1- .الكافی : ج 8 ، ص 22 ، ح 4

2- .الكافی : ج 8 ، ص 390 ، ح 586.

3- .غرر الحکم : 3879 .

فصل سوم : اسباب معارف قلبی

3 / 1 وحی

فصل سوم اسباب معارف قلبی 3 / 1 وحیقرآن [فرشته] نیرومند به او آموخت . (1)

«آنچه را نمی دانستی به تو آموخت» . (2)

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هنگامی که فتنه ها چون پاره های شب تار بر شما مشتبه شود ، به قرآن روی بیاورید . . . برای قرآن ظاهری و باطنی است . ظاهر آن حکمت و باطن آن دانش است . در آن چراغهای هدایت و نور حکمت و راهنمای معرفت است؛ برای کسی که ویژگی اش را شناخت . (3)

امام علی علیه السلام : _ در توصیف قدرت خدای سبحان _ : اوست که آفریده هایش را در دنیا ساکن کرد و پیامبرانش را به سوی

1- .سوره نجم ، آیه 5 .

2- .سوره نساء ، آیه 113 .

3- .الکافی : ج 2 ، ص 598 ، ح 2.

جنّ و انس فرستاد تا برایشان پرده از دنیا بگیرند . (1)

ر . ك : ص 101 «قرآن» .

2 / 3 الهامقرآن «پس بنده ای از بندگان ما را یافتند که از جانب خود به او رحمتی عطا کرده و از نزد خود بدو دانشی آموخته بودیم» . (2)

«به مادر موسی وحی کردیم که : «او را شیر ده و چون بر او بیمناک شدی ، او را در دریا بینداز و مترس و اندوه مدار که ما او را به تو بر می گردانیم و از زمره پیامبرانش قرار می دهیم .» (3)

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : علم باطن رازی از رازهای خدای عز و جل و حکمتی از حکمتهای الهی است که در دلهای هر يك از اولیای خود که بخواهد می نهد . (4)

امام صادق علیه السلام _ درباره گفته خدای عز و جل « بدانید که خداوند میان انسان و دلش جدایی می اندازد» فرمود : میان او و حقّ انگاشتن باطل ، جدایی می اندازد . (5)

1- نهج البلاغه : خطبه 183 .

2- سوره كهف ، آیه 65 .

3- سوره قصص ، آیه 7 .

4- الفردوس : ج 3 ، ص 42 ، ح 4104 .

5- توحید : ص 358 ، ح 6 .

امام رضا علیه السلام: هرگاه خداوند بنده ای را برای کارهای بندگان برگزیند، سینه اش را برای آن گشاده سازد و چشمه های حکمت را در دلش به ودیعت نهد و دانش را به او الهام کند. (1)

ر. ک: ص 29 «حقیقت دانش»، ص 75 «مبادی الهام»، کتاب «اهل بیت در قرآن و حدیث»: مبادی علوم اهل بیت: الهام.

3 / 3 وسوسه قرآن «بی گمان شیطانها به دوستان خود القا می کنند.» (2)

«خدا لعنتش کرد و او گفت بی گمان از میان بندگان نصیبی معین برای خود برخواهم گرفت و آنان را سخت گمراه و دچار آرزوهای دور و دراز خواهم کرد و وادارشان می کنم تا آفریده خدا را دگرگون سازند. و هر کس به جای خدا شیطان را دوست خود گیرد، قطعاً دستخوش زیان آشکاری شده است. به آنان وعده می دهد و ایشان را به [دام] آرزو می اندازد و شیطان وعده ای جز فریب به آنان نمی دهد.» (3)

حدیث امام علی علیه السلام: از دشمنی که در سینه ها مخفیانه رخنه می کند و در گوشها آهسته می دمَد، بپرهیزید. (4)

1- الکافی: ج 1، ص 202، ح 1.

2- سوره انعام، آیه 121.

3- سوره نساء، آیه 118_ 120.

4- غرر الحکم: 2623.

امام زین العابدین علیه السلام_ در دعای سپاسگزاری از خدا_ پس اگر شیطان به آنان در فرمان برداری تو نیرنگ نزده بود، هیچ عصیانگری از تو سرپیچی نمی کرد و اگر برایشان باطل را به نقش حقّ جلوه نمی داد، هیچ گمراهی از راه تو گمراه نمی شد. (1)

هارون بن خارجه: به امام صادق علیه السلام عرض کردم که من شاد می شوم بی آنکه در خود و یا دارایی و یا دوستم سببی بیابم و غمگین می شوم بی آنکه غمی در خود و دارایی و دوستم بینم. فرمود: آری شیطان در دل می دمد و می گوید: «اگر نزد خدا خیری داشتی، دشمنت را به رخ تو نمی کشید و تو را نیازمند او نمی کرد. جز این است که چشم به راه همان چیزی هستی که پیش از تو، انتظار می کشیدند. آیا آنها چیزی گفتند؟» پس این همان غم بی سبب است و اما شادی، فرشته در دل می دمد و می گوید: «اگر خداوند دشمنت را به رخ تو کشیده و نیازت را به او قرار داده، جز روزگاری اندک نباشد. مژده باد مغفرت الهی و فضل او»؟ و این همان گفته خداوند است: «شیطان شما را از ناداری می ترساند و به زشتی فرمان می دهد و خداوند به شما وعده آمرزش و فضل می دهد» (2).

(3)

1- صحیفه سجادیه: دعای 37.

2- سوره بقره، آیه 268.

3- تفسیر العیاشی: ج 1، ص 150، ح 495.

فصل چهارم : مبادی الهام

4 / 1 ایمان

فصل چهارم مبادی الهام 4 / 1 ایمان قرآن «هر کس به خدا ایمان آورد، دلش را هدایت کند.» (1)

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ایمان برهنه است و جامه آن تقوا و زیورش حیا و دارایی اش فقه و میوه اش دانش است . (2)

امام علی علیه السلام _ در خطبه ای که ایمان و ارکان آن را یاد می کرد _ : خداوند ایمان را مایه شرافت کسی که آن را بشناسد و حکمت کسی که بدان لب بگشاید و روشنی کسی که از آن روشنی جوید ، قرار داد . (3)

ر . ك : ص 35 «کمال ایمان» / ص 37 «ایمان» .

1- .سوره تغابن ، آیه 11 و بنگرید به سوره بقره ، آیه 213 .

2- .الفردوس : ج 1 ، ص 112 ، ح 380 .

3- .تحف العقول : 162 .

4 / 12 اخلاص قرآن «و آنان که به خاطر ما کوشیدند، بی گمان به راههای خود رهنمونشان می کنیم.» (1)

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بنده خدای عز و جل خویشتن را چهل روز برای خدا خالص نکرد، مگر آنکه چشمه های حکمت از دلش بر زبانش جاری گشت. (2)

امام علی علیه السلام: با تحقّق اخلاص، دیدگان نور می گیرند. (3)

ر. ک: ص 123 «اخلاص» / ص 135 «آموختن برای غیر خدا» و ص 167 «اخلاص» / ص 201 «خودنمائی».

4 / 3 دوستی اهل بیت علیهم السلام پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر کس جویای حکمت است، باید خاندان مرا دوست بدارد. (4)

امام صادق علیه السلام: هر که ما اهل بیت را دوست بدارد و محبّت ما در دلش تحقّق یابد، چشمه های حکمت بر زبانش جاری می شود. (5)

1- سوره عنکبوت، آیه 69.

2- عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج 2، ص 69، ح 321.

3- غرر الحکم: 6211.

4- مائة منقبة: 107.

5- المحاسن: ج 1، ص 134، ح 167.

4 / 4 **بیم از خدا**

4 / 5 **عمل**

4 / 4 بیم از خدا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: اگر از خدا چنانکه باید می ترسیدید، به دانشی بی نادانی دست می یافتید و اگر خدا را چنانکه باید می شناختید، با دعایتان کوهها از میان می رفتند. (1)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بیم از خدا، کلید هر حکمتی است. (2)

4 / 5 عملقرآن «اگر از خدا فرمان برید، راه یابید». (3)

«ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا پروا کنید و به پیامبرش ایمان آورید، تا بهره دو چندان از رحمت خویش به شما ارزانی دارد و برایتان نوری قرار دهد که در روشنایی آن گام بردارید و شما را پیامرزد و خدا آمرزنده مهربان است». (4)

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که به آنچه می داند عمل کند، خداوند

1- .کنز العمال : ج 3 ، ص 142 ، ح 5881.

2- .أمالی الطوسی : ص 569 ، ح 1178.

3- .سوره نور ، آیه 54 .

4- .سوره حدید ، آیه 28 .

دانش آنچه را نمی داند به او ارزانی می دارد. (1)

امام علی علیه السلام: هیچ چیزی مانند عمل، دانش را رشد نمی دهد. (2)

ر. ك: ص 36 «شرط عمل» / ص 38 «عمل» / ص 187 «عمل» و ص 197 «عمل نکردن» / ص 217 «دانشمندان بد».

4 / 6 نماز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نمازگزار محبت فرشتگان و هدایت و ایمان و نور معرفت دارد. (3)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه بنده در دل شب با مولای خود خلوت کند و به مناجات پردازد، خداوند نور را در دلش استوار سازد و آنگاه که می گوید: پروردگارا! پروردگارا! خدای پر شکوه ندا می دهد: لَبَّيْكَ اَيُّ بَنده من! بخواه تا بدهم و بر من توکل کن تا کفایت کنم. سپس خدای پر شکوه به فرشتگانش می گوید: ای فرشتگان من! به بنده ام بنگرید که در دل شب تیره با من خلوت کرده و حال آنکه بطالت پیشگان سرگرم بیهودگی و غافلان در خواب اند. گواهی دهید که من او را آمرزیدم. (4)

1- حلیة الأولیاء: ج 10، ص 15.

2- غرر الحکم: 9569.

3- الخصال: ص 522، ح 11.

4- أمالی الصدوق: ص 353، ح 432.

4 / 7 روز هپیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ در شب معراج _ پروردگارا! دست‌آورد روزه چیست؟ خداوند فرمود: روزه حکمت می آورد و حکمت، شناخت و شناخت، یقین. (1)

ر. ك: ص 80 «کم خوری» / ص 96 «پر خوری» / ص 134 «میانه روی در خوراك» .

4 / 8 زهد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه کسی را دیدید که به وی زهد در دنیا و کم گویی عطا شده، بدو نزدیک شوید که حکمت القا می کند. (2)

امام علی علیه السلام: هر کس در دنیا زهد ورزد و از خواری آن بی تابی نکند و برای عزّتش به رقابت نپردازد، خداوند بی هدایت کسی وی را هدایت می کند و بی آموزش، او را دانا می گرداند و حکمت را در سینه اش استوار و بر زبانش جاری می سازد. (3)

4 / 9 حلال خوری امام علی علیه السلام: هر کس چهل روز برای خدا اخلاص

1- إرشاد القلوب : 203.

2- سنن ابن ماجة : ج 2 ، ص 1373 ، ح 4101.

3- تحف العقول : 223 .

4 / 10 کم خوری

ورزد، حلال خورد و روزش را روزه بدارد و شبش را به عبادت بایستد، خداوند چشمه های حکمت را از دلش بر زبانش جاری کند. (1)

بیان: از تأمل در احادیثی که نقش خوراك حلال را در قبول عبادات بیان می کند، و عبادت را با وجود حرام خواری مانند بنا ساختن بر شن روان و سست می داند، آشکار می شود که این مبدأ نقش کلیدی در تأثیر دیگر مبادی علم و حکمت دارد.

4 / 10 کم خوری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرگاه آدمی خوراکش را کم کند، درونش پر نور گردد. (2)

امام علی علیه السلام: پیامبر در شب معراج از پروردگار سبحان پرسید: . . . پروردگار! دستاورد گرسنگی چیست؟ فرمود: حکمت و نگهداری دل و نزدیکی به من و اندوه همیشگی و سبکباری در میان مردم و گفتار راست و بی اعتنایی به کم و زیاد زندگی . . . ای احمد! هرگاه بنده شکمش گرسنه ماند و زبانش را حفظ کرد به وی حکمت می آموزم. اگر کافر باشد، حکمتش حجت و وبال بر او خواهد بود و اگر مؤمن باشد، حکمتش مایه روشنی و برهان و شفا و رحمتش خواهد شد، پس آنچه را ندانسته

1- مسند زید: 384.

2- الفردوس: ج 1، ص 290، ح 1138.

خواهد دانست و آنچه را ندیده خواهد دید و نخستین چیزی که بر آن بینایش می کنم ، عیبهای خود اوست تا با اشتغال به آنها از عیبهای دیگران فارغ باشد و دقایق دانش را به او می نمایانم تا شیطان به درونش راه نیابد . (1)

ر . ك : ص 79 «روزه» / ص 96 «پرخوری» / ص 134 «میانہ روی در خوراك» .

4 / 11 دعایامبر خدا صلی الله علیه و آله : خدایا ! حقایق را چنانکه هست به ما بنمای . (2)

امام زین العابدین علیه السلام : به من نوری ببخش که در پرتوش میان مردم گام بردارم و در تاریکیها بدان راه یابم و در شك و شبهه ها روشن شوم . (3)

امام زین العابدین علیه السلام _ در دعای استغفار _ : مرا با عصمت تأیید فرما و زبانم را به حکمت بگشای . (4)

امام صادق علیه السلام : خدایا! . . . در دیده ام نور و در دینم بینش بنه . (5)

ر . ك : ص 195 «یاری جستن از خدا برای افزایش دانش» .

1- . إرشاد القلوب : 199 و 200 و 205 .

2- . عوالی اللئالی : ج 4 ، ص 132 ، ح 228 .

3- . صحیفه سجاده : دعای 22 .

4- . البلد الأمين : 46 .

5- . الكافی : ج 2 ، ص 590 ، ح 31 .

بیان: مبادی الهام منحصر به موارد ذکر شده نیست ، بلکه آنچه در فصل دوم از بخش چهارم تحت عنوان «آنچه حجابها را می درد» خواهد آمد ، مبادی الهام نیز هست . برای توضیح بیشتر مراجعه کنید به ص 85 «مسائلی در باره حجابهای دانش و حکمت» .

بخش چهارم : موانع

اشاره

بخش چهارم : موانع فصل اول : حجابهای دانش و حکمتفصل دوم : آنچه حجابها را می درد

فصل اول : حجابهای دانش و حکمت

1 / 1 هوس

فصل اول حجابهای دانش و حکمت 1 / 1 هوسقرآن «آیا دیدی کسی را که هوسش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گمراه کرده و بر گوش و دل او مُهر زده و بر دیده اش پرده نهاده است؟ پس از خدا، چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟ آیا پند نمی گیرید؟» (1)

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : محبتت به چیزی، کور و کر می کند. (2)

امام علی علیه السلام : شما را به دوری از هوس سفارش می کنم که هوس به کوری فرا می خواند و آن گمراهی آخرت و دنیا است. (3)

امام علی علیه السلام : هر که دلباخته چیزی شود، دیده اش نابینا و دلش بیمار گردد. با چشمی ناسالم می نگرد و با گوشی ناشنوا گوش می کند. شهوت ها، خردش را دریده و دنیا، دلش را میرانده و نفسش شیفته آن شده است. پس بنده دنیا است و نیز هرکس که

1- سوره جاثیه، آیه 23.

2- الفقیه: ج 4، ص 380، ح 5814.

3- دعائم الإسلام: ج 2، ص 350، ح 1297.

چیزی از آن را در دست دارد . هر کجا برود، می رود و هر کجا رو کند، رو می آورد. (1)

امام علی علیه السلام : حکمت با شهوت در يك دل جای نمی گیرد . (2)

1 / 2 محبت دنیا امام علی علیه السلام : محبت دنیا ، خرد را تباه می کند و دل را از شنیدن حکمت باز می دارد و کیفی دردناک می آورد .

(3)

امام علی علیه السلام : زیورهای دنیا ، خردهای ناتوان را تباه می سازد . (4)

ر . ك : ص 198 «حب دنیا» .

1 / 3 گناهقرآن «خداوند ، دروغ پرداز بسیار ناسپاس را ره نمی نماید» . (5)

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه مؤمن گناه کند ، نقطه ای سیاه در دلش پدید آید ، پس اگر توبه کرد و دل گند و استغفار کرد ، دلش صیقل می خورد و اگر گناه را زیاد کرد ، آن نقطه زیاد می شود . و این همان زنگاری است که خداوند در کتابش ذکر کرده است :
«چنین

1- نهج البلاغه : خطبه 109 .

2- غرر الحکم : 10915

3- غرر الحکم : 4878

4- غرر الحکم : 5494 .

5- سوره زمر ، آیه 3 و بنگرید به سوره روم ، آیه 10 .

1 / 4 بیماری های قلب

نیست ، بلکه آنچه کرده اند بر دل هایشان زنگار نهاده است . (1) « (2)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بنده گناه می کند ، پس دانشی را که پیشتر می دانسته ، از یاد می برد . (3)

امام باقر علیه السلام : برای دل ، چیزی تباه کننده تر از خطا نیست . (4)

ر . ك : ص 105 «توبه» .

1 / 4 بیماری های قلبقرآن «در حقیقت چشمها کور نمی شود ولی دلهایی که در سینه هاست کور می شود» . (5)

حدیثپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : _ مهر زننده بر دلها _ طابع به پایه ای از پایه های عرش آویخته است ، پس هرگاه حرمتی شکسته شد و خطایی جاری گشت و پروردگار سرپیچی شد ، خداوند طابع را برمی انگیزد تا بر دل گناهکار مُهر زند ، پس از این دیگر چیزی درك نمی کند . (6)

امام هادی علیه السلام : حکمت در طبیعتهای فاسد ، سودی نمی بخشد . (7)

1- .سوره مطفّفين ، آیه 14 .

2- .سنن ابن ماجه : ج 2 ، ص 1418 ، ح 4244 .

3- .عدة الداعی : 197 .

4- .الكافی : ج 2 ، ص 268 ، ح 1 .

5- .سوره مطفّفين ، آیه 14 .

6- .شعب الإيمان : ج 5 ، ص 444 ، ح 7214 .

7- .أعلام الدين : 311 .

1 / 5 ستمقرآن «خداوند در زندگی دنیا و آخرت، کسانی را که ایمان آورده اند، با قول ثابت مؤید می گرداند و ستمکاران را گمراه می کند و هر چه اراده کند خواهد کرد». (1)

«آن گاه پس از وی رسولانی را به سوی قومشان برانگیختیم و آنان دلیلهای آشکار برایشان آوردند؛ ولی ایشان بر آن نبودند که به چیزی که قبلاً آن را دروغ شمرده بودند، ایمان بیاورند. این گونه ما بر دلهای تجاوز کاران مهر می نهیم». (2)

«در حقیقت خدا گروه ستمکاران را ره نمی نماید». (3)

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از ستم پرهیزید که دلهایتان را ویران می کند. (4)

1 / 6 کفرقرآن «در حقیقت خدا قوم کافران را ره نمی نماید». (5)

-
- 1- سوره ابراهیم، آیه 27.
 - 2- سوره یونس، آیه 74.
 - 3- سوره انعام، آیه 144، سوره قصص، آیه 50، سوره احقاف، آیه 10، و بنگرید به سوره های بقره، آیه 86 و 258، انعام، آیه 33، توبه، آیه 109، صف، آیه 7، نمل، آیه 14، عنکبوت، آیه 49.
 - 4- صحیفة الرضا علیه السلام: ص 97، ح 33.
 - 5- سوره مائده، آیه 67.

«این گونه خدا کافران را گمراه می گرداند» . (1)

«این گونه خدا بر دل‌های کافران مهر می زند» . (2)

حدیث‌ابراهیم بن ابی محمود: از امام رضا علیه السلام درباره گفته خدای عز و جلیب‌سیدم: «خداوند بر دل‌ها و گوششان مهر می زند» ، (3) فرمود: ختم همان مهر زدن است که بر دل‌های کافران به کیفر کفرشان زده می شود؛ همان گونه که خداوند عز و جلیب‌مود: «بلکه خداوند بر دل‌های آنها به سبب کفرشان مهر زد، پس جز اندکی ایمان نمی آورند» (4) . (5)

1 / 7 فسققرآن «آن گاه که موسی به قوم خود گفت: ای قوم من! چرا مرا آزار می دهید و حال آنکه قطعاً می دانید من فرستاده خدا به سوی شما هستم . پس چون [قومش] راه انحراف گرفتند ، خدا نیز دل‌های آنها را منحرف کرد و خداوند قوم فاسقان را هدایت نمی کند» . (6)

«آیا شما را خبردار کنم بر چه کسانی شیاطین فرود

1- .سوره غافر ، آیه 74 .

2- .سوره اعراف ، آیه 101 .

3- .بقره : 7 .

4- .نساء : 155 .

5- .الإحتجاج : ج 2 ، ص 396 ، ح 303 .

6- .سوره صفّ ، آیه 5 .

1 / 8 اسراف

1 / 9 غفلت

می آیند؟ بر هر دروغزن گناهکاری فرود می آیند». (1)

1 / 8 اسرافقرآن «در حقیقت خدا هیچ اسراف کار دروغزنی را هدایت نمی کند.» (2)

«این گونه خدا هر اسرافکارِ شكّ پیشه ای را گمراه می گرداند.» (3)

1 / 9 غفلتقرآن «در حقیقت بسیاری از جنّیان و دوزخیان را برای دوزخ آفریدیم؛ (چرا که) دل‌هایی دارند که با آنها دریافت نمی کنند و چشمانی دارند که با آنها نمی بینند و گوش‌هایی دارند که با آنها نمی شنوند. آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه ترند. آنان همان غافلان اند» (4).

حدیثامام علی علیه السلام: هر کس غفلت کرد، نادان ماند. (5)

1- سوره شعراء، آیه 221 و 222.

2- سوره غافر، آیه 28

3- سوره غافر، آیه 34

4- سوره اعراف، آیه 179.

5- غرر الحکم: 7686.

امام علی علیه السلام: آنکه مغلوب غفلت شود، دلش می میرد. (1)

امام علی علیه السلام: اندیشه، روشنی می آورد و غفلت، تاریکی. (2)

10 / 1 آرزو قرآن «آنها را واگذار تا بخورند و لذت ببرند و آرزو سرگرمشان کند، که بزودی خواهند دانست». (3)

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آنکه به دنیا رغبت ورزد و آرزویش در آن دراز گردد، خداوند دلش را به اندازه رغبتش به آن کور می کند. (4)

امام کاظم علیه السلام: هر کس سه چیز را بر سه چیز چیره گرداند، گویی که به نابودی خرد خویش کمک کرده است: آنکه روشنی اندیشه اش را با درازی آرزویش تاریک کند و تازه های حکمت اش را با سخنان بیهوده اش نابود کند و نور عبرت اندوزی اش را با خواهشهای نفسانی خاموش سازد، گویی هوایش را بر نابودی خردش یاری کرده است و هر کس خرد خویش را نابود کند، دین و دنیایش تباه خواهد شد. (5)

1- غرر الحکم : 8430 .

2- تحف العقول : 65 .

3- سوره حجر، آیه 3 .

4- تحف العقول : 60 .

5- الکافی : ج 1 ، ص 17 ، ح 12 .

1 / 11 تکبر قرآن «بدین گونه خداوند بر هر قلب متکبر سرکشی مَهر زند». (1)

حدیث امام کاظم علیه السلام: کشت در دشت هموار می روید و نه در سنگلاخ؛ همین گونه حکمت در دل فروتن آباد و بارور می شود، نه در دل متکبر سرکش. (2)

امام باقر علیه السلام: ذره ای از تکبر به درون دل کسی راه نیافت، مگر آنکه به همان اندازه از خردش کم شد؛ اندک باشد یا بسیار. (3)

1 / 12 خود پسندی امام علی علیه السلام: خود پسندی خرد را تباه می کند. (4)

امام صادق علیه السلام: هرکس از خودش خوشش آمد، هلاک شد و هرکس از رأیش خوشش آمد، هلاک گشت. عیسی بن مریم علیه السلام فرمود: بیماران را مداوا کردم و به اذن خداوند آنها را شفا دادم و نابینا و مبتلا به پستی را به اذن خدا درمان کردم و با اذن خدا حتی مردگان را هم معالجه و زنده کردم؛ اما به معالجه احمق

1- سوره غافر: 35 و بنگرید به سوره های غافر، آیه 56، بقره، آیه 17، اعراف، آیه 36 و 40 و 76، احقاف، آیه 10، جاثیه، آیه 31، منافقون، آیه 5.

2- تحف العقول: 396 و ص 504.

3- حلیة الأولیاء: ج 3، ص 180.

4- غرر الحکم: 726.

1 / 13 فریب

1 / 14 طمع

پرداختم، ولی نتوانستم وی را اصلاح کنم. گفته شد: ای روح خدا! احمق کیست؟ فرمود: آنکه از رأیش و خودش خشنود باشد. آنکه همه برتریها را برای خود، و نه بر خود می پندارد، و همه حقوق را برای خود می داند و می پندارد هیچ حقی بر عهده او نیست. این همان احمقی است که چاره ای برای درمانش نیست. (1)

1 / 13 فریب امام علی علیه السلام: تباهی خرد در فریب خوردن از نیرنگهاست. (2)

امام علی علیه السلام: فریب شیطان زینت می دهد و به طمع می اندازد. (3)

1 / 14 طمع عیسی علیه السلام: چنین نیست که غسل در هر حال در خیک سالم بماند؛ همین گونه حکمت در هر حال در دلها آباد نمی شود. مشک تا آن گاه که پاره یا خشکیده و یا بوی ناک نشده باشد، می تواند ظرف غسل باشد؛ همچنانکه دلها تا هنگامی که شهوتها آنها را پاره و طمع، آلوده و ماندگاری نعمت، آنها را سخت نکرده است، می توانند ظرفهایی برای حکمت باشند. (4)

پیامبر خدا علیه السلام: طمع، حکمت را از دلهای دانایان می برد. (5)

1- الإختصاص : 221.

2- غرر الحکم : 6552

3- غرر الحکم : 6389.

4- تحف العقول : 504.

5- کنز العمال : ج 3، ص 495، ح 7576.

1 / 15 خشم

1 / 16 سرگرمی

1 / 17 خود رأیی

1 / 15 خشم امام علی علیه السلام: خشم، خردها را تباه و از درستی دور می کند. (1)

امام علی علیه السلام _ در حکمت‌های منسوب به ایشان _ اندکی خشم برای آزار جان و خرد بسیار است و دل تنگی، سینه را تنگ می کند و نیروی خرد را کاهش می دهد. (2)

امام صادق علیه السلام: خشم، دل حکیم را نابود می کند. و فرمود: هرکس مالک خشم خویش نباشد، مالک خرد خویش نیست. (3)

1 / 16 سرگرمی امام علی علیه السلام: آنکه سرگرمی اش فراوان شد، خردش کم گردید. (4)

امام علی علیه السلام: آنکه شیفته بازی و دل باخته سرگرمی و طرب است، خردورزی نکرده است. (5)

1 / 17 خود رأیی امام علی علیه السلام: خود رأیی ات تو را می لغزاند و در مهلکه ها سرنگون می سازد. (6)

امام علی علیه السلام: خردهایتان را متهم کنید که خطا از اعتماد به آنها پدید می آید. (7)

1- غرر الحکم : 1356 .

2- شرح نهج البلاغة : ج 20 ، ص 281 ، ح 231 .

3- الکافی : ج 2 ، ص 305 ، ح 13 .

4- غرر الحکم : 8426

5- غرر الحکم : 7568

6- غرر الحکم : 1510

7- غرر الحکم : 2570 .

1 / 18 تعصّبقرآن «چون به ایشان گفته شود بیایید به سوی آنچه خدا نازل فرموده و به سوی فرستاده او، گویند آنچه پدران خود را بر آن یافته ایم ما را بسنده است. آیا هر چند پدران آنها نه چیزی دانند و نه هدایت شده باشند [باز باید از آنها پیروی کرد؟]». (1)

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرکس در دلش، دانه خردلی از تعصّب باشد، خداوند او را روز قیامت با اعراب جاهلی برانگیزد. (2)

امام علی علیه السلام: آنکه غرضش باطل باشد، حق را در نیابد؛ هر چند آشکارتر از خورشید باشد. (3)

1 / 19 مجادله امام علی علیه السلام: آنکه مجادله به باطلش فراوان شود، کوری اش از حقیقت ماندگار شود. (4)

امام علی علیه السلام: آنکه مجادله اش فراوان شود، از اشتباه ایمن نماند. (5)

1- .سوره مائده، آیه 104 .

2- .الکافی: ج 2، ص 308، ح 3.

3- .غرر الحکم: 9023

4- .غرر الحکم: 8853

5- .غرر الحکم: 8115 .

1 / 20 شرابخواری

1 / 21 پرخوری

1 / 20 شرابخواری امام علی علیه السلام: خداوند شراب نخوردن را برای نگهداری خرد واجب کرد. (1)

امام رضا علیه السلام: خداوند شراب را به جهت تباهیهایش و نیز به دلیل دگرگونی آن در خردهای نوشندگان و وادار کردن آنان به انکار خدای عز و جل و دروغ بستن بر او و پیامبرانش و چیزهای دیگری که از آن پدید می آید، همچون فساد و قتل، حرام کرد. (2)

1 / 21 پرخوری پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: پرخوری مایه دوری از خداوند است که به سرپیچی کردنها نیرو می بخشد؛ پس شکمهایتان را پر نکنید که نور حکمت در سینه هایتان خاموش می شود. (3)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دل هنگام پری شکم، حکمت را بیرون می اندازد. (4)

امام علی علیه السلام: پرخوری، حجاب تیزفهمی است. (5)

ر. ک: ص 79 «روزه» / ص 80 «کم خوری» / ص 134 «میانہ روی در خوراک» .

1- نهج البلاغه: حکمت 252.

2- عیون أخبار الرضا علیه السلام: ج 2، ص 98، ح 2.

3- تاریخ دمشق: ج 19، ص 447، ح 4546.

4- تنبیه الخواطر: ج 2، ص 119.

5- غرر الحکم: 652.

مسائلی در باره حجابهای علم و حکمت

مسأله اول : قلمرو حجابهای حکمت

مسائلی در باره حجابهای علم و حکمت مسأله اول : قلمرو حجابهای حکمت نخستین سؤال در باره حجابهای دانش و حکمت ، این است که قلمرو مانعیت این موانع تا کجاست ؟ آیا مانع همه انواع شناختهای حسی ، عقلی و قلبی اند یا مانعیت آنها مرز خاصی دارد ؟ برای پاسخ باید موانع را به چند دسته تقسیم کرد : دسته اول : موانع و آفات علوم رسمی ؛ مانند کم رویی (1) بدفهمی (2) و تن آسایی (3) . این دسته ، مانع شناختهای عقلی هستند و کمترین احادیث را به خود اختصاص داده اند . دسته دوم : موانعی که مانعیت آنها شامل شناختهای عقلی و قلبی است؛ مانند عُجب ، تعصّب ، استبداد و ... (4) . این موانع ، اندیشه را از تشخیص درست حقایق عقلی و قلب را از برکات الهامها و ارشادهای غیبی الهی محروم می سازد . دسته سوم : موانع علم حقیقی و یا نور علم؛ مانند ظلم ، کفر ، اسراف ، فسق و به طور کلی گناه (5) . این موانع آینه دل را تیره و جان را بیمار می سازد و آدمی را از دانش حقیقی بی بهره می کند؛ هر چند دارای مراتب والایی از علوم رسمی باشد . اگر این بیماری مزمن گردد ، دل فاسد و انسان از مدار هدایت الهی خارج و در گمراهی ابدی گرفتار می گردد . قرآن در وصف آنان می فرماید : «چنین نیست ، بلکه آنچه کرده اند بر دلهایشان زنگار نهاده است . چنین نیست ، آنان در آن روز از پروردگارشان سخت محجوبند» (6) و نیز می فرماید : «دلهایی دارند که با آن در نمی یابند و دیدگانی دارند که با آنها نمی بینند و گوشهایی دارند که با آنها نمی شنوند . آنان همچون چهارپایانند ، بلکه گمراهر ، آنان همان غافلانند» . (7) این فصل نشان می دهد که قرآن و احادیث اسلامی در مبحث موانع شناخت بر این دسته تاکید کرده اند .

- 1- هرکه خجالت کشد ، دانشش اندک شود (الكافي : ج 2، ص 106، ح 3) .
- 2- به دست نیامدن دانش ، جز در نتیجه سوء فهم سامع نیست (غرر الحکم : 10559) .
- 3- دانش با تن آسایی یافت نشود (غرر الحکم : 10684) .
- 4- بنگرید به ابواب : 12 / 1 ، 13 / 1 ، 18 / 1 ، 17 / 1 ، 15 / 1 ، 21 / 1 ، 20 / 1 .
- 5- بنگرید به ابواب : 5 / 1 ، 6 / 1 ، 8 / 1 ، 7 / 1 ، 3 / 1 .
- 6- سوره مطفّفين ، آیه 14 و 15 .
- 7- سوره اعراف ، آیه 179 .

مسأله دوم : ریشه موانع نور علم

مسأله دوم : ریشه موانع نور علم اشاره کردیم که ظلم ، کفر ، اسراف و به طور کلی گناه از موانع نور علم اند . نکته مهم این است که همه موانع نور علم يك ریشه دارند و آن غلبه هوس است . از این رو هوس را در صدر موانع معرفت برشمردیم . هوس طوفانی است که غبارهایی به رنگ انواع ناشایستگیها ایجاد می کند . این غبارها آینه دل را تیره و انسان را از نور علم بی بهره می کند ، و با آنکه می داند ، گمراه می شود همانطور که خداوند عز و جلفرموده است : «آیا آن کس را دیده ای که هوای نفسش را [همچون] خدای خود گرفت و خداوند او را با وجود آگاهی اش بیراه گذارد و بر گوش و دل او مُهر نهاد و بر چشمش پرده کشید ، پس چه کسی پس از خدا او را هدایت می کند ، آیا پند نمی گیرید؟» . (1) بنابراین این مبارزه با موانع نور علم ، قطع ریشه هوس ضرور است .

مسأله سوم : مبادی وسوسه

مسأله سوم : مبادی وسوسه نکته مهم دیگر این است که موانع نور علم، مبادی دسیسه های شیطان نیز به شمار می رود . این موانع نه تنها انسان را از معارف حقیقی والهامات ربّانی محروم می سازد ، بلکه او را در معرض وسوسه های شیاطین و احساسات و ادراکات دروغین ناشی از آن قرار می دهد . از این رو در روایاتی که ملاحظه شد هوس و کبر هم آفت عقل شناخته شده است وهم دام شیطان (1) . در این ارتباط در مناجاة الشاکین منسوب به امام زین العابدین علیه السلام آمده است : «بار خدایا به تو شکایت می برم از دشمنی که گمراه می کند و از شیطانی که به اغوایم کمر بسته است؛ سینه ام را از وسوسه پر ساخته و اوهام و افکار واهی اش قلبم را احاطه کرده است؛ از هوسهایم پشتیبانی می کند و دوستی دنیا را در نظرم می آراید و میان من و بندگی تو و نزدیکی به تو فاصله می اندازد» . (2) بنابر این عامل اصلی سلطه شیطان بر انسان ، هوسهایی است که با ایجاد موانع معرفت ، راه را برای القائنات شیطانی باز می کند و از این رو کسانی که این موانع را از میان برده و به گفته قرآن به مرتبه عبودیت خداوند رسیده اند ، شیطان راهی برای وسوسه و القای ادراکات دروغین در آنها ندارد : «هیچ تسلطی بر بندگانم نداری (3)» .

-
- 1- بنگرید به : بخش چهارم ، موانع و حجابهای دانش و حکمت ، فصل نخست : هوس و کبر .
 - 2- الصحیفة السجّادیة الجامعة : ص 403 دعای 183 .
 - 3- سوره حجر ، آیه 42 .

فصل دوم: آنچه حجاب ها را می درد

2 / 1 قرآن

فصل دوم آنچه حجاب ها را می درد 2 / 1 قرآن «ای مردم! برای شما از جانب پروردگارتان، اندرزی و درمانی برای آنچه در سینه هاست و رهنمود و رحمتی برای مؤمنان آمده است.» (1)

ر. ك: بقره: 2، 66، آل عمران: 138، مائده: 46، یونس: 6.

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: این قرآن، ریسمان خدا و نور روشن گر و درمانی سودبخش است. (2)

امام علی علیه السلام _ در توصیف قرآن _ خداوند آن را دواپی قرار داد که با آن دردی و نوری که با آن ظلمتی نیست. (3)

ر. ك: ص 71 «وحي».

1- سوره یونس، آیه 57 و بنگرید به سوره های اسراء، آیه 82، فصّلت، آیه 44.

2- المستدرک علی الصحیحین: ج 1، ص 741، ح 2040.

3- نهج البلاغه: خطبه 198.

2 / 2 اندرز حدیث امام علی علیه السلام: با اندرزهاست که غفلت زدوده می شود. (1)

امام علی علیه السلام: ثمره اندرز، بیداری است. (2)

امام علی علیه السلام: اندرزها، صیقل جانها و جلای دل هاینند. (3)

2 / 3 تقوا قرآن «ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر تقوای خدا پیشه کنید، خداوند برای شما نیروی تشخیص حق از باطل قرار می دهد».

(4)

«ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا پروا کنید و به پیامبرش ایمان بیاورید، تا بهره دوچندان از رحمت خویش به شما ارزانی دارد و برای

شما نوری قرار دهد که در روشنایی آن گام بردارید و شما را پیامرزد و خداوند آمرزنده مهربان است».

(5)

1- غرر الحکم : 4191

2- غرر الحکم : 4588

3- غرر الحکم : 1354 .

4- سوره انفال ، آیه 29 .

5- سوره حدید ، آیه 28 و بنگرید به سوره بقره ، آیه 2 .

حدیث امام علی علیه السلام: تقوای الهی، دوی درد قلبهائتان و بینایی کوری دلہائتان و درمان بیماری پیکرهائتان و صلاح تباهی سینه هائتان و پاک کننده آلودگی جانہائتان و مایہ درخشندگی تیرگی چشمہائتان است. (1)

امام علی علیه السلام: آنکہ نہالہای تقوا کاشت، میوہ ہای ہدایت چید. (2)

4/2 ذکر قرآن «ہرکس از ذکر خدای رحمان چشم بندد، شیطانے بر او می گماریم تا ہمنشین وی باشد». (3)

حدیث پیامبر خدا صلی اللہ علیہ و آلہ: با ذکر خدا دلہا زندہ می شود. (4)

پیامبر خدا صلی اللہ علیہ و آلہ: جلای این دلہا ذکر خدا و تلاوت قرآن است. (5)

امام علی علیه السلام: آنکہ خدای سبحان را یاد کند، خداوند

1- نہج البلاغہ: خطبہ 198.

2- کنز الفوائد: ج 1، ص 279.

3- سورہ زخرف، آیہ 36.

4- تنبیہ الخواطر: ج 2، ص 120.

5- تنبیہ الخواطر: ج 2، ص 122.

2 / 5 پناه جستن

دلش را زنده و عقل و خردش را روشن کند . (1)

2 / 5 پناه جستقرآن «بگو پروردگارا به تو پناه می برم از وسوسه های شیطانها و پروردگارا از اینکه آنها نزد من حاضر شوند ، به تو پناه می برم» . (2)

«اگر وسوسه ای از شیطان به تو رسد ، به خدا پناه بر؛ زیرا که او شنوایِ داناست» . (3)

حدیثامام سجاد علیه السلام _ در نفرین بر شیطان _ :خدایا! آنچه را از باطل برای ما آراسته ، به ما بشناسان و هنگامی که شناساندی ما را از آن حفظ کن و به نیرنگ در برابر نیرنگش ، بینا گردان و آنچه برای آمادگی در برابر وی لازم است به ما الهام کن و ما را از خواب غفلت بر اثر میل به او ، بیدار فرما و با توفیقت به بهترین وجه ما را بر او یاری برسان . (4)

1- . غرر الحکم : 8876 .

2- . سوره ناس ، آیه 1 _ 6 .

3- . سوره اعراف ، آیه 200 .

4- . صحیفه سجّادیه : دعای 17 .

2 / 6 توبه امام علی علیه السلام: هرکس توبه کرده یافت. (1)

امام صادق علیه السلام: دلها زنگاری چون زنگار مس دارند، پس آنها را با استغفار جلا دهید. (2)

ر. ک: ص 86 «گناه».

7 / 2 ب_ لاقرآن «چون سوار بر کشتی می شوند، در حالی که دین خود را برای او خالص کرده اند، خدا را فرا می خوانند. پس چون آنها را

رهاند و به خشکی رساند، در آن هنگام شرك می ورزند». (3)

حدیث امام عسکری علیه السلام: خداوند است که در نیازها و سختیها، هر آفریده ای به سویش روی می آورد؛ آن گاه که از هرکس جز او

قطع امید و اسباب و وسایل جز او گسسته می شود. (4)

1- الکافی: ج 2، ص 395، ح 1.

2- عدة الداعی: 249.

3- سوره عنکبوت، آیه 65 و بنگرید به سوره های انعام، آیه 40 و 41، اسراء، آیه 67، زمر، آیه 8 و 49، روم، آیه 33، یونس، آیه 22

و 90.

4- التوحید: ص 231، ح 5.

توضیحی درباره داروی حجابهای دانش و حکمت

1. غذای جان و مبدأ الهام

2. قلمرو تأثیر داروهای معرفت

توضیحی درباره داروی حجابهای دانش و حکمت در این فصل، قرآن، موعظه، تقوا، ذکر، استعاذه، توبه و بلا به عنوان داروهای شفا بخش بیماریهای ناشی از وسوسه شیطان و حجابهای معرفت مطرح گردیدند. در باره چگونگی نقش این داروها در زدودن موانع شناخت و سالم سازی جان، توجه به چند نکته لازم است:

1. غذای جان و مبدأ الهام نخستین نکته مهم در مورد داروهای موانع معرفت، این است که آنها افزون بر زدودن حجابهای معرفت از اندیشه و دل، غذای جان و مبادی الهام نیز هستند و منافاتی میان دارو بودن این امور و مبدأ بودن آنها نسبت به الهامات الهی نیست بلکه کمال آنهاست همانطور که در داروهای جسم، غذا بودن دارو کمال آن است. بنابر این آنچه به عنوان داروی حجاب معرفت آمده، می تواند تحت عنوان مبادی الهام ذکر شود؛ بخصوص عناوینی مانند: قرآن، تقوا و ذکر که نقش آنها در معارف حقیقی با صراحت ذکر شد. دلیل اینکه این امور در این فصل و به عنوان دارو مطرح شدند نقش آنها در درمان بیماریهای جان و زدودن موانع معرفت و تصریح به این نقش در بسیاری از آیات و روایات است.

2. قلمرو تأثیر داروهای معرفت نکته دیگر درباره داروهای معرفت این است که کدام دسته از موانع

3. چگونه به کار بردن داروهای معرفت

معرفت با این داروها قابل زدودن هستند؟ آیا همه موانع معرفت را می توان با این داروها زدود؟ آیا موانع حسّی و موانع علوم رسمی با این داروها قابل درمان هستند؟ بالاخره قلمرو تأثیر داروهای معرفت تا کجاست؟ پاسخ این است که این داروها مربوط به دسته سوم از موانع معرفت - یعنی موانع نور علم - هستند؛ هر چند در زدودن برخی از موانع علوم رسمی مؤثرند .

3. چگونه به کار بردن داروهای معرفت را چگونه باید به کار برد و در چه شرایطی این داروها در زدودن موانع مؤثر هستند؟ پاسخ اجمالی آن است که تنها با ایجاد شرایط خاص هر دارو می توان انتظار تأثیر داشت؛ مثلاً تلاوت قرآن زنگار حجابهای معرفت را از آینه جان پاک می کند و دل را آماده بهره گیری از الهامات الهی می کند، ولی با دو شرط اساسی: تدبیر که «قرائتی که تدبیر ندارد خیری هم ندارد» (1) و دیگری اجتناب از موانع معرفت؛ اگرچه به طور موقت باشد. اگر کسی قرآن را با تدبیر بخواند، ولی از ظلم، تعصب و گناه اجتناب نکند، قطعاً تلاوتش شفا بخش نیست: «خداوند ظالمان را هدایت نمی کند» (2) و «خداوند فاسقان را هدایت نمی کند» (3). قرآن هدایت است ولی برای کسانی که موانع هدایت را، که همان موانع شناخت است، از سر راه خود بردارند: «این کتابی است که شك در آن روا نیست [که] راهنمای پرهیزگاران است» (4) و اگر تلاوت کننده شرایط تلاوت را فراهم نسازد، نه تنها قرآن شفا بخش نیست و حجابها را نمی زداید، بلکه بر حجابهای دل می افزاید: «و از قرآن آنچه برای مؤمنان شفا بخش و رحمت است فرو می فرستیم و ستمکاران را جز زیان نیفزاید» (5) اینگونه قاریان نه تنها مشمول رحمت حق نیستند، بلکه مورد لعنت قرآن نیز قرار می گیرند: «بسی تلاوتگر قرآن است که قرآن او را لعنت می کند» (6). سایر داروهای معرفت نیز شرایطی دارند که شرح آن را به فرصتی دیگر موکول می کنیم .

1- بحار الأنوار: ج 92 ص 211 ح 4.

2- سوره انعام، آیه 144، سوره قصص، آیه 5، سوره احقاف، آیه 10.

3- سوره منافقون، آیه 6.

4- سوره بقره، آیه 2.

5- سوره اسراء، آیه 82.

6- جامع الاخبار: ص 130، ح 255.

4. اصول داروهای معرفت**5. حجابهای غیر قابل زوال**

4. اصول داروهای معرفت خداوند متعال برای درمان حجابهای معرفت دو گونه دارو در نظام آفرینش قرار داده است: یکی تعالیم پیامبران و دیگری حوادث تلخ و عبرت انگیز. قرآن که کاملترین برنامه پیامبران است، درمندان معرفت را از طریق موعظه، تقوا، یاد خدا، دعا و استعاذه به درگاه حضرت حق و توبه درمان می کند. در کنار تعالیم انبیای الهی که درمان اساسی بیماریهای جان، و بویژه بیماریهای معرفت است، بلا- و حوادث تلخ زندگی داروی مسکن این بیماریهاست که هنگام ضرورت تجویز می گردد: «و پیامبری، به شهری نفرستادیم مگر آنکه اهل آن را به سختی و ناخوشی دچار کردیم؛ شاید که زاری و خاکساری کنند» (1).

5. حجابهای غیر قابل زوال الموانع و حجابهای معرفت سه دسته اند. دو دسته آنها با داروهای معرفت قابل علاج و زوال است و دسته سوم نه.

الف : حجابهای رقیق موانع معرفت، که شرح آن در فصل دوم گذشت و حجابهای دل، زنگارهای جان و مانع نور علم اند . در آغاز بیماری ، حجابهای معرفت رقیق است و تعالیم پیامبران می تواند آنها را بزدايد .

ب : حجابهای ضخیم قابل رفع اگر موانع معرفت علاج نشوند ، بتدریج حجابهای اندیشه و قلب متراکم می شوند . حجابهای متراکم تا جایی که جوهر آینه دل را فاسد نکرده باشند ، قابل علاج اند . برای زدودن این حجابها باید از داروی بلا بهره گرفت که از داروی موعظه قویتر است . زدودن زنگارهای دل با موعظه مانند پاکسازی آینه با آب است و زدودن زنگارهای دل با بلا ، صیقل دادن شمشیر با آتش است . زنگارهای ضخیم را جز با آتش نمی توان زدود . از این رو قرآن در باره فلسفه بلا و مصیبتهای زندگی می فرماید : «وقطعا غیر از آن عذاب بزرگتر ، از عذاب این دنیا [نیز] به آنان می چشانیم ، باشد که بازگردند» (1) . اینجاست که امام علی علیه السلام می فرماید: «هرگاه دیدی که خدای سبحان پی در پی بلا بر تو می فرستد، پس [بدان] که می خواهد بیدارت کند» (2)

ج : حجابهای ضخیم غیر قابل زوال اگر زنگارها و موانع شناخت بقدری متراکم شود که جوهر آینه دل فاسد گردد نه موعظه که آتش بلا نیز از صیقل دادن جوهر جان ناتوان می ماند و بیمار غیر قابل علاج می گردد ؛ همچنانکه حضرت علی علیه السلام می فرماید : «هرکس که خداوند با بلا و تجربه ها به وی سود نرساند ، از هیچ پندی سود نمی برد» (3) ، «چگونه کسی که فریاد را نشنیده ، صدای آهسته را بشنود؟» (4) از علامت های بیماری غیر قابل علاج معرفت ، تعصب شدید در عقاید باطل است به گونه ای که حاضر نیست حق را بپذیرد. قرآن حال آنان را چنین توصیف می کند : «خدا با وجود علم او را بیراه گذارد» (5) . در این صورت حتی اعجاز پیامبران برای او سودمند نیست . از همین رو حضرت عیسی علیه السلام که هر نوع بیماری را درمان کرده می فرماید :

1- .سوره سجده ، آیه 21 .

2- .غرر الحکم : 4046 .

3- .نهج البلاغه : خطبه 176 .

4- .نهج البلاغه : خطبه 4 ، الإرشاد : ج 1 ، ص 253 .

5- .سوره جاثیه ، آیه 23 .

«به مداوای احمق همت گماردم اما نتوانستم او را اصلاح کنم . گفته شد : ای روح خدا ، احمق کیست ؟ فرمود : خودبین و خود رأی ، آنکه همه فضل ها را از آن خود می داند . و حق و وظیفه ای بر خویش نمی بیند ، این نادانی است که راهی برای مداوایش نیست» (1).

افرادی که به این حجابهای غیر قابل علاج مبتلا می شوند گاه تا لحظه مرگ نیز از خواب غفلت بیدار نمی گردند. ابوجهل را می توان از اینان شمرد و از این رو پیامبر در پایان جنگ بدر و در کنار جنازه ابوجهل فرمود : «ابوجهل بیش از فرعون با خداوند دشمنی دارد . زیرا فرعون آنگاه که یقین به هلاکت پیدا کرد ، به یگانگی خداوند اعتراف کرد ولی ابوجهل هنگام یقین به هلاکتش ، لات و عزی را خواند .» (2) این گمراهان تنها پس از مرگ بیدار می شوند و به فرموده امام علی علیه السلام : «مردم در خوابند ، آنگاه که مردند ، بیدار می شوند.» (3)

1- ص 92 ح 165 .

2- .أمالی الطوسی : ص 310 ، ح 926 .

3- .خصائص الأئمة : 112 .

بخش پنجم : تعلّم

اشاره

بخش پنجم : تعلّم فصل اوّل : وجوب تعلّم فصل دوم : فضیلت تعلّم فصل سوم : آداب تعلّم فصل چهارم : آداب پرسیدن فصل پنجم : احکام تعلّم

فصل اول : وجوب تعلّم

1 / 1 وجوب تعلّم بر هر مسلمان

1 / 2 وجوب تعلّم در هر حال

فصل اول وجوب تعلّم 1 / 1 وجوب تعلّم بر هر مسلمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : جستجوی دانش بر هر زن و مرد مسلمانی واجب است . (1)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بر هر خردمند اندیشمندی از ائمتّم ، چهار چیز لازم است . گفته شد : ای پیامبر خدا! آنها چیستند؟ فرمود : گوش دادن به دانش و حفظ و انتشار و عمل کردن به آن . (2)

1 / 2 وجوب تعلّم در هر حال پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دانش را بجویید؛ هر چند در چین باشد . (3)

امام صادق علیه السلام : دانش را بجویید هر چند در ژرفای دریا فرو روید و خونتان بریزد . (4)

1- .کنز الفوائد : ج 2 ، ص 107 .

2- .تحف العقول : 57 .

3- .شعب الإيمان : ج 2 ، ص 254 ، ح 1663 .

4- .أعلام الدین : 303 .

1 / 3 واجب تر از طلب مال

امام صادق علیه السلام: جستجوی دانش در هر حال واجب است. (1)

1 / 3 واجب تر از طلب مال پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سلیمان میان پادشاهی و مال و دانش مخیر شد، پس دانش را برگزید و با این انتخابش، دانش و مال و پادشاهی به او بخشیده شد. (2)

امام علی علیه السلام: ای مردم! بدانید که کمال دین جستجوی دانش و عمل به آن است و بی گمان جستجوی دانش از جستجوی مال بر شما واجب تر است؛ چون مال میان شما قسمت و تضمین شده است و آن را خدای دادگر میان شما قسمت و ضمانت کرده است و به آن وفا می کند. ولی دانش در گنجینه ای دور از چشم شما و نزد اهلش نهاده شده است و به جستجوی آن فرمان یافته اید؛ پس آن را بجوید و بدانید که فراوانی مال مایه تباهی دین و سختی دل است و حال آنکه فراوانی دانش، صلاح دین و وسیله رسیدن به بهشت است. بخشش، مال را کاهش می دهد و دانش، با بخشش افزایش می یابد. بخشش دانش، انتشار آن در میان حافظان و ناقلان آن است. (3)

ر. ک: ص 35 «بهتر از مال».

1- بصائر الدرجات: ص 2، ح 2.

2- نثر الدرّ: ج 1، ص 175.

3- تحف العقول: 199.

1 / هشدار از ترك تعلم

1 / هشدار از ترك تعلم پيامبر خدا صلى الله عليه و آله: يا دانشمند باش يا دانشجو يا شنونده و يا دوستدار و پنجمی مباش که هلاك می گردی. (1)

امام صادق عليه السلام: دوست ندارم که جوانان شما را جز در این دو حالت ببینم: یا دانشمند یا دانشجو که سوگند به آنکه محمد صلی الله علیه و آله را به حق برانگیخت اگر چنین نکند، کوتاهی کرده است و اگر کوتاهی کند، تباه گرداند و اگر تباه گرداند، گناه کند و اگر گناه کند، در آتش ساکن شود. (2)

امام صادق عليه السلام: سزا نباشد آنکه دانشمند نیست، خوشبخت شمرده شود و آنکه مهربان نیست، ستوده به شمار آید. (3)

1- حلیة الأولیاء: ج 7، ص 237.

2- أمالی الطوسی: ص 303، ح 604.

3- تحف العقول: 364.

فصل دوم : فضیلت تعلّم

2 / 1 تأکید بر جستجوی دانش

2 / 2 فضیلت جویای دانش

فصل دوم فضیلت تعلّم 2 / 1 تأکید بر جستجوی دانش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دانش را فراگیرید که فرا گرفتنش، حسنه است. (1)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دانش را بجوید که آن رشته میان شما و خداوند عز و جل است. (2)

امام علی علیه السلام : رهسپار در جستجوی دانش ، مانند مجاهد در راه خداست. (3)

امام علی علیه السلام : ای مردم! بدانید که کمال دین جستجوی دانش و عمل به آن است. (4)

2 / 2 فضیلت جویای دانش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : جویای دانش میان نادانان ، همچون زنده در میان مردگان است. (5)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که در حال جستجوی دانش مرگش در رسد ، در حالی خدا را ملاقات می کند که میان او و پیامبران

جز

.

-
- 1- الخصال : ص 522 ، ح 12.
 - 2- أمالی المفید : ص 29 ، ح 1.
 - 3- روضة الواعظین : 15 .
 - 4- الكافی : ج 1 ، ص 30 ، ح 4.
 - 5- أمالی الطوسی : ص 577 ، ح 1191.

2 / 3 برتری دانش جویی بر عبادت

درجه پیامبری فاصله ای نباشد. (1)

امام علی علیه السلام: دانشجو، سربلندی دنیا ورستگاری آخرت دارد. (2)

ابن مسعود: هرگاه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله جویندگان دانش را می دید، می فرمود: آفرینتان باد ای چشمه های حکمت و چراغهای تاریکی و ژنده پوشان بُرنادل و گلهای خوشبوی هر قبیله. (3)

امام باقر علیه السلام: بی گمان همه جنبنندگان زمین _ حتی ماهیان دریا _ بر جویای دانش درود می فرستند. (4)

ر. ک: ص 121 «بهره های جستجوی دانش».

2 / 3 برتری دانش جویی بر عبادت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آنکه در پی بایی از دانش بیرون می رود، تا با آن باطلی را به حقّ یا گمراهی را به هدایت برگرداند، کردارش همچون چهل سال عبادت عابد است. (5)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سخنی از سخنان حکمت که مرد مؤمن می شنود _ و به آن عمل کند یا آن را بیاموزد _ بهتر از عبادت یک سال است. (6)

امام علی علیه السلام: جستجوی دانش، برتر از عبادت است. خداوند عز و جل فرموده است: «از میان بندگان خداوند، تنها دانایان از خدا بیم دارند» (7). (8)

ر. ک: ص 182 «برتری دانشمند بر عابد».

1- المعجم الأوسط: ج 9، ص 174، ح 9454.

2- غرر الحکم: 7349.

3- کنز العمال: ج 10، ص 260، ص 29381.

4- بصائر الدرجات: ص 4، ح 4.

5- أمالی الطوسی: ص 618، ح 1275.

6- الزهد لابن المبارك: ص 487، ح 1386.

7- سوره فاطر، آیه 28.

8- بحار الأنوار: ج 69، ص 80، ح 29.

نکته هایی در باره برتری دانش بر عبادت

1. کدام علم و کدام عبادت؟

نکته هایی در باره برتری دانش بر عبادت 1. کدام علم و کدام عبادت؟ در فصل پنجم می آید که تعلّم دارای احکام پنجگانه واجب، مستحب، مباح، مکروه و حرام است و در این صورت با عبادتهای واجب و مستحب تراحم پیدا می کند. پس نخستین مسأله در مقام ترجیح علم بر عبادت این است که کدام علم بر کدام عبادت رجحان دارد؟ تأمل در احادیثی که علم را بر عبادت ترجیح می دهند، نشان می دهد که منظور ترجیح تعلّم واجب و یا مستحب بر عبادتهای مستحب است. البته برتری تعلّم واجب بر عبادت مستحب قابل مقایسه با برتری تعلّم مستحب بر عبادت مستحب نیست و شاید احادیثی که فضایل شگفت انگیزی را در تبیین فضیلت علم بر عبادت مطرح کرده اند، ناظر به این صورت از تراحم می باشد. وجه دیگر در ترجیح علم بر عبادت این است که علم به خودی خود و بدون در نظر گرفتن احکام پنجگانه فقهی؛ یعنی ذاتاً بر عبادت مقدم است و این تقدم، علل مختلفی دارد، مانند اینکه عبادت بدون علم ممکن نیست.

2. نقش سازنده عبادت در کنار علم

2. نقش سازنده عبادت در کنار علم در فصل‌های گذشته به نقش سازنده و بنیادی عبادات در پیدایش نور علم والهامات قلبی و همچنین دوام آن اشاره شد. (1) از این رو مقصود احادیثی که علم را بر عبادت ترجیح می‌دهند، تضعیف و یا انکار نقش سازنده عبادت در کنار علم نیست، بلکه تأکید بر توأم ساختن عبادت با علم و تحذیر از عبادت جاهلانه است و در بخش هفتم خواهد آمد که عبادت بدون علم نه تنها ارزشی ندارد، بلکه خطر آفرین است. بنابر این احادیث این فصل نمی‌توانند بهانه‌ای برای ترك عبادات _ حتی عبادت‌های مستحب _ گردند.

1- بنگرید به: ص 36، عمل و: ص 78، نماز و: ص 79، روزه و: ص 38 ح 50.

2 / 4 بهره های جستجوی دانش

2 / 4 بهره های جستجوی دانشالف : محبت خدا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند جو یای دانش را دوست می دارد و نیز فرشتگان و پیامبران او. (1)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : جو یای دانش در سایه عنایت خداوند است. (2)

ر . ك : ص 177 «دوستان خدا» .

ب : بزرگداشت فرشتگان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس به جستجوی دانش برخیزد ، فرشتگان بر وی سایه اندازند و در معیشتش برکت حاصل می شود و از روزی او کم نمی گردد. (3)

امام باقر علیه السلام : هیچ بنده ای صبح یا شب در جستجوی دانش نمی رود ، مگر آنکه غریق رحمت گردد و فرشتگان ندایش دهند : آفرین به زایر خدا ، و از همان راه به بهشت در آید. (4)

ج : به عهده گرفتن روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آنکه دانش می جوید ، خداوند روزیش را به عهده می گیرد. (5)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آنکه در دین خدا تفقه کند ، خداوند هم و

1- .جامع الأخبار : ص 110 ، ح 195.

2- .عوالی اللئالی : ج 1 ، ص 292 ، ح 167 .

3- .آداب تعلیم و تعلم : 51 .

4- .ثواب الأعمال : ص 160 ، ح 2.

5- .تاریخ بغداد : ج 3 ، ص 180.

غمش را کفایت می کند و از جایی که به فکرش نمی رسد روزیش دهد. (1)

د: آموزش خواهی همه چیز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرکس که در آسمان و زمین است _ حتی ماهیان دریا _ برای جویای دانش آموزش می طلبند. (2)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آسمانها و زمین و فرشتگان و شب و روز برای سه کس آموزش می طلبند: دانشمندان و دانشجویان و سخاوتمندان. (3)

ه: آموزش گناهان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هیچ بنده ای در پیجویی دانش، نعلین و کفش به پا و جامه بر تن نکرد، جز آنکه خداوند گناهانش را در درگاه خانه اش آمرزید. (4)

امام علی علیه السلام: بسی مؤمن که در جستجوی دانش از خانه اش بیرون شد و جز آمرزیده بازنگشت. (5)

و: همواری راه بهشت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرکس راهی را در جستجوی دانش بیپیماید، خداوند راهی به سوی بهشت برایش بگشاید. (6)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هرچیز راهی دارد و راه بهشت، دانش است. (7)

1- جامع بیان العلم: ج 1، ص 45.

2- الکافی: ج 1، ص 34، ح 1.

3- إرشاد القلوب: 196.

4- المعجم الأوسط: ج 6، ص 37، ح 5722.

5- روضة الواعظین: 15.

6- الکافی: ج 1، ص 34، ح 1.

7- الفردوس: ج 3، ص 329، ح 4989.

فصل سوم : آداب تعلّم

الف : آنچه شایسته است

3 / 1 خلاص

فصل سوم آداب تعلّم الف : آنچه شایسته است 3 / 1 خلاص پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دانش را نجوید تا بدان به دانشمندان فخر بفروشید یا نادانان به جدل برخیزید و یا مردم را به سوی خود بگردانید که هرکس چنین کند ، در آتش است ولیکن دانش را برای خدا و سرای آخرت فراگیرید . (1)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ای علی! از ویژگیهای مؤمن آن است که حقیقت را از دشمنش می پذیرد و فرا نمی گیرد جز برای آنکه بداند و نمی داند جز برای آنکه عمل کند . (2)

امام صادق علیه السلام : هرکس برای خدا دانش آموزد و بدان عمل کند و به دیگران یاد دهد ، در ملکوت آسمانها به بزرگی یاد شود و گفته شود : برای خدا فراگرفت و برای خدا عمل کرد و برای

1- .تنبيه الخواطر : ج 2 ، ص 215 .

2- .التمحيص : ص 75 ، ح 171 .

3 / 2 انتخاب آموزگار شایسته

خدا آموخت . (1)

ر . ك : ص 76 «اخلاص» / ص 135 «آموختن برای غیر خدا» / ص 167 «اخلاص» / ص 201 «خودنمایی» .

3 / 2 انتخاب آموزگار شایسته حدیث زید شحّام: از امام باقر علیه السلام درباره گفته خدای عز و جل : «انسان باید به خوراکش نیک بنگرد» ،
(2) پرسیدم که معنای خوراك چیست ؟ فرمود : یعنی دانشی که فرا می گیرد ، (بنگرد که) از چه کسی فرا می گیرد . (3)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : این دانش ، دین است ، پس نیک بنگرید که از چه کسی دین خود را می گیرید . (4)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نزد هر مدّعی دعوت گری که شما را از یقین به شكّ و از اخلاص به ریا و از فروتنی به تکبّر و از نصیحت به دشمنی و از زهد به رغبت می خواند ، منشینید و به دانشمندی که شما را از کبر به فروتنی و از ریا به اخلاص و از شكّ به یقین و از رغبت به زهد و از دشمنی به نصیحت فرا می خواند ، نزدیک شوید . (5)

ر . ك : ص 130 «بیان» .

1- .الكافی : ج 1 ، ص 35 ، ح 6.

2- .سوره عبس ، آیه 24 .

3- .الكافی : ج 1 ، ص 49 ، ح 8 .

4- .الجامع الصغیر : ج 1 ، ص 384 ، ح 2511 .

5- .عدة الداعی : 69 .

3 / 3 رعایت اولویت ها

3 / 4 فارغ ساختن

3 / 3 رعایت اولویت ها ابن عباس: بادیه نشینی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و گفت: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله! از شگفتیهای دانش به من بیاموز. حضرت فرمود: با اساس دانش چه کرده ای که از شگفتیهایش می پرسی؟ مرد گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! اساس دانش چیست؟ فرمود: شناخت خدا آنچنان که باید. بادیه نشین گفت: شناخت خدا آنچنان که حقّ شناخت اوست، چگونه است؟ فرمود: او را بی مانند و شبیه و همتا بدانی و اینکه یکتا، یگانه، پیدا، نهان، نخست و پایان است. نه همتایی دارد و نه همانندی، پس این حقّ شناخت اوست. (1)

امام علی علیه السلام: در سفارش به پسرش امام حسن علیه السلام... در آموزش تو، به یاد دادن کتاب خدای عز و جل و تأویل آن و دستورهای اسلام و احکام آن و حلال و حرامش، آغاز می کنم و آن را برایت فروگذار نکرده تا به چیز دیگری پردازم. (2)

ر. ک: ص 147 «از هر دانشی نیکوترینش».

3 / 4 فارغ ساختن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در سفارش خضر به موسی علیه السلام آمده است: ای موسی! اگر دانش می خواهی، خود را برای آن فارغ ساز که دانش از آن کسی است که خود را برایش فارغ سازد. (3)

1- توحید: ص 284، ح 5.

2- نهج البلاغه: نامه 31.

3- المعجم الأوسط: ج 7، ص 79، ح 6908.

3 / 5 آموختن شفاهی

3 / 6 خوب گوش دادن

3 / 7 نگارش

امام سجاد علیه السلام _ در رساله حقوق _ و اما حقّ پیشوای علمی تو آن است که . . . در آنچه از دانش که به او نیازمندی ، او را بر خودت یاری دهی؛ بدینگونه که با ترك لذتها و کاستن شهوتها، خردت را برای آن فارغ و فهمت را حاضر و دلت را پاک و دیده ات را روشن سازی . (1)

3 / 5 آموختن شفاهی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دانش را از دهان مردان فرا بگیرید . (2)

3 / 6 خوب گوش دادنا امام علی علیه السلام : هنگامی که نزد دانشمندی می نشینی ، برای شنیدن حریصتر از گفتن باش و خوب گوش دادن را مانند خوب گفتن یاد بگیر و سخن کسی را قطع مکن . (3)

امام علی علیه السلام : آنکه خوب گوش دهد ، زود بهره برد . (4)

3 / 7 نگارش عمرو بن العاص : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : دانش را در بند کنی . عرض کردم : در بند کردن آن چگونه است؟ فرمود : نگارش

1- . تحف العقول : 260 .

2- . عوالی اللئالی : ج 4 ، ص 78 ، ح 67 .

3- . المحاسن : ج 1 ، ص 364 ، ح 787 .

4- . غرر الحکم : 9243 .

آن . (1)

امام صادق علیه السلام _ به مفضل بن عمر _ بنویس و دانشت را در میان برادرانت پراکنده ساز و هنگام مرگ ، کتابهایت را برای پسرانت به ارث بگذار ، که روزگاری آشفته بر مردم می آید که در آن جز به کتابهایشان انس نگیرند . (2)

3 / 8 پرسیدن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دانش ، گنجینه و کلید آن پرسش است . پس خدا رحمتتان کند پرسید که به چهار کس پاداش داده می شود : پرسشگر و گوینده و شنونده و دوستدار آنها . (3)

امام سجاد علیه السلام : از پرسیدن درباره نادانسته ها کوتاهی مکن ؛ هر چند به دانش نامور شده باشی . (4)

امام باقر علیه السلام _ در پاسخ به پرسشهای ابو اسحاق لیثی _ : پرس و خودداری مکن و شرم مدار که این دانش را نه متکبر و نه کمرو فرا نمی گیرند . (5)

یونس بن عبدالرحمان از برخی یارانش : از امام رضا علیه السلام پرسیده شد : آیا مردم می توانند پرسیدن از چیزی را که بدان نیاز دارند و اگذارند؟ فرمود : نه . (6)

1- .المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ، ص 188 ، ح 362 .

2- .الکافی : ج 1 ، ص 52 ، ح 11 .

3- .تحف العقول : 41 .

4- .نزہة الناظر : ص 92 ، ح 17 .

5- .علل الشرائع : ص 606 ، ح 81 .

6- .الکافی : ج 1 ، ص 30 ، ح 3 .

3 / 9 تفکر امام علی علیه السلام: هرکس در آنچه فراگرفته نیک بیندیشد، دانشش را استوار کرده است و آنچه را نفهمیده بفهمد. (1)

امام علی علیه السلام: هان! بدانید دانشی که در آن اندیشیدن نباشد، خیری ندارد. (2)

3 / 10 شناخت آرا امام علی علیه السلام: هان! خردمند کسی است که با اندیشه ای درست و نگاهی دوراندیش، از آرای گوناگون استقبال کند. (3)

ایوب علیه السلام: انسان خطای آموزگارش را نشناسد، تا آنکه اختلاف [و دیگر نظرات] را بشناسد. (4)

3 / 11 پذیرش حق از آورنده آنقرآن «پس بشارت بده بندگانم را که به سخن گوش فرا می دهند و بهترین آن را پیروی می کنند، آنان اند که خدا راهنمایی اشان کرده است و هم ایشان خردمندان اند.» (5)

1- غرر الحکم: 8917.

2- الکافی: ج 1، ص 36، ح 3.

3- غرر الحکم: 2778.

4- عیون الأخبار لابن قتیبة: ج 2، ص 127.

5- سوره زمر، آیه 17 و 18.

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دو چیز شگفت است: سخنی حکیمانه از ابله، پس آن را بپذیرید و سخنی ابلهانه از حکیم، پس آن را بر او ببخشاید که هیچ بردباری بی لغزش و هیچ حکیمی بی تجربه نیست. (1)

امام صادق علیه السلام: حکمت گمشده مؤمن است، پس هر يك از شما گمشده اش را در هر جا یافت، آن را برگزید. (2)

امام علی علیه السلام: حکمت را از هر کس که آن را برای آورد بگیر و به آنچه می گوید بنگر و نه آنکه می گوید. (3)

امام سجاد علیه السلام: از این که مروارید گران بها را از میان زباله دانی پست برگیری، دریغ مکن که پدرم برایم روایت کرد و فرمود: از امیر مؤمنان علیه السلام شنیدم که می فرمود: سخن حکیمانه در پی جایگاه اصلی اش آن قدر در سینه منافق بالا و پایین می رود، تا آن را بر زبان آورد و مؤمن بشنود که وی اهل آن و بدان سزاوارتر است، پس آن را بر باید. (4)

عیسی علیه السلام: حق را از اهل باطل بگیرد و باطل را از اهل حق بگیرد. نقاد سخن باشید که بسی گمراهی با آیه ای از کتاب خدا زینت داده می شود؛ همان گونه که درهم مسین را با نقره اندود می کنند. به ظاهر یکی می نمایند، ولی بینایان آن را می آزمایند و تشخیص می دهند. (5)

1- .أمالی الطوسی : ص 589 ، ح 1221.

2- .الكافی : ج 8 ، ص 167 ، ح 186.

3- .غرر الحکم : 5048 .

4- .أمالی الطوسی : ص 625 ، ح 1291.

5- .المحاسن : ج 1 ، ص 359 ، ح 769.

امام کاظم علیہ السلام: ای هشام! مسیح به حواریون خود فرمود: . . . اگر چراغی را که باقیر می سوزد در شبی تاریک بیابید، از پرتو آن روشنی می گیرید و بوی بدش، مانع استفاده شما نمی شود؛ همین گونه سزاست که حکمت را از هر کس که پیش او یافتید، بگیریید و بی علاقگی او مانع شما نشود. (1)

بیان: در احادیث این بخش بر پذیرش حق و فراگیری حکمت و علم از هر کس _ حتی مشرکان _ تأکید شده است؛ در حالی که در احادیث سابق در فصل «انتخاب آموزگار شایسته» برای معلّم شرطهایی بیان شده بود. در جمع میان این احادیث باید گفت پذیرفتن حق از هر کس، منافاتی با انتخاب معلّم صالح ندارد؛ زیرا پذیرش حق، شرط ندارد اما انتخاب معلّم رسمی دارای شرط است. زیرا روحیه معلّم و اخلاقش در تربیت و پرورش متعلّم نقش اساسی دارد. از این رو معلّم باید دارای اخلاق نیکو باشد؛ چون آموزش با پرورش همراه است. افزون بر اینکه اگر معلّم ناصالح بوده و به علم خود عامل نباشد، ممکن است در لابلای مطالب صحیح، مطالب نادرست را نیز القا کند و متعلّم متوجه آن نشود و یا حتی آنگاه که مطلب درستی را که خود بدان عامل نیست بیان می کند، این حالت به متعلّم نیز سرایت کند؛ در حالی که این آفات در تعلّم موردی و پذیرش حق از فرد ناصالحی که معلّم رسمی انسان نیست، وجود ندارد.

3 / 12 حرص

3 / 13 استمرار

3 / 14 شکیبایی

3 / 12 حرص پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : حسادت و تملق روا نیست ، جز در جستجوی دانش . (1)

امام علی علیه السلام : هرکس شیفته دانش گردد ، به خویشتن نیکی کرده است . (2)

3 / 13 استمرار امام علی علیه السلام : دانش را به دست نیاورد ، مگر کسی که درس خود را ادامه دهد . (3)

امام علی علیه السلام : هرکس بسیار به درس و مباحثه علم پردازد ، آنچه را فرا گرفته از یاد نبرد و آنچه را ندانسته فرا گیرد (4)

ر . ك : ص 194 «بسنده نکردن به آنچه می داند» / ص 195 «یاری جستن از خدا برای افزایش دانش» .

3 / 14 شکیبایی قرآن «موسی به او [خضر] گفت : آیا به دنبال تو بیایم تا آنکه از بینشی که آموخته شده ای برای رشدم به من

1- . تاریخ بغداد : ج 13 ، ص 275 ، ح 7 .

2- . غرر الحکم : 8277 .

3- . غرر الحکم : 10758

4- . غرر الحکم : 8916 .

بیموزی؟ گفت: تو هرگز نمی توانی همپای من صبر کنی. و چگونه می توانی بر چیزی که به شناخت آن احاطه نداری، صبر کنی؟ گفت: ان شاء الله مرا شکیبیا خواهی یافت و در هیچ کاری تو را نافرمانی نخواهم کرد. گفت: اگر به دنبال من می آیی از چیزی سؤال مکن تا خود از آن با تو سخن آغاز گویم. پس رهسپار گردیدند تا وقتی که سوار کشتی شدند. وی آن را سوراخ کرد. [موسی] گفت: آیا کشتی را سوراخ کردی تا سرنشینانش را غرق کنی؟ واقعا کار ناروایی کردی! گفت: آیا نگفتم که تو هرگز نمی توانی همپای من صبر کنی؟ [موسی] گفت: به سبب آنچه فراموش کردم مرا مؤاخذه مکن و در کارم بر من سخت مگیر. پس رفتند تا به نوجوانی برخوردند. [خضر] او را کُشت. موسی به او گفت: آیا شخص بی گناهی را بدون این که کسی را به قتل رسانده باشد کُشتی؟ واقعا کار ناپسندی مرتکب شدی! گفت: آیا به تو نگفتم که هرگز نمی توانی همپای من صبر کنی؟ [موسی] گفت: اگر از این پس چیزی از تو پرسیدم، دیگر با من همراهی مکن و از جانب من قطعاً معذور خواهی بود». (1)

حدیثیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که ساعتی بر خواری فراگرفتن

3 / 15 پرهیزگاری

3 / 16 فروتنی در برابر آموزگار

شکیبایی نوزد، همواره در خواری نادانی باقی بماند. (1)

امام علی علیه السلام: بر دانشجوست که نفسش را به جستجوی دانش عادت دهد و از فرا گرفتن آن ملول نگردد و آنچه را فرا گرفته بسیار نشمارد. (2)

3 / 15 پرهیزگاری امام علی علیه السلام: دانش جز به پرهیزگاری پاکیزه نگردد. (3)

از سفارشهای خضر به موسی علیه السلام: بر دلت جامه پرهیزگاری بپوشان تا به دانش برسی. (4)

3 / 16 فروتنی در برابر آموزگار امام علی علیه السلام: کسی که تکبر می ورزد، چیزی فرا نمی گیرد. (5)

امام صادق علیه السلام: در برابر آنکه از او دانش می جوید، فروتنی کنید و از دانشمندان متکبر مباشید که باطل شما، حقتان را ببرد. (6)

ر. ک: ص 168 «فروتنی برای شاگرد» / ص 204 «فروتنی در برابر وی».

1- عوالی اللئالی: ج 1، ص 285، ح 135.

2- غرر الحکم: 6197

3- .. غرر الحکم: 10689.

4- المعجم الأوسط: ج 7، ص 79، ح 6908.

5- غرر الحکم: 10586.

6- الکافی: ج 1، ص 36، ح 1.

3 / 17 میانه روی در خوراک

3 / 18 سحر خیزی

3 / 19 غنیمت شمردن فرصت در خردسالی و جوانی

3 / 17 میانه روی در خوراک پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل می گوید: پنج چیز را در پنج چیز نهادم و حال آنکه مردم آن را در پنج چیز دیگر می جویند، پس آن را نمی یابند. دانش را در گرسنگی و کوشش نهادم و مردم آن را در پر خوری و راحت طلبی می جویند و نمی یابند... (1)

ر. ک: ص 79 «روزه» / ص 80 «کم خوری» / ص 96 «پر خوری».

3 / 18 سحر خیزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بامدادان به جستجوی دانش برخیزید که سحر خیزی مایه برکت و کامیابی است. (2)

3 / 19 غنیمت شمردن فرصت در خردسالی و جوانی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که در خردسالی دانش آموزد، مانند نقش بر سنگ است و کسی که در بزرگسالی دانش آموزد، مانند کسی است که بر آب می نگارد. (3)

امام علی علیه السلام: آنکه در خردسالی نیاموزد، در بزرگسالی پیش نیفتد. (4)

امام علی علیه السلام: آنکه در خردسالی بیاموزد، در بزرگسالی پاسخ دهد. (5)

1- عوالی اللئالی: ج 4، ص 61، ح 11.

2- تاریخ بغداد: ج 13، ص 270.

3- الفردوس: ج 4، ص 135، ح 6420.

4- غرر الحکم: 8937.

5- غرر الحکم: 8273.

ب : آنچه شایسته نیست**3 / 20 آموختن برای غیر خدا**

ب : آنچه شایسته نیست 3 / 20 آموختن برای غیر خدا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرکس دانش را برای ریا و خودنمایی و به دست آوردن دنیا فرا گیرد ، خداوند برکتش را از وی بر می دارد و روزی را بر او تنگ می کند و او را به خودش وا می گذارد و هرکس را خدا به خودش واگذارد ، هلاکتش حتمی است . (1)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ در سفارش به ابوذر _ : ای ابوذر! . . . هرکس دانش را بطلبد تا بدان مردم را متوجه خود کند ، بوی بهشت را نیابد . ای ابوذر! هرکس دانش را بطلبد تا بدان به مردم نیرنگ بزند ، بوی بهشت را نیابد . (2)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرکس دانش را برای غیر خدا فراگیرد یا با آن غیر خدا را اراده کند ، جایگاهش را در آتش تدارک کند . (3)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرکس دانش را از اهلش فرا گیرد و به دانش خود عمل کند ، نجات یابد و هرکس با آن دنیا را بطلبد ، همان بهره اوست . (4)

ر . ك : ص 76 «اخلاص» / ص 123 «اخلاص» / ص 167 «اخلاص» / ص 201 «خودنمایی» .

1- مکارم الأخلاق : ج 2 ، ص 348

2- مکارم الأخلاق : ص 364 ، ح 2661.

3- سنن الترمذی : ج 5 ، ص 33 ، ح 2655.

4- الکافی : ج 1 ، ص 46 ، ح 1.

3 / 21 خجالت کشیدن

3 / 22 پراکنده‌گی در مجلس

3 / 21 خجالت کشیدن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سالمند از اینکه نزد جوان بنشیند و از او دانش آموزد، خجالت نکشد. (1)

امام علی علیه السلام: چند زن نزد یکی از همسران پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند و به گفتگو نشستند. همسر پیامبر به حضرت صلی الله علیه و آله گفت: ای پیامبر خدا! این زنان آمده اند تا از تو چیزی را بپرسند که از گفتنش خجالت می کشند. حضرت فرمود: هر چه می خواهند بپرسند که خداوند از حق خجالت نمی کشد. (2)

3 / 22 پراکنده‌گی در مجلس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هنگامی که نزد آموزگار یا در مجلسهای دانش نشستید، نزدیک هم شوید و برخی پشت برخی دیگر بنشینند. مانند دوران جاهلیت پراکنده نشینید. (3)

1- الفردوس: ج 5، ص 144، ح 7765.

2- دعائم الإسلام: ج 1، ص 115.

3- الفردوس: ج 1، ص 271، ح 1053.

فصل چهارم : آداب پرسیدن

الف : آنچه سزاوار است

4 / 1 خردورزی

4 / 2 پرسیدن برای دانستن

فصل چهارم آداب پرسیدنالف : آنچه سزاوار است 4 / 1 خردورزی امام علی علیه السلام : ای مردم! هرگاه کسی می پرسد بیندیشد و هرگاه پرسیده شد درنگ کند . به خدا سوگند که به دلیل سستی بسیاری از پرسیده شدگان و سکوت بسیاری از پرسندگان شما ، بلا و حقایق امور بر شما نازل شده است . (1)

4 / 2 پرسیدن برای دانستن امام علی علیه السلام _ به پرسشگری که از حضرت مشکلی پرسیده بود _ : برای فهمیدن و نه در مانده کردن پرس که نادان دانشجو مانند دانشمند است و دانشمند بی انصاف مانند نادان آزار دهنده است . (2)

امام علی علیه السلام _ در توصیف مؤمن _ : ساکت می گردد تا سلامت بماند و می پرسد تا بفهمد . (3)

1- . دستور معالم الحکم : 81 .

2- . نهج البلاغه : حکمت 320 .

3- . الکافی : ج 2 ، ص 230 ، ح 1 .

4 / 3 نیکو پرسیدن

4 / 4 رعایت حق تقدّم

ب: آنچه شایسته نیست

4 / 5 پرسیدن برای درمانده کردن

4 / 3 نیکو پرسیدن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: نیکویی پرشش، نیمی از دانش است. (1)

امام علی علیه السلام: هر کس نیکو بپرسد، بداند. (2)

4 / 4 رعایت حق تقدّم امام صادق علیه السلام: دو مرد نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمدند: مردی از انصار و مردی از ثقیف. مرد ثقیفی گفت: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله! نیازی دارم. حضرت فرمود: برادر انصاری ات مقدّم است. گفت: ای پیامبر خدا صلی الله علیه و آله! من در سفرم و شتاب دارم. مرد انصاری گفت: به او اجازه دادم و نوبتم را به او وانهادم. (3)

ب: آنچه شایسته نیست 4 / 5 پرسیدن برای درمانده کردن ابن عباس: پیامبر صلی الله علیه و آله به عبدالله بن سلام فرمود: ای ابن سلام! سپاس خدای راست بر نعمت هایش. آیا برای پرسیدن آمده ای یا درمانده کردن؟ گفت: ای محمّد! برای پرسیدن آمده ام. فرمود: برای گمراهی یا هدایت. گفت: ای محمّد! برای هدایت.

1- المعجم الأوسط: ج 7، ص 25، ح 6744.

2- غرر الحکم: 7933.

3- الکافی: ج 4، ص 261، ح 37.

4 / 6 پرسیدن از چیزهایی که پاسخش زیان می رساند

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر چه می خواهی بپرس. (1)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بدترین مردم کسانی اند که از بدترین مسأله ها می پرسند تا دانشمندان را به اشتباه اندازند. (2)

4 / 6 پرسیدن از چیزهایی که پاسخش زیان می رساند قرآن «ای مؤمنان! از چیزهایی پرسید که اگر بر شما آشکار شود بر شما ناهموار آید و اگر هنگام فرود آمدن قرآن آنها را پرسید، برای شما آشکار می شود. خدا از آنچه بود درگذشت و او آمرزنده بردبار است.» (3)

«گفت اگر مرا پیروی می کنی، پس از چیزی بپرس تا خود از آن سخن به میان آورم.» (4)

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند متعال حدودی را برای شما تعیین نموده است. از آنها فراتر نروید و واجباتی را بر شما واجب ساخته، پس آنها را تباہ نکنید و سنتهایی را برای شما بنا نهاده، پس از آنها پیروی کنید و حرامهایی را بر شما حرام کرده، پس آنها را هتک نکنید و پاره ای چیزها را از روی رحمتش به شما بخشیده است؛

1- الإختصاص : 43.

2- جامع الأصول : ج 5 ، ص 58 ، ح 3067.

3- سوره مائده ، آیه 101 .

4- سوره كهف ، آیه 70 .

4 / 7 پرسش از چیزهای بی فایده

4 / 8 بسیار پرسیدن

بی آنکه فراموش کرده باشد، پس درباره آنها خود را به زحمت میندازید. (1)

ر. ك: كتاب «العقل والجهل: أحكام الجاهل: ما ينبغي من الجهل».

4 / 7 پرسش از چیزهای بی فایده امام علی علیه السلام: از آنچه به کارت می آید بپرس و آنچه را به کارت نمی آید واگذار. (2)

امام علی علیه السلام: از آنچه نمی شود مپرس که آنچه شده است تو را بس است. (3)

ر. ك: ص 137 «پرسیدن برای دانستن» / ص 138 «پرسیدن برای درمانده کردن».

4 / 8 بسیار پرسیدن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند رحمت کند مؤمنی را که سخن گوید و غنیمت یابد یا خاموش باشد و سلامت

ماند. من برایتان قیل و قال و تباه کردن مال و فراوانی سؤال را بد می دارم. (4)

امام کاظم علیه السلام: خداوند عز و جل از قیل و قال و تباه کردن مال و فراوانی سؤال نفرت دارد. (5)

1- .أمالی المفید: ص 159، ح 1.

2- .الغارات: ج 1، ص 179.

3- .غرر الحکم: 10315.

4- .دعائم الإسلام: ج 2، ص 66، ح 184.

5- .الكافی: ج 5، ص 301، ح 5.

بیان: اگر گفته شود امام علی علیه السلام فرموده است: «دانش به دست نیاید جز با پنج چیز: نخستین آنها کثرت سؤال است. . .» (1) و این با احادیثی که کثرت سؤال را ناپسند می دارد، چگونه جمع می شود؟ در پاسخ می گوئیم: نیکویی زیاد پرسیدن مشروط است به اینکه زیان بخش و یا برای در مانده کردن نباشد، بلکه از آن فایده ای حاصل آید. از این رو در صورتی که یکی از شرطها را نداشته باشد، پرسش، زشت و کثرت آن، زشت تر خواهد بود؛ از اینجا می توان نتیجه گرفت، احادیثی که جوینده دانش را به پرسش ترغیب می کند، ناظر به پرسشهایی است که واجد این شرطها باشد و روایاتی که از پرسش یا فراوانی باز می دارد، ناظر به پرسشهایی است که فاقد آنها هستند.

فصل پنجم: احکام تعلّم

الف: آنچه فراگیرش واجب است

5 / 1 شناخت خدا

5 / 2 پایه های اسلام

فصل پنجم احکام تعلّم الف: آنچه فراگیرش واجب است 5 / 1 شناخت خدا امام علی علیه السلام: شناخت خداوند برترین دانش است. (1)

امام صادق علیه السلام: برترین فریضه ها و واجب ترین آنها بر انسان، شناخت پروردگار و اقرار به بندگی اوست. (2)

5 / 2 پایه های اسلام امام علی علیه السلام: لازم ترین دانش بر تو آن است که صلاح دینت را به تو نشان دهد و مایه تباهی اش را برایت روشن سازد. (3)

عیسی بن سری: به امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم: برایم از آنچه پایه های اسلام بر آن استوار است سخن بگو، تا چون آنها را فرا گرفتم، عملم پاکیزه شود و نادانی به هر مجهول دیگر،

1- غرر الحکم: 1674.

2- کفایة الأثر: 258.

3- غرر الحکم: 3337.

زیانی به من نرساند . حضرت فرمود : گواهی به اینکه خدایی جز خداوند یگانه نیست و محمد صلی الله علیه و آله پیامبر خداست و اقرار به هر چه از نزد خدا آورده است و حقی که در اموال به نام زکات قرار داده شده و اقرار به ولایتی که خداوند بدان فرمان داده است؛ یعنی ولایت خاندان محمد صلی الله علیه و آله . پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود : هرکس بمیرد و امامش را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است . خداوند عز و جلمی فرماید : «از خداوند اطاعت کنید و از پیامبر اطاعت کنید و از اولیای امورتان اطاعت کنید» . پس علی _ صلوات الله علیه _ (ولی امر) بود و پس از او حسن و سپس حسین و علی بن حسین و محمد بن علی و کار این گونه خواهد بود . زمین بی امام سامان نمی گیرد و هرکس بمیرد و امامش را نشناسد ، به مرگ جاهلی مرده است . (1)

3 / 5 معارف دینی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دانش را فراگیرید و به مردم بیاموزید . واجبات دین را یاد بگیرید و به مردم یاد دهید . قرآن را فراگیرید و به مردم بیاموزید که من انسانی رفتنی ام و دانش بزودی جمع گردد و فتنه ها آشکار می شود ، تا آنجا که دو تن در فریضه ای اختلاف می کنند و کسی را نمی یابند تا میان آن دو داوری کند . (2)

امام علی علیه السلام : لازم ترین دانش بر تو آن است که از عمل بدان پرسیده می شوی . (3)

امام صادق علیه السلام : کاش تازیانه هایی بر سر یارانم بود تا در

1- .ینابیع المودة : ج 1 ، ص 350 ، ح 5 .

2- .سنن الدارمی : ج 1 ، ص 78 ، ح 225 .

3- .غرر الحکم : 3336 .

ب : آنچه فراگیریش شایسته است

5 / 4 خودشناسی

5 / 5 دانش های اهل بیت

حلال و حرام تفقه می کردند . (1)

ب : آنچه فراگیریش شایسته است 5 / 4 خودشناسی امام علی علیه السلام : برترین حکمت ، شناخت انسان به خویشتن و اندازه خود را نگاه داشتن است . (2)

امام علی علیه السلام : هرکس خود را شناسد ، به غیر خود نادان تر باشد . (3)

امام علی علیه السلام : کسی که خویشتن را شناسد ، از راه نجات دور افتد و در گمراهی و نادانیها درافتد . (4)

امام علی علیه السلام : آنکه خود را بشناسد ، به غایت هر شناخت و دانشی رسیده است . (5)

در صحیفه های ادریس است : هرکس آفریده را شناخت ، آفریدگار را شناخت و هرکس روزی را شناخت ، روزی رسان را شناخت و هرکس خویشتن را شناخت ، پروردگارش را شناخت . (6)

5 / 5 دانش های اهل بیت عبدالسلام بن صالح هروی : شنیدم امام رضا علیه السلام

1- .المحاسن : ج 1 ، ص 358 ، ح 765 .

2- .غرر الحکم : 3105

3- .غرر الحکم : 8624

4- .غرر الحکم : 9034

5- .غرر الحکم : 8949 .

6- .بحار الأنوار : ج 95 ، ص 456 .

5 / آنچه عمل و صلاح را می افزاید

5 / آنچه سود می بخشد

می گوید : خدا پیامرزد بنده ای را که امر ما را زنده کند . گفتم : چگونه امر شما را زنده کند؟ فرمود : دانشهای ما را فراگیرد و به مردم بیاموزد . اگر مردم زیباییهای سخنان ما را می دانستند ، از ما پیروی می کردند . (1)

5 / آنچه عمل و صلاح را می افزاید امام باقر علیه السلام : بدان که دانشی چون جستجوی سلامت نباشد و سلامتی مانند سلامت دل نباشد . (2)

امام کاظم علیه السلام : شایسته ترین دانش برای تو آن است که عملت جز بدان سامان نپذیرد و واجب ترین دانش برای تو آن است که از عمل به آن پرسیده می شوی و لازم ترین دانش برای تو آن است که به صلاح قلبت ره بنماید و تباهی اش را برایت روشن سازد و نیک فرجام ترین دانش آن است که در عمل زودگذر تو بیفزاید پس به دانشی که ندانستش زبانی به تو نمی رساند سرگرم مشو و از دانشی که رها کردنش بر نادانی تو می افزاید ، غافل مشو . (3)

5 / آنچه سود می بخشد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بهترین دانش آن است که سود بخشد . (4)

1- .معانی الأخبار : ص 180 ، ح 1 .

2- .تحف العقول : 286 .

3- .عدّة الداعی : 68 .

4- .الفقیه : ج 4 ، ص 402 ، ح 5868 .

5 / 8 از هر دانشی ، نیکوترینش

5 / 9 زبان های گوناگون

ج : آنچه فراگرفتنش حرام است

5 / 10 آنچه به فساد می انجامد

5 / 8 از هر دانشی ، نیکوترینش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دانش بیش از آن است که به شمار در آید ، پس از هر چیز نیکوترینش را بگیر [\(1\)](#) .

امام علی علیه السلام : از هر دانشی نیکوترینش را بگیرد که زبور عسل از هر شکوفه ای زیباترینش را می خورد . از این رو دو جوهر گران بها از آن زاده می شود : یکی برای مردم شفاست و از دیگری روشنایی می گیرند . [عسل و موم] . [\(2\)](#)

ر . ك : ص 125 «رعایت اولویت ها» .

5 / 9 زبان های گوناگون زیدین ثابت : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من فرمان داد تا زبان سریانی را یاد بگیرم . [\(3\)](#)

زیدین ثابت : پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به من فرمان داد که نوشتن یهود را یاد بگیرم . [\(4\)](#)

ج : آنچه فراگرفتنش حرام است 5 / 10 آنچه به فساد می انجامد امام علی علیه السلام : بدترین دانش آن است که هدایت را تباه

1- .کنز الفوائد : ج 2 ، ص 31.

2- .غرر الحکم : 5082 .

3- .سنن الترمذی : ج 5 ، ص 68 ، ح 2715

4- .سنن الترمذی : ج 5 ، ص 67 ، ح 2715 .

کند. (1)

امام صادق علیه السلام _ در تفسیر صنعتها _ آنچه که از آن و در آن فقط فساد است و هیچ اثری از صلاح در آن و از آن نباشد ، یاد دادن و یادگرفتن و عمل به آن و مزد گرفتن بر آن و همه تصرفات دیگر از هر نوع که باشد ، حرام است . (2)

5 / 11 سحرقرآن «از چیزی پیروی کردند که شیطانهای روزگار سلیمان بر مردم می خواندند و سلیمان کافر نشد؛ بلکه شیطانها که به مردم سحر می آموختند ، کافر شدند و [نیز پیروی کردند از] آنچه را که در بابل بر آن دو ملك : هاروت و ماروت نازل شده بود» . (3)

حدیثامام علی علیه السلام : هرکس چیزی از سحر بیاموزد ، پایان کارش با پروردگارش است . (4)

1- غرر الحکم : 5694 .

2- تحف العقول : 335 .

3- سوره بقره ، آیه 102 .

4- التهذیب : ج 10 ، ص 148 ، ح 586 .

5 / 12 ستارگان امام علی علیه السلام: ای مردم! زنهار از فراگیری ستاره شناسی، جز آنچه که در خشکی و دریا بدان راهیابی می کنند؛ زیرا آن به کهنات فرا می خواند و منجم چون کاهن و کاهن چون ساحر و ساحر چون کافر و کافر در آتش است. (1)

امام صادق علیه السلام _ در پاسخ غیر مسلمانی که از وی درباره ستاره شناسی پرسیده بود _: دانشی است که منافعش اندک و زیانهایش فراوان است؛ زیرا با آن نه می توان مقدرات را دور و نه از محذورات حذر کرد. اگر منجم خبر از بلا دهد، پرهیز، وی را از سرنوشتش نرهاند و اگر به امر خیری خبر دهد، نمی تواند آن را جلو بیاورد و اگر حادثه بدی برایش پیش بیاید، نمی تواند آن را بازگرداند و منجم با این پندار که قضای الهی را از خلقش باز می گرداند در دانشش با خدا ضدیت می کند. (2)

بیانهمانطور که از متن این احادیث معلوم می شود، مقصود از علم نجومی که تعلّم آن تحریم شده است، دانش ستاره شناسی به مفهوم امروزی آن نیست، بلکه مقصود، پی جویی نقش ستارگان در سرنوشت انسان و پیش گویی حوادث آینده از طریق بررسی حرکت آنهاست

1- نهج البلاغه: خطبه 79.

2- الإحتجاج: ج 2، ص 242.

د : آنچه فراگرفتند شایسته نیست

5 / 13 آنچه سود نمی بخشد

د : آنچه فراگرفتند شایسته نیست 5 / 13 آنچه سود نمی بخشد امام کاظم علیه السلام: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله داخل مسجد شد و دید گروهی بر گرد مردی حلقه زده اند. فرمود: چه خبر است؟ گفته شد: علامه ای است. فرمود: چه علامه ای؟ گفتند: داناترین مردم به نسبهای عرب و وقایع و جنگهای جاهلیت و شعرهای عرب. پس پیامبر فرمود: این دانشی است که به آنکه نداند زیان نمی رساند و به آنکه می داند سود نمی بخشد. (1)

ر. ک: ص 29 «حقیقت دانش» / ص 195 «یاری جستن از خدا برای بهره بردن از دانش» / ص 195 «پناه بردن به خدا از بی بهره ماندن دانش» / آداب تعلیم و تعلم (ترجمه منیه المرید): ص 538 «درجات و مراتب اهمیت علوم دینی و مسائل مربوط به آن».

توضیحی در باره احکام یادگیری

1. تعلّم واجب

توضیحی در باره احکام یادگیری با توجه به احادیث این فصل و نقش دانش مورد یادگیری در تکامل و یا انحطاط مادی و معنوی انسان، می توان احکام پنجگانه واجب، مستحبّ، مباح، مکروه و حرام را بر یادگیری حمل کرد.

1. تعلّم واجبه دانشی که مقدمه سازندگی مادی و یا معنوی، دنیوی و یا اخروی، فردی و یا اجتماعی است و بدون آن، اساس حیات مادی و معنوی انسان در مخاطره قرار می گیرد، تحصیل آن به صورت عینی و یا کفایی بر مردم واجب است: الف_ علمی که تحصیل آن واجب عینی (1) است: دانشهایی که مقدمه سازندگی فردی است و افراد جامعه بدون آن قادر به انجام تکالیف اعتقادی و عملی خود نیستند، تحصیل آن از نظر اسلام بر فرد جامعه واجب است؛ مانند شناخت اصول عقاید و شناخت واجبات و محرّمات و یا ارزشها و ضد ارزشها در اسلام که بر همه مردم واجب است و یادگیری هر شخص موجب سقوط تکلیف از دیگری نمی شود. ب: علمی که تحصیل آن واجب کفایی (2) است: دانشی که مقدمه سازندگی و تأمین نیازهای اجتماعی است و جامعه بدون آن قادر به ادامه حیات نیست و یا با مشکل جدی روبرو می شود و یا نمی تواند در مقابل تهاجم احتمالی دشمن از خود دفاع کند، تحصیل آنها بر افرادی از جامعه که توان و استعداد تحصیل آن دانش را دارند واجب کفایی است. بر این اساس، تعداد رشته هایی که تحصیل آن واجب کفایی است، به تناسب نیازهای جامعه در زمانهای مختلف متفاوت است؛ مثلاً تحصیل دانش اتم شناسی در شرایطی که مردم مسلمان برای دفاع از خود نیازمند به آن هستند، به موجب آیه «و در برابر آنان هر نیرویی که می توانید فراهم آورید» (3)، واجب کفایی است و در صورتی که اشخاص مستعد برای تحصیل این دانش محدود باشند، وجوب کفایی بر آنها تبدیل به وجوب عینی می گردد.

1- واجب عینی، تکلیفی است که همه مکلفان مأمور به آن هستند و انجام دادن آن به وسیله برخی موجب برداشته شدن تکلیف از دیگران نمی شود.

2- واجب کفایی، تکلیفی است که از عموم مردم خواسته شده است و انجام دادن آن به وسیله فرد یا گروهی موجب برداشته شدن آن از دیگران می گردد.

3- سوره انفال، آیه 60.

2. تَعَلُّمٌ مُسْتَحَبٌ

2. تَعَلُّمٌ مُسْتَحَبٌ دَانِشِي كِه مَقْدَمِه تَقْوِيَت بَنِيَه مَادِي وَ يَا مَعْنَوِي فَرْد يَا جَامِعَه اَسْت ، وَ لِي بَدُون اَن ضَرْبِه اِي بِه نِيَاذِهَاي اَصُوْلِي وَاَرْد نَمِي شُوْد ، تَعَلُّمٌ اَن مُسْتَحَبٌ اَسْت وَ اَكْر كَسِي اَن دَانِش رَا بَا اَنگِيْزِه اَلِهِي بِيَاْمُوْزْد ، نَزْد خَدَاوَنْد مَتَعَالِ پَا دَاش دَاْرِد .

3. تعلّم حرام**4. تعلّم مکروه****5. تعلّم مباح**

3. تعلّم حرام هر دانشی که فساد بیافریند و برای فرد و یا جامعه زیانبار باشد، تعلّم آن از نظر اسلام حرام است؛ مانند سحر، کهنانت و نجوم به معنای نادرست آن که در زمانهای گذشته رواج داشته است. همچنین است علمی که در جهت تهاجم فرهنگی و ترویج فساد باشد و یا موجب ساخت سلاحهای کشتار جمعی گردد جز آن که برای دفاع و مقاصد صلح آمیز باشد.

4. تعلّم مکروه تعلّم دانشی که مقدمه فساد نیست اما سودی نیز در بر ندارد _ مانند علم انساب _ اگر مستقلاً مورد ارزیابی قرار گیرد، مباح است؛ ولی اگر از نظر اینکه موجب تضییع عمر می گردد و انسان را از مقصد دور می کند، یادگیری آن لغو و مذموم و مکروه به شمار می آید و به موجب آیه کریمه در توصیف مؤمنان «و آنان که از بیهوده کاری روی گردان اند» (1)، مؤمن باید از آن اجتناب کند.

5. تعلّم مباح علمی که در خدمت جامعه اند، تعلّم آنها اگر با قصد قربت و خدمت باشد مستحب و اگر صرفاً برای گذران زندگی و منافع مادی باشد، مباح است جز علوم اسلامی که تعلّم آنها برای انگیزه های غیر الهی بشدت مورد نکوهش قرار گرفته است.

بخش ششم : آموزش

اشاره

بخش ششم : آموزش فصل اول: ضرورت آموزش فصل دوم: فضیلت آموزش فصل سوم: آداب آموزش فصل چهارم: آداب پاسخ دادن

فصل اول : ضرورت آموزش

1 / 1 وجوب آموزش بر دانشمند

1 / 2 حرمت پنهان داشتن دانش

فصل اول ضرورت آموزش 1 / 1 وجوب آموزش بر دانشمندان امام صادق علیه السلام: در کتاب علی علیه السلام خواندم: بی گمان خداوند از نادانان عهدی برای جستجوی دانش نگرفت، تا آنکه با دانشمندان عهد کرد که دانش را به نادانان بذل کنند؛ زیرا دانش پیش از نادانی بود. [\(1\)](#)

امام علی علیه السلام: از واجبات بر هر دانشمند این است که جانب پرهیز را نگه دارد و دانشش را به طالبش بذل کند. [\(2\)](#)

ر. ك: ص 157 «حرمت پنهان داشتن دانش» / ص 162 «زکات دانش»؛ ص 162 «برترین صدقه» / ص 191 «ردّ بدعت».

1 / 2 حرمت پنهان داشتن دانشقرآن «کسانی که آنچه را خدا در کتاب خود نازل فرمود پنهان

1- الكافي: ج 1، ص 41، ح 1.

2- غرر الحکم: 9365.

می کنند و آن را به بهای اندکی می فروشند ، جز آتش در شکمهای خود فرو نمی برند و در روز رستاخیز خدا با آنها سخن نخواهد گفت و ایشان را پاک نخواهد ساخت و آنها را عذابی دردناک در پیش است» . (1)

«و [یاد آر] هنگامی را که خداوند از اهل کتاب پیمان گرفت که [محتوای] آن را برای مردم توضیح دهند و آن را پنهان نکنند ، پس آن را پس پشتِ خویش افکندند و آن را به بهای اندکی فروختند و چه بد داد و ستدی کردند» . (2)

حدیثیامیر خدا صلی الله علیه و آله : هرکس دانشی را که خداوند آن را برای امور دینی مردم سودمند قرار داده است پنهان کند ، خداوند روز قیامت او را با لگامی از آتش لگام زند . (3)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مثل کسی که دانش می آموزد ولی آن را بازگو نمی کند ، مثل کسی است که گنج می اندوزد ولی از آن خرج نمی کند . (4)

امام علی علیه السلام : پنهان کننده دانش ، به درستیِ دانشش بی اعتماد است . (5)

امام باقر علیه السلام : اگر دانشمندان نصیحت را پنهان دارند ، به خود خیانت کرده اند . اگر سرگشته ای گمراه را دیدند و او را ره

1- .سوره بقره ، آیه 174 .

2- .سوره آل عمران ، آیه 187 .

3- .سنن ابن ماجه : ج 1 ، ص 97 ، ح 265 .

4- .المعجم الأوسط : ج 1 ، ص 212 ، ح 689 .

5- .غرر الحکم : 1544 .

1 / 3 ولایت و آموزش

نمودند و یا مرده ای را زنده نکردند و ه که چه کار زشتی کرده اند! چون خداوند تبارک و تعالی در کتاب از ایشان پیمان گرفت که به معروف و آنچه فرمان یافته اند فرمان دهند و از آنچه نهی شده اند نهی کنند و بر نیکوکاری و پرهیزگاری همپاری کنند و در گناه و ستم همپاری نکنند. (1)

ر. ک: ص 157 «وجوب آموزش بر دانشمند» / ص 162 «زکات دانش» / ص 162 «برترین صدقه» / ص 191 «ردّ بدعت» .

1 / 3 ولایت و آموزش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خطاب به معاذ هنگامی که او را به سوی یمن فرستاد _ : ای معاذ! به آنان کتاب خدا را بیاموز و آنها را به اخلاق نیکو مؤدّب مدار . . . سپس آموزگاران را در میان آنها پخش کن . (2)

امام علی علیه السلام : اَمَا حَقَّ شَمَا بَرَمَن . . . این است که به شما بیاموزم تا نادانی نکنید و ادب آموزم تا بدانید . (3)

1- .الكافی : ج 8 ، ص 54 ، ح 16.

2- .تحف العقول : 25 .

3- .نهج البلاغه : خطبه 34 .

فصل دوم : فضیلت آموزش

2 / 1 سنت پیامبران

فصل دوم فضیلت آموزش 2 / 1 سنت پیامبران قرآن «در میان شما فرستاده ای از خود شما گسیل داشتیم تا آیات ما را بر شما فرو خواند و شما را پاک گرداند و به شما کتاب و حکمت بیاموزد و آنچه را که نمی دانستید به شما یاد دهد». (1)

حدیث عبداللہ بن عمرو: پیامبر خدا صلی اللہ علیہ و آلہ روزی از یکی از حجره های خود بیرون آمد و داخل مسجد شد و با دو حلقه روپرو شد: يك حلقه قرآن می خواندند و خدا را یاد می کردند و حلقه دیگر به یاد گرفتن و یاد دادن سرگرم بودند . پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ فرمود : همه اینها در کار خیرند . اینان به تلاوت قرآن مشغول اند و دعا می کنند . اگر خدا بخواهد به ایشان عطا می کند و اگر بخواهد باز می دارد ، و آنان به آموختن و فراگرفتن سرگرم اند و من آموزگار برانگیخته

2 / 2 ویژگی های آموزش

الف : زکات دانش

ب : برترین صدقه

شدم، پس با آنان نشست . (1)

2 / 2 ویژگی های آموزشالف : زکات دانشامام علی علیه السلام : زکات دانش بذل آن به مستحقش و واداشتن نفس در عمل به آن است .

(2)

امام صادق علیه السلام : در تفسیر سخن خداوند متعال : «و از آنچه روزیشان کردیم انفاق می کنند» ، (3) فرمود : معنایش این است که از آنچه به آنان آموختیم، به دیگران می آموزند و آن را نشر می دهند. (4)

ر . ك : ص 157 «وجوب آموزش بر دانشمند» / ص 157 «حرمت پنهان داشتن دانش» / ص 162 «برترین صدقه» / ص 191 «ردّ بدعت» .

ب : برترین صدقهپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : برترین صدقه آن است که فرد مسلمان دانشی را فراگیرد ، سپس آن را به برادر مسلمانش پیاموزد . (5)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مازاد دانشت را که به برادر بی بهره از دانشت می رسانی ، صدقه تو بر او به شمار می آید . (6)

1- سنن ابن ماجه : ج 1 ، ص 83 ، ح 229 .

2- غرر الحکم : 5458 .

3- سوره بقره ، آیه 3 .

4- مجمع البیان : ج 1 ، ص 122 .

5- سنن ابن ماجه : ج 1 ، ص 89 ، ح 243 .

6- البیان والتبیین : ج 2 ، ص 57 .

2 / 3 فایده های آموزش

الف : استواری دانش

ب : رشد خرد

ج : صدقه جاریه

2 / 3 فایده های آموزش شالف : استواری دانش امام علی علیه السلام : دارایی با هزینه کردن کاهش می یابد و دانش با دهش فزونی می گیرد .

(1)

امام حسن علیه السلام : به مردم بیاموز و دانش دیگران را فراگیر ، تا دانش خود را استوار کرده و آنچه را که ندانسته ای بدانی . (2)

ر . ك : ص 35 «انفاق نابودش نمی کند» .

ب : رشد خرد امام علی علیه السلام : یاری دهنده ترین چیز بر رشد خرد ، آموزش است . (3)

ج : صدقه جاریه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بهترین چیزهایی که مرد پس از خود به یادگار می نهد ، سه چیز است : فرزند شایسته ای که برایش دعا می کند ، صدقه جاریه ای که پاداشش به وی می رسد و دانشی که پس از وی بدان عمل می شود . (4)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آدمی در روز رستاخیز می آید و با خود کارهای نیکی چون ابرهای انبوه یا کوههای سربه فلک کشیده دارد ، پس می گوید : پروردگار! اینها را که من نکرده ام ، پس از کجایند؟

1- .الإرشاد : ج 1 ، ص 227.

2- .كشف الغمّة : ج 2 ، ص 197 .

3- .غرر الحکم : 3246 .

4- .سنن ابن ماجة : ج 1 ، ص 88 ، ح 341.

د : آموزش خواهی همه چیز

ه : درود همه چیز

2 / 4 فضیلت آموزگار

[خداوند] می فرماید : این دانش توست که به مردم آموختی و پس از تو بدان عمل کردند . (1)

ابوبصیر : از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود : هرکس کار نیکی را یاد دهد ، پاداشی مانند آنکه بدان عمل کند دارد . گفتم : اگر او هم به دیگری یاد دهد ، باز این حکم جاری است؟ فرمود : اگر آن را به همه مردم یاد دهد ، همین حکم جاری است . گفتم : اگر چه بمیرد؟ فرمود : هر چند بمیرد . (2)

د : آموزش خواهی همه چیز امام صادق علیه السلام : جنبندگان زمین و ماهیان دریا و هر کوچک و بزرگی در زمین و آسمان خدا ، برای آموزگار نیکی آموزش می طلبند . (3)

ه : درود همه چیز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند و فرشتگان و اهل آسمانها و زمینهایش و [حتی] ماهی در دریا ، بر کسانی که به مردم نیکی می آموزند ، درود می فرستند . (4)

2 / 4 فضیلت آموزگار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : آیا شما را از برترین بخشنده آگاه نسازم؟ خداوند بخشنده ترین است و من بخشنده ترین فرزند آدم هستم و

1- بصائر الدرجات : ص 5 ، ح 16 .

2- الکافی : ج 1 ، ص 35 ، ح 3 .

3- ثواب الأعمال : ص 159 ، ح 1 .

4- سنن الدارمی : ج 1 ، ص 93 ، ح 294 .

بخشنده ترین کس ، پس از من مردی است که دانشی را آموخته و آن را منتشر می کند که روز قیامت ، (به صورت) يك اّمت برانگیخته می شود و نیز مردی که جان خود را در راه خدا بذل کند تا آنکه کشته شود . (1)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :آموزش دانش کفّاره گناهان بزرگ است . (2)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله :هرکس به مسجد من بیاید و جز برای یاد گرفتن یا یاد دادن نیکی نیامده باشد ، مانند مجاهد در راه خداست و هرکس برای غیر از این بیاید ، چون کسی است که به تماشای کالای دیگران آمده است . (3)

حسن :از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره دو مردی که در بنی اسرائیل بودند پرسیدند . یکی از آن دو دانشمند بود . نماز واجبش را می خواند . سپس می نشست و به آموزش نیکی به مردم می پرداخت و دیگری روز را روزه می گرفت و شب به عبادت برمی خاست . کدام يك برترند؟ حضرت پاسخ فرمود : برتری این دانشمندی که نماز واجب را می خواند و سپس می نشست و به مردم می آموخت ، بر آن عابد که روز را روزه می گرفت و شب برمی خاست ، مانند برتری من بر پایین ترین فرد شماست . (4)

1- .مسند أبي يعلى : ج 3 ، ص 190 ، ح 2782.

2- .الفردوس : ج 2 ، ص 68 ، ح 2383.

3- .سنن ابن ماجّة : ج 1 ، ص 82 ، ح 227.

4- .سنن الدارمی : ج 1 ، ص 103 ، ح 346 .

فصل سوم : آداب آموزش

3 / 1 خلاص

3 / 2 برابری میان شاگردان

فصل سوم آداب آموزش 3 / 1 خلاص پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دانشمند اگر از دانشش خشنودی خداوند عز و جلا را بخواهد ، همه چیز از او بهراسند و اگر بخواهد با دانشش زر اندوزد ، از همه چیز بهراسد . (1)

ر . ك : ص 76 «اخلاص» / ص 123 «اخلاص» / ص 135 «آموختن برای غیر خدا» ص 201 «خودنمایی» . آداب تعلیم و تعلّم (ترجمه منیة المرید) : ص 106 «ضرورت و لزوم اخلاص و پاکسازی نیت» .

3 / 2 برابری میان شاگردان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دورترین مردم از خداوند دو کس اند : کسی که با فرمانروایان می نشیند و هر سخن ستمی که می گویند تأیید می کند و آموزگار کودکان که میان آنها به مساوات رفتار نکند و درباره یتیم ، خدا را در نظر نگیرد . (2)

امام صادق علیه السلام : _ درباره سخن خداوند متعال : «از مردم [به

1- .الفردوس : ج 3 ، ص 71 ، ح 4201.

2- .کنز العمال : ج 16 ، ص 22 ، ح 43761.

3 / 3 بزرگداشت شاگرد

3 / 4 فروتنی برای شاگرد

تکبر [آرخ برمتاب]، (1) فرمود: باید مردم در دانش اندوزی نزد تو یکسان باشند. (2)

ر. ك: آداب تعلیم و تعلّم (ترجمه منیة المرید): ص 246 «رعایت مساوات در توجه و محبت به شاگردان».

3 / 3 بزرگداشت شاگرد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسانی را که به آنها دانش می آموزید، بزرگ شمارید. (3)

3 / 4 فروتنی برای شاگرد حضرت عیسی علیه السلام برای حواریون خود خوراکی آماده ساخت و چون خوردند، حضرت خود [دستان] ایشان را شُست، آنان گفتند: ای روح خدا! ما از شما سزاوارتریم که آن را انجام دهیم. فرمود: من این کار را کردم تا شما هم برای کسانی که به آنها می آموزید انجام دهید. (4)

امام صادق علیه السلام: دانش را بطلبید و آن را با بردباری و وقار زینت دهید و برای آن کس که به او دانش می آموزید، فروتنی نمایید. (5)

ر. ك: ص 133 «فروتنی در برابر آموزگار» / ص 190 «فروتنی» / ص 204 «فروتنی در برابر وی».

1- .سوره لقمان ، آیه 18 .

2- .آداب تعلیم و تعلّم : 215.

3- .الفردوس : ج 4 ، ص 387 ، ح 7125.

4- .تنبيه الخواطر : ج 1 ، ص 83.

5- .الكافی : ج 1 ، ص 36 ، ح 1.

3 / 6 بذل دانش به مستحقش و بازداشتن آن از ناهلش

3 / 5 رفق پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند مرا سخت گیر و آزاردهنده برننگیخت؛ بلکه مرا آموزگاری آسان گیر برانگیخت. (1)

امام علی علیه السلام: بر دانشمند است که چون می آموزد، سرزنش نکند و چون به وی آموخته می شود سرمیچد. (2)

ر. ک: آداب تعلیم و تعلم (ترجمه منیة المرید): ص 169 «حسن و خلق و فروتنی و کوشش در تکمیل نفس» و ص 208 «حسن خلق و فروتنی».

3 / 6 بذل دانش به مستحقشو بازداشتن آن از ناهلش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: سپارنده دانش نزد غیر اهل آن، مانند آویزنده گوهر و مروارید و طلا بر گردن خوکان است. (3)

امام علی علیه السلام: با نادانان از آنچه نمی دانند سخن مگوی که تو را تکذیب کنند؛ چرا که برای دانشت بر تو حقی است و آن این است که آن را به مستحقش بدهی و از غیر مستحقش باز داری. (4)

امام علی علیه السلام: دارنده دانش نمی تواند همه آن را برای همه مردم تفسیر کند؛ زیرا در میان آنان نیرومند و ناتوان هست و بخشی از

1- صحیح مسلم: ج 2، ص 1105، ح 1478.

2- تنبیه الخواطر: ج 1، ص 85.

3- سنن ابن ماجه: ج 1، ص 81، ح 224.

4- غرر الحکم: 10367.

3 / 7 مزد نگرفتن بر آموزش معارف دین

دانش تحمّل کردنی است و بخشی نیست ، مگر آنکه خداوند بر دوستان ویژه اش تحمل آن را آسان کند و به ایشان یاری دهد . (1)

ر . ك : آداب تعلیم و تعلّم (ترجمه منية المرید) : ص 204 «حفظ حیثیت و شئون علم و دانش» .

3 / 7 مزد نگرفتن بر آموزش معارف دین پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : در کتاب نخستین نوشته شده است : ای پسر آدم! رایگان یاد ده؛ همان گونه که رایگان یاد گرفتی . (2)

امام علی علیه السلام : دانشمند ، دانشمند نمی شود، تا اینکه . . . در برابر دانشش چیزی از کالای پست دنیا نگیرد . (3)

امام سجّاد علیه السلام : هرکس دانشی را از کسی پنهان بدارد یا بر آن به عنوان پاداش مزد گیرد ، هرگز آن دانش به وی سودی نرساند . (4)

ر . ك : ص 199 «کاسبی کردن با دانش دینی» .

1- التوحید : ص 268 ، ح 5.

2- الفردوس : ج 4 ، ص 125 ، ح 6387.

3- غرر الحکم : 10921 .

4- حلیة الأولیاء : ج 3 ، ص 140.

فصل چهارم : آداب پاسخ دادن

4 / 1 آنچه مایه اصابت رأی است

4 / 2 آنچه مایه اشتباه می شود

فصل چهارم آداب پاسخ دادن 4 / 1 آنچه مایه اصابت رأی است امام علی علیه السلام : کسی که اندیشه اش را به کار اندازد ، به پاسخ خود می رسد . (1)

امام علی علیه السلام : شتابزدگی را واگذار و در حجّت بیندیش و خود را از پریشان گویی نگاه دار ، تا از لغزش ایمن بمانی . (2)

امام صادق علیه السلام : سه چیز است که نشانه اصابت رأی است : خوب برخورد کردن و نیک گوش کردن و پاسخ نیکو دادن . (3)

4 / 2 آنچه مایه اشتباه می شود امام علی علیه السلام : آنکه در پاسخ دادن شتاب کند ، پاسخ را درنیابد . (4)

امام علی علیه السلام : چون پاسخها فراوان و پریشان شود ، پاسخ

1- غرر الحکم : 8339

2- غرر الحکم : 5136 .

3- تحف العقول : 323 .

4- غرر الحکم : 8640 .

4 / 3 گفتن «نمی دانم»

درست پنهان ماند . (1)

امام علی علیه السلام: انسان خود رأی به خطا و غلط درافتد . (2)

امام حسن علیه السلام: رأی [درست] جز هنگام خشم پنهان نمی ماند . (3)

امام صادق علیه السلام: از اخلاق نادان ، پاسخ دادن پیش از شنیدن است . (4)

امام صادق علیه السلام: آنکه به هرچه از او پرسیده می شود پاسخ می دهد ، بی گمان دیوانه است . (5)

4 / 3 گفتن «نمی دانم»: امام علی علیه السلام: گفتن «نمی دانم» نیمی از دانش است . (6)

امام علی علیه السلام: هرگاه یکی از شما از چیزی که نمی داند ، پرسیده شود ، از گفتن «نمی دانم» خجالت نکشد . (7)

امام علی علیه السلام: [دانشمند] هنگامی که از آنچه نمی داند پرسیده شد ، از گفتن «خداوند داناتر است» خجالت نکشد . (8)

امام صادق علیه السلام: دانشمند می تواند هنگامی که از چیزی که

.

1- نهج البلاغه : حکمت 243 .

2- غرر الحکم : 1208 .

3- نزهة الناظر : ص 72 ، ح 14 .

4- الدرّة الباهرة : 31 .

5- معانی الأخبار : ص 238 ، ح 2 .

6- غرر الحکم : 6758 .

7- غرر الحکم : 2788 .

8- الخصال : ص 315 ، ح 96 .

نمی داند پرسیده شود ، بگوید : «خدا داناتر است» و برای غیر دانشمند این حقّ نیست . (1)

ر . ك : ص 193 «اعتراف به نادانی» / ص 198 «ادعای دانش» .

4 / 4 سکوت امام علی علیه السلام : برخی سکوتها از پاسخ دادن رساترند . (2)

امام علی علیه السلام : در سفارش به پسرش حسین علیه السلام _ : آفرین ، آفرین بر دانشمندی که در کارش جدّیت کند و از شبیخون مرگ بترسد ، پس آماده کند و فراهم آورد . اگر پرسیده شود ، خیرخواهی کند و اگر ره‌ایش کنند ، خاموش ماند . سخنش درست و خاموشی اش بی آنکه از ناتوانی باشد ، گونه ای پاسخ است . (3)

1- .الكافی : ج 1 ، ص 42 ، ح 5.

2- .سجع الحمام : ص 118 ، ح 391.

3- .تحف العقول : 91 .

بخش هفتم : دانشمند

اشاره

بخش هفتم : دانشمندفصل اول: فضیلت دانشمندفصل دوم: آداب دانشمندفصل سوم: حقوق دانشمند و یاددهنده و یادگیرندهفصل چهارم: حقوق دانشمندفصل پنجم: برترین اسوه های دانش و حکمتفصل ششم: دانشمندان بد

فصل اول : فضیلت دانشمند

1 / 1 ویژگیهای دانشمندان

الف : اُمّای خدا

ب : دوستان خدا

ج : وارثان پیامبران

فصل اول فضیلت دانشمند 1 / 1 ویژگیهای دانشمندانالف : اُمّای خداپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دانشمندان ، امنای اُمّت من هستید .
(1)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دانش ، ودیعه خدا در زمین اوست و دانشمندان اُمّای وی بر آن هستند ، پس هرکس دانش خود را به کار بندد ، امانتش را ادا کرده است و هرکس به کار نبندد ، در دیوان خداوند متعال جزو خیانت کاران نوشته می شود . (2)

ب : دوستان خداپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل به ابراهیم علیه السلام وحی کرد : ای ابراهیم! من دانایم و هر دانایی را دوست دارم . (3)

ر . ك : ص 121 «محبّت خدا» .

ج : وارثان پیامبرانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دانشمندان را گرامی بدارید که آنان وارثان

1- .الفردوس : ج 3 ، ص 76 ، ح 4211 .

2- .الدرة الباهرة : 17 .

3- .جامع بیان العلم : ج 1 ، ص 48 .

د : نزدیک ترین مردم به پیامبران

ه : پاک خوی ترین مردم

و : مرگب آنان برتر از خون شهیدان است

پیامبران اند ، پس هرکس آنان را گرامی بدارد ، خدا و پیامبرش را گرامی داشته است . (1)

د : نزدیک ترین مردم به پیامبرانی که خدا صلی الله علیه و آله : دانشمندان امت من ، مانند پیامبران بنی اسرائیل اند . (2)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : نزدیکترین مردم به درجه پیامبری ، اهل دانش و جهادند . (3)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : روز قیامت سه گروه شفاعت می کنند : پیامبران ، سپس دانشمندان و پس از آن شهیدان . (4)

امام علی علیه السلام : نزدیکترین مردم به پیامبران ، داناترین آنان است به آنچه آورده اند . (5)

ه : پاک خوی ترین مردمان علی علیه السلام : دانشمندان ، پاکترین مردم در خلق و خوی و کم طمعترین آنان در خلقت و طبیعت اند .

(6)

و : مرگب آنان برتر از خون شهیدان است پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : مرگب دانشمندان با خون شهیدان سنجیده شد ، پس بر آن برتری

یافت . (7)

1- .تاریخ بغداد : ج 4 ، ص 438.

2- .آداب تعلیم و تعلم (ترجمه منیة المرید) : 209 .

3- .إتحاف السادة : ج 1 ، ص 73.

4- .سنن ابن ماجة : ج 2 ، ص 1443 ، ح 4313.

5- .نهج البلاغه : حکمت 96 .

6- .غرر الحکم : 2108 .

7- .تاریخ بغداد : ج 2 ، ص 193.

ز : حاکم بر شاهان

ح : نگرستن به آنان عبادت است

ط : زنده در میان مردگان

ز : حاکم بر شاهان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دانشمند ، سلطان خدا در زمین است ، پس هرکه با وی در افتد بر افتد . (1)

امام علی علیه السلام : دانشمندان ، حاکم بر مردم اند . (2)

امام صادق علیه السلام : شاهان ، حاکم بر مردم اند و دانشمندان ، حاکم بر شاهان . (3)

ح : نگرستن به آنان عبادت است پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از روی دوستی نگرستن به چهره دانشمند عبادت است . (4)

از امام صادق علیه السلام درباره گفته پیامبر خدا صلی الله علیه و آله «نگرستن به چهره دانشمندان عبادت است» سؤال شد ، حضرت فرمود : آن دانشمندی است که چون به او می نگری ، تو را به یاد آخرت بیندازد و هرکس جز این باشد ، نگرستن به او مایه گرفتاری است .

(5)

ط : زنده در میان مردگان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : بزودی فتنه هایی می آید که انسان ، صبح با ایمان بر می خیزد و شب بی ایمان می گردد؛ جز آنکه خداوند او را با دانش زنده کرده است . (6)

امام علی علیه السلام : دانشمند ، زنده ای میان مردگان است . (7)

1- الجامع الصغیر : ج 2 ، ص 185 ، ح 5658 .

2- غرر الحکم : 507 .

3- کنز الفوائد : ج 2 ، ص 33 .

4- نوادر الراوندی : 11 .

5- تنبیه الخواطر : ج 1 ، ص 84 .

6- سنن ابن ماجه : ج 2 ، ص 1305 ، ح 3954 .

7- غرر الحکم : 2117 .

ی : مرگشان شکافی در دین است

ك : گریستن همه چیز بر مرگ آنان

1 / 2 ویژگیهای راسخان در دانشی

امام علی علیه السلام: کسی که دانشی را زنده کرد، نمی میرد. (1)

امام علی علیه السلام: کسی که حکمتی را نشر داد، با آن یاد می شود. (2)

ر. ك: ص 32 «حقیقت زندگانی».

ی : مرگشان شکافی در دین است امام علی علیه السلام: هنگامی که دانشمندی می میرد، چنان شکافی در اسلام پدید می آید که جز

جاننشینش آن را پر نسازد. (3)

امام صادق علیه السلام: نزد ابلیس، مرگ هیچ يك از مؤمنان، از مرگ فقیه محبوب تر نیست. (4)

ك : گریستن همه چیز بر مرگ آنان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: چون دانشمند بمیرد، همه چیز حتی ماهیان در دریا بر او بگریند. (5)

ر. ك: ص 177 «ویژگیهای دانشمندان».

1 / 2 ویژگیهای راسخان در دانشقرآن «اوست کسی که این کتاب را بر تو فرو فرستاد. پاره ای از آن، آیه هایی محکم اند که اساس کتاب

اند و پاره ای دیگر متشابه اند، اما کسانی که در دلهایشان کژی است،

1- غرر الحکم : 9508.

2- کنز الفوائد : ج 1، ص 349.

3- الإرشاد : ج 1، ص 230.

4- الکافی : ج 1، ص 38، ح 1.

5- الفردوس : ج 3، ص 72، ح 4202.

1 / 3 ویژگیهای داناترین مردم

برای فتنه جویی و طلب تأویل آن، پیگیر تشابهات آن می شوند و حال آنکه تأویلس را جز خدا و راسخان در دانش که می گویند: «ما به آن ایمان آوردیم. همه از نزد پروردگارمان می باشد»، نمی دانند و جز خردمندان کسی پند نمی گیرد». (1)

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: راسخان در دانش کسانی اند که دست نیکی و زبان راست و دل صاف و عفت شکم و فرج دارند. (2)

امام علی علیه السلام: بدان که راسخان در دانش کسانی اند که اقرار به ناآگاهی از رازهای نهان، آنان را از نسنجیده درآمدن بر پرده های غیب بی نیاز کرده است. خداوند متعال اعتراف آنان را به ناتوانی از نیل به آنچه بر آن احاطه و دانشی ندارند، ستوده و فرو نرفتن آنان را در آنچه مکلف به کاویدن از نهانش نیستند، رسوخ نامیده است. (3)

امام باقر علیه السلام _ در بیان معنای راسخان در دانش _ : آنکه در دانشش اختلاف و دوگانگی نباشد. (4)

1 / 3 ویژگیهای داناترین مردم پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برترین مردم کسی است که دانش مردم را بر دانش خویش بیفزاید. (5)

1- .سوره آل عمران، آیه 7 .

2- .الفردوس: ج 2، ص 288، ح 3327.

3- .نهج البلاغه: خطبه 91 .

4- .الکافی: ج 1، ص 245، ح 1.

5- .الفقیه: ج 4، ص 395، ح 5840.

1 / 4 برتری دانشمند بر عابد

امام علی علیه السلام: شیفته دانش، داناترین مردم است. (1)

امام علی علیه السلام: داناترین مردم کسی است که شكّ یقینش را زایل نکند. (2)

امام علی علیه السلام: دانشمندترین مردم، بیمناکترین آنان از خدای سبحان است. (3)

1 / 4 برتری دانشمند بر عابد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: برتری دانشمند بر عابد، مانند برتری ماه شب چهارده بر دیگر ستارگان است.

(4)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خدای متعال روز قیامت دانشمند و عابد را برمی انگیزد، پس هرگاه نزد صراط گرد آمدند، به عابد گفته می شود: به بهشت برو و از نتیجه عبادت بهره مند شو و به دانشمند گفته می شود: در اینجا در زمره پیامبران بمان و درباره هرکس که در دنیا ادبش را نیکو کرده ای، شفاعت کن. (5)

امام علی علیه السلام: دو رکعت نماز دانشمند بهتر از هفتاد رکعت نادان است؛ زیرا فتنه چون به دانشمند برسد، با دانش خویش از آن بیرون می آید و به نادان که برسد، وی را از جا برمی کند. (6)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دانشمندی که از دانشش استفاده می شود، از هزار عابد بهتر است. (7)

1- غرر الحکم : 3079

2- غرر الحکم : 3208

3- غرر الحکم : 3148 .

4- الکافی : ج 1 ، ص 34 ، ح 1.

5- جامع بیان العلم : ج 1 ، ص 22.

6- الإختصاص : 245 .

7- الفردوس : ج 3 ، ص 41 ، ح 4100.

1 / 5 مثل دانشمندان

الف : مانند ستارگان

ب : چون ماه تمام

ج : مانند کسی که چراغ به همراه دارد

امام صادق علیه السلام: روایت گر حدیث ما که بدان دل‌های شیعیان ما را استوار می‌دارد، از هزار عابد برتر است. (1)

ر. ک: ص 118 «برتری دانشجویی بر عبادت».

1 / 5 مثل دانشمندانالف: مانند ستارگانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مثل دانشمندان در زمین، مانند ستارگان در آسمان است که در تاریکیهای صحرا و دریا به آنها راهیابی می‌شود، پس هرگاه ستارگان ناپدید شوند، بزودی رهیافتگان گمراه شوند. (2)

ب: چون ماه تمام امام علی علیه السلام: دانشمندان در میان مردم، مانند ماه شب چهارده در آسمان اند که بر دیگر ستارگان پرتو می‌افکند. (3)

ج: مانند کسی که چراغ به همراه دارد امام باقر علیه السلام: دانشمند مانند کسی است که شمعی به همراه دارد که به مردم نور می‌دهد، پس هر که در پرتو شمع او ببیند، وی را دعای خیر گوید؛ همین‌گونه دانشمند شمعی به همراه دارد که تاریکی نادانی و حیرت را می‌زداید، پس هرکس در پرتو آن از حیرت بیرون آید یا از نادانی رهایی یابد، از رهیندگان او از آتش است و خداوند به جای آن در برابر هر موی کسی که نجات داده، پاداشی بیشتر از پاداش صدقه دادن صد هزار قنطار در غیر راهی که

1- الکافی: ج 1، ص 33، ح 9.

2- مسند ابن حنبل: ج 4، ص 314، ح 12600.

3- الإرشاد: ج 1، ص 230.

1 / 6 فایده های همنشینی با دانشمند

1 / 7 دانشمندان در روز قیامت

خدا به آن فرمان داده است ، می دهد؛ بلکه آن صدقه وبال گردن دهنده اش می گردد . بالاتر از آن ، خداوند به آن دانشمند پاداشی برتر از پاداش صد هزار رکعت نماز در جلوی کعبه می بخشد . (1)

ر . ك : ص 218 «مَثَلُ دَانِشْمَنْدٍ بِي كَرْدَارٍ» .

1 / 6 فایده های همنشینی با دانشمندی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرکس ساعتی نزد دانشمند بنشیند ، فرشته ندایش می دهد : نزد بنده ام نشستی . به عزّت و جلالم سوگند ، تو را در بهشت همنشین او خواهم کرد و باکی نیست . (2)

امام علی علیه السلام : با دانشمندان همنشین باش تا دانشت ، افزون و ادبت ، نیکو و جانت ، پاک گردد . (3)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : با هر دانشمندی منشینید؛ مگر دانشمندی که شما را از پنج چیز به پنج چیز فرا می خواند : از شكّ به یقین ، از دشمنی به خیرخواهی ، از تکبر به فروتنی ، از ریا به اخلاص و از رغبت [به دنیا] به زهد . (4)

ر . ك : ص 205 «همنشینی با وی» .

1 / 7 دانشمندان در روز قیامت امام علی علیه السلام : هنگامی که روز قیامت در رسد ، خداوند دانشمندان را گرد می آورد و به آنان می گوید :
بندگان من پس از

1- الإحتجاج : ج 1 ، ص 11 ، ح 6 .

2- آداب تعلیم و تعلّم : 483 .

3- غرر الحکم : 4786 .

4- تاریخ بغداد : ج 4 ، ص 312 .

آنکه سختیهای را به جهت من و بزرگداشتم تحمل کردید و مردم به وسیله شما عبادت کردند، برایتان خیر فراوان را می خواهم، پس شما را مژده باد که شما دوستان من و برترین آفریدگانم پس از پیامبران هستید. شما را مژده باد که من گناهانتان را آمرزیدم و اعمالتان را پذیرفتم و برای شما در میان مردم شفاعتی چون شفاعت پیامبران است و من از شما خوشنودم و پرده دری نمی کنم و شما را در میان این جمع رسوا نمی سازم. (1)

امام عسگری علیه السلام: دانشمندان شیعه ما، آنان که سرپرست دوستداران ناتوان و اهل ولایت ما هستند، روز قیامت می آیند؛ در حالی که از تاجهایشان نور ساطع می گردد، بر سر هر یک از آنها تاجی گرانبهاست و نور این تاجها در همه گرداگرد عرصه قیامت به محیط سی صد هزار سال راه پرتو می افکند. (2)

1- إرشاد القلوب : 166 .

2- الإحتجاج : ج 1 ، ص 16 ، ح 12 .

فصل دوم : آداب دانشمند

الف : آنچه شایسته دانشمند است

2 / 1 عمل

فصل دوم آداب دانشمندان الف : آنچه شایسته دانشمند است 2 / 1 عمل پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : من از آنچه نمی دانید نمی ترسم؛ اما بنگرید در آنچه می دانید چگونه عمل می کنید . (1)

امام علی علیه السلام : ای مردم! هرگاه دانستید ، پس به آن عمل کنید؛ شاید که هدایت یابید . (2)

امام علی علیه السلام : دانش برای کسی که بدان عمل می کند ، مایه رشد است . (3)

امام علی علیه السلام : میوه دانش ، با کردار نیک چیده می شود نه با گفتار نیک . (4)

امام علی علیه السلام : همه دانش به کار بستن آن است . (5)

امام علی علیه السلام : زیبایی دانشمند در عمل به دانشش است . (6)

امام علی علیه السلام : دانش بی عمل مانند درخت بی ثمر است . (7)

1- .حلیة الأولیاء : ج 8 ، ص 132 .

2- .الکافی : ج 1 ، ص 45 ، ح 6 .

3- .غرر الحکم : 1277

4- .غرر الحکم : 4296

5- .غرر الحکم : 4463

6- .غرر الحکم : 4753

7- .غرر الحکم : 6290 .

2 / 2 مکارم اخلاق

امام علی علیه السلام: بر دانشمند است که به آنچه می داند عمل کند . سپس به فراگیری آنچه نمی داند روی آورد . (1)

امام کاظم علیه السلام: _ در سفارش به هشام: _ ای هشام! همه مردم ستارگان را می بینند ، ولی تنها کسی بدان راه می یابد که مسیر و منزلهای آنها را بشناسد و همین گونه شما حکمت را درس می گیرید ، ولی تنها کسی بدان راه می یابد که آن را به کار بندد . (2)

ابوعبدالرحمان: یکی از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله که به ما قرائت قرآن می آموخت برایمان گفت که آنان قرائت ده آیه را از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می گرفتند و تا آنچه را در این ده آیه از علم و عمل بود نمی دانستند ، قرائت ده آیه دیگر را آغاز نمی کردند . (3)

ر . ك : ص 36 « شرط عمل » / ص 38 « عمل » / ص 187 « عمل » / ص 197 « عمل نکردن » / ص 217 « دانشمندان بد » . آداب تعلیم و تعلم (ترجمه منیه المرید) : ص 137 « احادیث درباره به کار گرفتن علم » .

2 / 2 مکارم اخلاقی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : ورع زیباست ولی در دانشمندان زیبا تر است . (4)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : زیور دانش ، احسان است . (5)

امام علی علیه السلام : اوج دانش ، نرمش و اوج نادانی ، درشتی است . (6)

1- . غرر الحکم : 6196 .

2- . تحف العقول : 392 .

3- . مسند ابن حنبل : ج 9 ، ص 126 ، ح 23541 .

4- . الفردوس : ج 3 ، ص 92 ، ح 4258 .

5- . الفقیه : ج 4 ، ص 402 ، ح 5868 .

6- . غرر الحکم : 5224 .

2 / 3 بردباری

امام علی علیه السلام: اوج دانش، قدرت تشخیص اخلاقی و نمایاندن پسندیده آن و ریشه کن کردن ناپسند آن است. (1)

ر. ك: ص 189 «بردباری» / ص 190 «سكوت»، «فروتنی» .

2 / 3 بردباری قرآن «بی گمان خداوند دانا و بردبار است». (2)

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: بهترین دستیار دانش، بردباری است. (3)

امام علی علیه السلام: دانش پیاموزید و آرامش و بردباری را برای دانش فرا گیرید و از دانشمندان متکبر نباشید. (4)

امام علی علیه السلام: دانش تا همراه بردباری نگردد، نتیجه ندهد. (5)

امام علی علیه السلام: اوج دانش، بردباری است. (6)

امام علی علیه السلام: بازگرداندن خشم با بردباری، نتیجه دانش است. (7)

امام باقر علیه السلام در نامه اش به سعد خیر _ بردباری، جامه دانشمند است، پس مبادا که آن را به تن نکنی. (8)

1- غرر الحکم : 5267 .

2- سوره حج ، آیه 59 .

3- الکافی : ج 1 ، ص 48 ، ح 3 .

4- کنز الفوائد : ج 2 ، ص 108 .

5- غرر الحکم : 7411

6- غرر الحکم : 5233

7- غرر الحکم : 5397 .

8- الکافی : ج 8 ، ص 55 ، ح 16 .

2 / 4 سکوت امام علی علیه السلام: ساکت باش نه از روی گنگی که سکوت، زیور دانشمند و پوشش نادان است. (1)

امام علی علیه السلام: شایسته است که دانش انسان بر گفتارش افزون و خردش بر زبانش چیره باشد. (2)

امام علی علیه السلام: همه آنچه را که می دانی بر زبان میاور که همین در نادانی تو بس باشد. (3)

ر. ك: ص 173 «سکوت».

2 / 5 فروتنی امام علی علیه السلام: 0 فروتنی، زیور دانش است. (4)

عیسی علیه السلام: ای گروه حواریون! من از شما خواسته ای دارم. آن را برایم برآورده کنید. گفتند: ای روح خدا! خواسته ات برآورده شد، پس برخاست و پاهایشان را شست. حواریون گفتند: ای روح خدا! ما به این سزاوارتر بودیم. فرمود: سزاوارترین مردم به خدمت، دانشمند است. من برای این چنین فروتنی کردم، تا شما نیز مانند من در برابر مردم فروتنی کنید. حکمت با فروتنی پاینده می ماند و نه با تکبر؛ همان گونه که زراعت در دشت می روید، نه در کوه. (5)

ر. ك: ص 168 «فروتنی برای شاگرد».

1- غرر الحکم: 7177

2- غرر الحکم: 10946

3- غرر الحکم: 10187.

4- کنز الفوائد: ج 1، ص 299.

5- الکافی: ج 1، ص 37، ح 6.

2 / 6 مبارزه با ابلیس

2 / 7 مبارزه با ستمکار

2 / 8 ردّ بدعت

2 / 6 مبارزه با ابلیسپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : چیزی برای ابلیس ، کمرشکن تر از این نیست که دانشمندی در قبیله ای پدیدار شود .
(1)

امام صادق علیه السلام : دانشمندان شیعه ما ، مرز داران مرزی اند که ابلیس و عفریتهايش در ورای آن قرار دارند . آنان را از در آمدن بر پیروان ناتوان ما جلو می گیرند و از تسلّط ابلیس و پیروان ناصبی او مانع می شوند . (2)

2 / 7 مبارزه با ستمکار امام علی علیه السلام : اگر حضور این جمع نبود و با وجود یاور حجّت تمام نمی شد و اگر خداوند از دانشمندان پیمان نگرفته بود که با پر خوری ستمکار و گرسنگی ستمدیده موافقت نکنند ، زمام خلافت را به حال خود رها می کردم . (3)

2 / 8 ردّ بدعتپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرگاه در امت من بدعتها آشکار شدند ، بر دانشمند است که دانش خود را آشکار سازد و هر که این کار را نکند ، نفرین خدا بر او باد . (4)

ر . ك : ص 157 «وجوب آموزش بر دانشمند» ، «حرمت پنهان داشتن دانش» / ص 162 «زکات دانش» ، «برترین صدقه» .

1- .الفردوس : ج 4 ، ص 48 ، ح 6150 .

2- .الإحتجاج : ج 2 ، ص 322 ، ح 261 .

3- .نهج البلاغه : خطبه 3 .

4- .الكافی : ج 1 ، ص 54 ، ح 2 .

2 / 9 اندرز همدیگر

2 / 10 اندازه خود را شناختن

2 / 11 مباحثه

2 / 9 اندرز همدیگر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در دانش، همدیگر را راهنمایی کنید که خیانت هر يك از شما در دانشش سخت تر از خیانت وی در مالش می باشد و خداوند روز قیامت از شما بازخواست می کند. (1)

2 / 10 اندازه خود را شناختن امام علی علیه السلام: دانشمند آن است که اندازه خود را بشناسد و در نادانی آدمی همین بس که اندازه خود را نشناسد. (2)

2 / 11 مباحثه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: خداوند عز و جل می فرماید: گفتگوی علمی میان بندگانم از چیزهایی است که چون به امر من بینجامد، دل‌های مرده با آن زنده می شود. (3)

ابو الجارود: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرماید: خداوند رحمت کند بنده ای را که دانش را زنده کند. گفتم: زنده کردنش چگونه است؟ فرمود: اینکه با اهل دین و پرهیز از آن گفتگو کند. (4)

امام صادق علیه السلام: دلها، خاک و دانش، نهال و گفتگو، آب است. هرگاه آب از خاک جدا افتد، نهال خشک گردد. (5)

1- .أمالی الطوسی : ص 126 ، ح 198.

2- .نهج البلاغه : خطبه 103 .

3- .الكافی : ج 1 ، ص 40 ، ح 6

4- .الكافی : ج 1 ، ص 41 ، ح 7 .

5- .الجامع لأخلاق الراوی : ج 2 ، ص 419 ، ح 1908 .

2 / 12 توقف هنگام ندانستن**2 / 13 اعتراف به نادانی**

2 / 12 توقف هنگام ندانستن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ به علی علیه السلام _ از ویژگیهای مؤمن آن است که از حرامها پاك باشد و در شبهه ها توقف کند . (1)

امام علی علیه السلام : آنچه را نمی دانی مگو که در خیر دادنت از آنچه می دانی متهم می شوی . (2)

امام صادق علیه السلام : اگر بندگان هنگامی که نمی دانستند ، توقف می کردند و انکار نمی کردند ، کافر نمی گشتند . (3)

امام صادق علیه السلام : خداوند بندگان را به دو آیه از کتابش سفارش مخصوص کرده است : اینکه تا ندانند نگویند و آنچه را نمی دانند رد نکنند . خداوند عز و جلمی فرماید : «آیا از آنان در کتاب پیمان گرفته نشده است که جز حق به خدا نسبت ندهند؟» (4) و فرمود : «بلکه آنچه را به شناختش احاطه نیافته اند و حقیقت آن هنوز برایشان آشکار نشده است، دروغ می انگارند» (5) . (6)

2 / 13 اعتراف به نادانی امام علی علیه السلام : غایت خرد ، اعتراف به نادانی است . (7)

امام علی علیه السلام : دنیا جز با نعمتها و امتحانها و کیفرهای

1- التمهیص : ص 74 ، ح 171 .

2- غرر الحکم : 10426 .

3- الکافی : ج 2 ، ص 388 ، ح 19 .

4- سوره اعراف ، آیه 169 .

5- سوره یونس ، آیه 39 .

6- الکافی : ج 1 ، ص 43 ، ح 8 .

7- غرر الحکم : 6375 .

2 / 14 بسنده نکردن به آنچه می داند

اخروی که خداوند نهاده است یا چیزهای دیگری که نمی دانی، پایدار نماند. اگر چیزی از اینها بر تو دشوار آمد، آن را بر ندانستن خود حمل کن که تو در آغاز نادان آفریده شدی و سپس آموخته شدی و بسی چیزها که نمی دانی و نظرت در آن سرگردان می ماند و دیده ات گمراه می گردد و سپس بینا می گردی. (1)

ر. ك: ص 172 «گفتن: نمی دانم» / ص 198 «ادعای دانش» .

2 / 14 بسنده نکردن به آنچه می داند پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دانشمند از دانش سیر نمی شود، تا سرانجام به بهشت درآید. (2)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر گاه روزی بیاید که در آن بر دانشم نیفزاییم، پس درآمدن خورشید آن روز بر من خجسته مباد. (3)

امام علی علیه السلام: آنکه حکمتها را شناخت، بر افزودن آنها قرار از کف بداد. (4)

امام علی علیه السلام: دانشمند آن است که از فراگیری دانش ملول نگردد. (5)

داود علیه السلام: به صاحب دانش بگو عصبایی از آهن و کفشی آهنین بگیرد و دانش را بجوید، تا آنکه عضا بشکند و کفشها پاره گردد.

(6)

ر. ك: ص 131 «استمرار» / ص 195 «یاری جستن از خدا برای افزایش دانش» .

1- نهج البلاغه: نامه 31.

2- مسند الشهاب: ج 2، ص 68، ح 897.

3- المعجم الأوسط: ج 6، ص 367، ح 6636.

4- کنز الفوائد: ج 1، ص 319.

5- غرر الحکم: 1303.

6- سنن الدارمی: ج 1، ص 147، ح 571.

2 / 15 یاری جستن از خدا برای افزایش دانش

2 / 16 یاری جستن از خدا برای بهره بردن از دانش

2 / 17 پناه بردن به خدا از بی بهره ماندن دانش

2 / 15 یاری جستن از خدا برای افزایش دانش قرآن «بگو: پروردگارا! بر دانشم بیفزای». (1)

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ هرگاه در شب بیدار می شد _ می گفت: خدایی جز تو نیست. تو را تسبیح می کنم. خدایا! از گناهم آمرزش می جویم. و به رحمتت از تو تقاضا می کنم خدایا! بر دانشم بیفزای و دلم را پس از هدایتت منحرف مفرمای و از نزد خودت بر من رحمتی ببخشای که تویی بسیار بخشنده. (2)

ر. ك: ص 81 «دعا» / ص 131 «استمرار» .

2 / 16 یاری جستن از خدا برای بهره بردن از دانش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ در دعایش _ : خدایا! از تو دانش سودمند و روزی فراخ می خواهم. (3)

امام علی علیه السلام: دانش بدون توفیق بهره نمی دهد. (4)

2 / 17 پناه بردن به خدا از بی بهره ماندن دانش پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از خداوند دانش سودمند بخواهید و از

1- .سوره طه ، آیه 114 .

2- .المستدرک علی الصحیحین : ج 1 ، ص 724 ، ح 1981 .

3- .سنن الترمذی : ج 5 ، ص 578 ، ح 3599 .

4- .غرر الحکم : 10680 .

2 / 18 پناه جویی از نادانی

2 / 19 استغفار از نادانی

دانشی که بهره نمی دهد به خدا پناه ببرید . (1)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خدایا! به تو پناه می برم از دانشی که بهره نمی دهد و از دلی که فروتن نمی گردد . (2)

2 / 18 پناه جویی از نادانی امام علی علیه السلام _ در دعای یوم الہریر در پیکار صفین _ : خدایا! . . . از نادانی و بیهودگی و از گفتار و کردار بد به تو پناه می برم . (3)

عبدالرحمان بن سیابہ : امام صادق علیه السلام این دعا را به من داد : «سپاس خدایی را که صاحب حمد است و شایسته و نهایت و محل آن . . . و پناه می برم از اینکه نادانی را با دانش و جفا را با بردباری و ستم را با دادگری و گسستن را با نیکی و بی تایی را با شکیبایی جا به جا کنم» . (4)

2 / 19 استغفار از نادانی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله این دعا را می خواند : خدایا! خطا و نادانی و اسراف کاری و آنچه را تو بهتر از خودم می دانی بر من بیامرز . خدایا! شوخی و جدی و خطا و عزم را بر من ببخشای که همه اینها نزد من هست . (5)

1- سنن ابن ماجة : ج 2 ، ص 1263 ، ح 3843 .

2- سنن النسائی : ج 8 ، ص 284 .

3- مهج الدعوات : 132 .

4- الکافی : ج 2 ، ص 59 و ص 592 ، ح 31 .

5- صحیح البخاری : ج 5 ، ص 2350 ، ح 6036 .

2 / 20 پوزش از نادانی

ب: آنچه که سزاوار دانشمند نیست

2 / 21 عمل نکردن

2 / 20 پوزش از نادانیا امام سجاد علیه السلام: خدایا! از نادانی ام به تو عذر می آورم و از سوء رفتارم از تو طلب بخشش دارم. (1)

ب: آنچه که سزاوار دانشمند نیست 2 / 21 عمل نکردن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ خطاب به ابن مسعود _ هرکس دانش اندوزد و به آن عمل نکند، خداوند روز قیامت وی را نابینا برانگیزد. (2)

امام علی علیه السلام: دانشمندی که به جز دانش خود عمل کند، مانند نادان سرگردانی است که از نادانی اش نرسیده است؛ بلکه حجت را بر او بزرگتر می بینم و حسرت بر این دانشمند جدا شده از دانش خود، ماندگارتر از نادان سرگشته در نادانی اش است و هر دو حیران و سرگردان اند. (3)

امام علی علیه السلام: برای آدمی زشت است که عملش از دانشش کمتر باشد و کردارش به گفتارش نرسد. (4)

امام علی علیه السلام: به کار بستن دانش را و انمی گذارد، جز کسی که در پاداش آن تردید دارد. (5)

ر. ك: ص 36 «شرط عمل» / ص 38 «عمل» / ص 187 «عمل» / ص 217 «دانشمندان بد».

1- صحیفه سجّادیه: دعای 31.

2- مکارم الأخلاق: ج 2، ص 348، ح 2660.

3- الکافی: ج 1، ص 45، ح 6.

4- غرر الحکم: 11050.

5- غرر الحکم: 10869.

2 / 22 ادعای دانشپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: هر که بگوید من دانشمندم، نادان است. (1)

امام علی علیه السلام _ در نامه اش به امام حسن علیه السلام _ من تو را به نادانیهای گوناگونت کوبیدم، تا خود را دانا مپنداری و اگر چیزی به تو رسید که آن را شناختی، آن را بزرگ مشماری؛ زیرا دانا کسی است که دریابد آنچه می داند در برابر آنچه نمی داند اندک است و بدین سبب خود را نادان بشمارد و به مدد این دریافت، بر کوشش خود در جستجوی دانش بیفزاید و همواره جویا و شیفته دانش باشد و از آن بهره گیرد و در برابر دانشمندان، فروتن و دل سپرده و پیوسته خاموش، و از خطا، پرهیزگار و شرمگین باشد و اگر چیزی بر او درآمد که نمی شناسد، آن را انکار نکند؛ چه به نادانی خویش اقرار دارد. (2)

ر. ک: ص 172 «گفتن: نمی دانم» / ص 193 «اعتراف به نادانی».

2 / 23 حبّ دنیاپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آن سنگ لغزنده ای که گامهای دانشمندان بر آن استوار نمی ماند، آز است. (3)

امام علی علیه السلام: بسی دانشمند که دنیا نابودش کرده است. (4)

عیسی علیه السلام: چگونه از اهل دانش باشد کسی که در مسیر آخرت رو به دنیا دارد و چیزی را که به وی زیان می رساند، از آنچه

1- المعجم الأوسط: ج 7، ص 59، ح 6846.

2- تحف العقول: 73.

3- تنبیه الخواطر: ج 1، ص 49.

4- مطالب السؤل: 56.

2 / 24 کاسی کردن با دانش دینی

به وی سود می بخشد بیشتر دوست دارد . (1)

عیسی علیه السلام: پول، بیماری دین است و دانشمند، پزشک دین؛ پس هرگاه دیدید که پزشک بیماری را به سوی خود می کشد، متهمش سازید و بدانید که خیرخواه دیگران نیست . (2)

ر . ك : ص 86 «محبت دنیا» .

2 / 24 کاسی کردن با دانش دینی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل هزار پیشه از پیشه ها را به آدم آموخت و به او فرمود : به فرزندان و خاندان بگو : اگر شکیبایی نوزیدید ، دنیا را با این پیشه ها بجوید؛ ولی با دین آن را مجوید که دین ، خالص و تنها برای من است . وای بر کسی که دنیا را با دین بجوید ، وای بر او . (3)

امام علی علیه السلام : ترسناک ترین چیزی که بر شما می ترسم ، آن است که برای غیر دین تفقه شود و برای جز عمل آموخته گردد و دنیا با عمل آخرت جستجو شود . (4)

امام صادق علیه السلام : هر کس حدیث را برای سود دنیوی بخواند ، از آخرت بهره ای ندارد و هر کس خیر آخرت را از آن بخواند ، خداوند خیر دنیا و آخرت را به او عطا کند . (5)

ر . ك : ص 170 «مزد نگرفتن بر آموزش معارف دین» .

1- .الكافی : ج 2 ، ص 319 ، ح 13 .

2- .الخصال : ص 113 ، ح 91 .

3- .الفردوس : ج 3 ، ص 42 ، ح 4105 .

4- .نثر الدرّ : ج 1 ، ص 289 .

5- .الكافی : ج 1 ، ص 46 ، ح 2 .

2 / 25 نشست و برخاست با پادشاه ستمگر

2 / 26 جاه طلبی

2 / 27 غرّه شدن

2 / 25 نشست و برخاست با پادشاه ستمگر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دانشمندان، اُمناى پیامبر بر بندگان خدايند، تا آن گاه که با پادشاهان _ در ستمگريشان _ در نياميزند. آن گاه که چنين کنند، به پیامبر خيانت کرده اند؛ پس از آنان بر حذر باشيد و کناره گيريد. (1)

امام صادق عليه السلام: ملعون است، ملعون است دانشمندی که به سوى پادشاهی ستمگر می رود و به او در ستمش یاری می رساند. (2)

2 / 26 جاه طلبی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از شهوت پنهان پرهيزيد: دانشمند دوست دارد که کنارش بنشينند. (3)

امام علی عليه السلام: آفت دانشمندان، حبّ ریاست است. (4)

ر. ك: ص 200 «غرّه شدن».

2 / 27 غرّه شدن امام علی عليه السلام: نابخردی و غفلت در دل دانشمند نیست. (5)

امام علی عليه السلام: از فضل دانشت آن است که دانشت را

1- .جامع بيان العلم: ج 1، ص 185.

2- .کنز الفوائد: ج 1، ص 150.

3- .الجامع الصغير: ج 1، ص 42، ح 247.

4- .غور الحکم: 3930.

5- .الكافی: ج 1، ص 36، ح 5.

کم انگاری. (1)

ر. ك: ص 200 «جاه طلبی» / آداب تعلیم و تعلّم (ترجمه منیة المرید): ص 153 «پالایش دل از رذائل اخلاقی» .

28 / 2 حسادت امام باقر علیه السلام: بنده ، دانشمند نباشد مگر آنکه بر بالاتر از خود حسد نوزد و فروتر از خود را خوار نشمرد . (2)

29 / 2 حرص امام حسین علیه السلام _ در بیان زشت ترین چیزها _ : حرص در دانشمند [از بدترین چیزهاست] . (3)

30 / 2 خودنمایی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هر کس دانش خود را به رخ مردم کشد ، خداوند او را روز قیامت انگشت نما کند . (4)

ر. ك: ص 76 «اخلاص» / ص 123 «اخلاص» / ص 135 «آموختن برای غیر خدا» / ص 167 «اخلاص» .

1- غرر الحکم : 9420 .

2- تحف العقول : 294 .

3- کفایة الأثر : 233 .

4- المعجم الكبير : ج 2 ، ص 167 ، ح 1685 .

فصل سوم : حقوق دانشمند و آموزگار و دانشجو

3 / 1 حقوق دانشمند

الف : اکرام

ب : کوچک شمردن دانشمند

فصل سوم حقوق دانشمند و آموزگار و دانشجو 3 / 1 حقوق دانشمندالف : اکرامپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : دانشمندان را اکرام کنید که آنان نزد خدا کریم اند . (1)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : احترام دانشمند عمل کننده به علمش ، مانند حرمت شهیدان و راستان است . (2)

ب : کوچک شمردن دانشمندیپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : کسی که دانشمند را حقیر شمرد ، مرا حقیر شمرده است و هرکس مرا حقیر بشمرد ، کافر است . (3)

امام علی علیه السلام : کسی جز نابخرد نادان ، دانش و دانشوران را سبک نمی شمرد . (4)

امام علی علیه السلام : زنهار که دانشمندان را سبک بشمردی چرا که این کار تو را خوار می کند و مایه بدگمانی و وهم و خیال درباره تو می شود . (5)

1- .الفردوس : ج 1 ، ص 76 ، ح 225.

2- .تنبیه الخواطر : ج 2 ، ص 122 .

3- .إرشاد القلوب : 165 .

4- .غرر الحکم : 10807

5- .غرر الحکم : 2732 .

ج : فروتنی در برابر وی**د : فرو آوردن صدا نزد وی****ه : پیروی از وی****و : دیدار وی**

امام سجاد علیه السلام: خداوند تبارك و تعالی به دانیال وحی کرد که منفورترین بندگانم نزد من، نادانی است که حقّ اهل دانش را سبک می شمارد و از اقتدا به آنان سر باز زند. (1)

ج: فروتنی در برابر وی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در برابر دانشمند فروتنی کنید و او را بالا ببرید که فرشتگان، دانشمند را بالا می برند و بالهای خود را پایین می آورند و برایش آمرزش می طلبند. (2)

د: فرو آوردن صدا نزد وی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: آنکه صدایش را نزد دانشمندان فرو می آورد، روز قیامت همراه با آن دسته از اصحابم می آید که خداوند دل‌هایشان را به تقوا آزموده است، و هیچ خیری در چاپلوسی و خود کوچک کردن نیست، جز آنچه در طلب دانش برای خدا باشد. (3)

ه: پیروی از وی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: از دانشمندان پیروی کنید که آنان چراغهای دنیا و آخرت اند. (4)

امام علی علیه السلام_ در سفارش به پسرش محمدبن حنفیه _ پسرکم!... اندرزهای حکیمان را بپذیر و فرمانهایشان را پی گیری کن. (5)

و: دیدار وی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: کسی که به دیدار دانشمند رود، گویی مرا زیارت کرده و آنکه با دانشمندان مصافحه کند، چنان است که با من

1- الكافي: ج 1، ص 35، ح 5.

2- الفردوس: ج 2، ص 45، ح 2263.

3- الفردوس: ج 3، ص 534، ح 5666.

4- الفردوس: ج 1، ص 71، ح 209.

5- الفقيه: ج 4، ص 387، ح 5834.

ز : همنشینی با وی

ح : پرسش از وی

مصافحه کرده است . (1)

ز : همنشینی با وی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و آنکه با دانشمندان بنشیند ، با من نشسته و هرکس با من بنشیند ، گویی با پروردگرم عز و جل نشسته است . (2)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : لقمان به پرسش گفت : پسرکم! با دانشمندان همدم باش و بدانان نزدیک شو و همنشین باش و در خانه هایشان به دیدارشان برو ، شاید که به آنها شبیه گردی و از آنان به شمار آبی و با صالحان آنها بنشین که چه بسا خدا ایشان را به رحمتی بنوازد و در نتیجه تو نیز در آن داخل گردی؛ هر چند بدکار باشی . (3)

امام علی علیه السلام : با حکیمان همنشین باش تا خودت کامل و نفست شریف و نادانی ات دور گردد . (4)

امام علی علیه السلام : مجلس حکمت ، نهالستان فضلاست . (5)

ر . ك : ص 184 «فایده های همنشینی با دانشمند» .

ح : پرسش از وی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : از دانشمندان سؤال و با حکیمان گفتگو و با فقیران همنشینی کنید . (6)

امام علی علیه السلام : گفتگو با دانشمندان ، مایه بهره مندی از

1- .الفردوس : ج 5 ، ص 485 ، ح 8839

2- .الفردوس : ج 3 ، ص 604 ، ح 5893 .

3- .أعلام الدین : 272 .

4- .غرر الحکم : 4787

5- .غرر الحکم : 9754 .

6- .تحف العقول : 41 .

ط : خدمت به وی

ی : ستیزه نکردن با وی

3 / 2 حقوق آموزگار

ایشان و به دست آوردن فضیلت‌های آنان است . (1)

ط : خدمت به وی امام علی علیه السلام : هرگاه دانشمندی را دیدی ، به خدمتش در آی . (2)

عیسی علیه السلام : سزاوارترین مردم به خدمت ، دانشمند است . (3)

ی : ستیزه نکردن با وی امام کاظم علیه السلام _ در سفارش به هشام بن حکم _ : دانشمند را برای دانشش بزرگ بشمار و درگیری با وی را واگذار . (4)

لقمان حکیم : با دانشمندان مجادله مکن که بر آنان سبک آیی و تورا برانند و با کم خردان نیز مجادله مکن که بر تو نادانی کنند و ناسزایت گویند ، ولی در برابر آنکه در دانش برتر از توست ، شکیبایی پیشه کن و نیز با آنکه فروتر از توست . تنها آن کس به شمار دانشمندان در می آید که در برابر آنها شکیبایی و با آنان همراهی کند و با نرمی از دانششان برگیرد . (5)

3 / 2 حقوق آموزگار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : هرکس به شخصی مسأله ای بیاموزد ، مالکش می گردد . گفته شد : آیا وی را خرید و فروش هم می کند؟

1- .غرر الحکم : 9804

2- .غرر الحکم : 4044 .

3- .الكافی : ج 1 ، ص 37 ، ح 6.

4- .تحف العقول : 394 .

5- .جامع بیان العلم : ج 1 ، ص 107 .

فرمود: نه، بلکه امر و نهی می کند. (1)

امام سجّاد علیه السلام: حقّ سرپرست علمی تو آن است که وی را بزرگ بشماری و مجلسش را محترم بشماری و به او نیک گوش بسپاری و توجّه کنی و صدایت را از او بلندتر نکنی و به کسی که از وی چیزی می پرسد، پاسخ ندهی، تا او خود پاسخ دهد و در مجلس وی با کسی سخن نگویی و نزد او غیبت کسی را نکنی و اگر نزد تو از او به زشتی یاد کردند، دفاع کنی و عیبهایش را بپوشانی و افتخاراتش را آشکار سازی و با دشمنش نشینی و با دوستش دشمنی نوری که اگر چنین کنی، فرشتگان خدای عز و جل برای تو گواهی می دهند که تو او را قصد کرده ای و دانش وی را برای خدای عز و جلفرا گرفته ای و نه مردم. (2)

حمزه بن حمران: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرماید: هرکس بادانشش نان خورد، نادار گردد. عرض کردم: فدایت شوم، در میان پیروان و دوستداران شما گروهی هستند که دانش شما را می گیرند و این سو و آن سو می برند و در میان پیروانتان پخش می کنند و متقابلاً آنها نیز از نیکی و جایزه و اکرام فروگذار نمی کنند. حضرت فرمود: اینان نان خور دانش نیستند. نان خور دانش کسی است که بدون آگاهی و هدایت خداوند عز و جل و به طمع کالای پست دنیا، فتوا می دهد تا حقّ را باطل کند. (3)

فضل بن ابی قزّه: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: می گویند: درآمد آموزگار حرام است. حضرت فرمود: دشمنان خدا دروغ می گویند. می خواهند که قرآن را نیاموزند. اگر مردی

1- منیة المرید: 324.

2- الفقیه: ج 2، ص 620، ح 3214.

3- معانی الأخبار: ص 181، ح 1.

[برابر [دیه فرزندش را به وی بدهد، برای آموزگار حلال است. (1)]

ر. ك: ص 170 «مزد نگرستن بر آموزش معارف دین» / ص 199 «كاسبی كردن با دانش دینی» .

3 / 3 حقوق دانشجو امام سجّاد علیه السلام: حقّ رعیت تو در دانش، آن است که بدانی خداوند عز و جل تو را در دانشی که به تو داده و گنجینه های آن را بر تو گشوده، سرپرست آنان قرار داده است. اگر در آموزش مردم، نیک از عهده برآمدی و با آنان درشتی نکردی و تنگ نگرفتی، خداوند از فضلش تو را فزونی بخشد و اگر دانشت را از مردم باز داری و یا هنگام درخواست دانشت با آنان درشتی کنی، بر خدای عز و جل سزاست که دانش و عظمت [حاصل از آن] را از تو بگیرد و تو را از دلها بیندازد. (2)

1- الكافی: ج 5، ص 121، ح 2.

2- الفقیه: ج 2، ص 621، ح 3214.

فصل چهارم : اصناف دانشمندان

فصل چهارم اصناف دانشمندان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دانشمندان دو گونه اند: مردی دانا که به دانش خود عمل می کند و این نجات یافته است و دانشمندی که دانش خود را وانهاده و این هلاک شده است و دوزخیان از بوی دانشمند واگذارنده دانش خود اذیت می شوند. (1)

امام صادق علیه السلام: جویندگان دانش سه گونه اند. آنان را به ذات و صفاتشان بشناس: دسته ای آن را برای نادانی و ستیزه جویی و دسته ای برای برتری جویی و دام گستری و گروهی نیز برای فهم و خردورزی می جویند. صاحب نادانی و ستیزه جویی، آزار دهنده و ستیزه گر است و در حلقه های علمی به سخن درآید و از دانش و بردباری بگوید و جامه فروتنی به تن کند، اما از پرهیزگاری تهی باشد. خداوند به همین سبب، بینی او را خرد کند و خرخره اش را ببرد. آنکه برای برتری جویی و دام گستری آمده، پنهان کار و چاپلوس است. بر مثل و مانند خود برتری می جوید و برای توانگران فروتر از خود، فروتنی می کند. خورنده حلوائ آنان و پایمال کننده دین خویش است. خداوند هم به این سبب او را کور می گرداند و اثرش را از میان آثار دانشمندان می زداید. آنکه صاحب فقه و خرد است، اندیشناک و غمین و

1- الکافی: ج 1، ص 44، ح 1.

شب زنده دار است . ردای خود را بر سر می کشد و در تاریکی شب بر می خیزد . عمل می کند و ترسان و خواهان و هراسان است . به کار خود توجه دارد و به اهل روزگارش آگاه است و از مطمئن ترین برادران خود نیز بیم دارد . خداوند به این سبب، پایه هایش را استوار می سازد و در روز قیامت او را امان می دهد . (1)

امام صادق علیه السلام : برخی از دانشمندان دوست دارند که دانش خود را ذخیره کنند و از ایشان گرفته نشود . اینان در طبقه اول آتش اند . برخی از دانشمندان نیز چون اندرز داده شوند ، سرپیچند و چون خود اندرز دهند ، زور گویند . اینان در طبقه دوم آتش اند . برخی دیگر چنین می بینند که دانش را نزد ثروتمندان و اشراف بنهند و برای مسکینان قابلیت نمی یابند . اینان در طبقه سوم آتش اند . همچنین از دانشمندان کسی است که در دانش خود ، راه زورگویان و فرمان روایان را می پیماید که اگر چیزی از سخنش رد گردد یا در اجرای فرمانش کوتاهی شود ، به خشم درآید . اینان در طبقه چهارم آتش اند . نیز از دانشمندان کسی است که در جستجوی احادیث یهود و نصارا است ، تا اخبار خود را انبوه و فراوان نشان دهد . اینان در طبقه پنجم آتش اند . همچنین از دانشمندان کسی است که خود را در معرض فتوا قرار می دهد و می گوید : پرسید و شاید که يك حرف هم بلد نباشد ، خداوند متکلفان را دوست ندارد ، پس اینان در طبقه ششم آتش اند . نیز از دانشمندان ، کسی است که دانش خود را وسیله اثبات مردانگی و فرزاندگی خود می کند . اینان نیز در طبقه هفتم آتش اند . (2)

1- .الكافی : ج 1 ، ص 49 ، ح 5 .

2- .الخصال : ص 353 ، ح 33 .

فصل پنجم: نمونه های والای دانش و حکمت

5 / 1 پیامبران

فصل پنجم نمونه های والای دانش و حکمت 5 / 1 پیامبران قرآن «چون خدا از پیامبران پیمان گرفت که پس از آنکه به شما کتاب و حکمت دادم، هر گاه پیامبری آمد که تصدیق کننده آنچه با شماست بود، حتما به او ایمان بیاورید و وی را یاری کنید فرمود: آیا اعتراف کردید و پیمان مرا پذیرفتید. گفتند اعتراف کردیم. فرمود گواه باشید و من [نیز] با شما از گواهانم». (1)

«بنده ما داود را به یاد آر... و به او حکمت و فصل الخطاب آموختیم». (2)

«چون خدا فرمود: ای عیسی بن مریم! نعمتم را بر خود و بر مادرت به یاد آور، هنگامی که تورا به روح القدس تأیید کردم. در گاهواره و در بزرگسالی با مردم سخن می گفتی و آن گاه که به تو کتاب و حکمت و تورات و

1- سوره آل عمران، آیه 81.

2- سوره ص، آیه 17 و 20.

انجیل آموختم» . (1)

«خداوند بر تو کتاب و حکمت نازل فرمود و آنچه را که نمی دانستی به تو آموخت و فضل خدا بر تو بس بزرگ است» . (2)

حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : پسر بیچگان به یحیی بن زکریا گفتند : بیا برویم بازی کنیم . یحیی فرمود : برای بازی آفریده نشده ایم ، برویم نماز بخوانیم . این همان گفته خداوند است : «و بدو در خردسالی حکمت دادیم» (3) . (4)

امام علی علیه السلام _ در ذکر پیامبر صلی الله علیه و آله _ وی را از میان سلسله پیامبران و چراغ فروزان و ستیغ والا و دل سرزمین بطحاء و چراغهایی در دل تاریکی و چشمه های حکمت برگزید . (5)

امام صادق علیه السلام : داود پیامبر از سلیمان علیهما السلام پرسش کرد و می خواست بداند در حکمت به کجا رسیده است . گفت : پسرکم! از خنکترین چیزها آگاهم کن ، گفت : گذشت خدا از مردم و گذشت مردم از همدیگر که هیچ چیز از آن خنکتر نیست . پرسید : شیرینترین چیز چیست؟ گفت : محبت که روح الهی در میان بندگانش است ، تا آنجا که اسب هم سم خود را از روی کره اش بر می دارد . داود از پاسخ سلیمان علیهما السلام خوشحال شد . (6)

1- .سوره مائده ، آیه 11 .

2- .سوره نساء ، آیه 113 .

3- .سوره مریم ، آیه 12 .

4- .الدر المنثور : ج 5 ، ص 485 .

5- .نهج البلاغه : خطبه 108 .

6- .جامع الأحادیث للقمی : 193 .

5 / 2 آل ابراهیم

5 / 3 بنی اسرائیل

5 / 4 خاندان محمد صلی الله علیه و آله

5 / 2 آل ابراهیم امام باقر علیه السلام _ در تفسیر گفته خدای متعال: «بی گمان ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و فرمانروایی بزرگی به آنان بخشیدیم» (1): منظور از کتاب همان نبوت است و مقصود از حکمت، همان حکیمان از میان پیامبران برگزیده هستند. (2)

5 / 3 بنی اسرائیل قرآن «بی گمان ما به بنی اسرائیل کتاب و حکمت و نبوت دادیم و روزی آنان را از پاکیزه ها مقرر کردیم و آنان را بر جهانیان برتری بخشیدیم». (3)

5 / 4 خاندان محمد صلی الله علیه و آله عبد الله: نزد پیامبر صلی الله علیه و آله بودم که [نظر ایشان درباره] علی علیه السلام پرسیده شد. حضرت فرمود: حکمت به ده جزء قسمت شده است: نه جزء آن به علی و یک جزء آن به مردم عطا شده است. (4)

امام علی علیه السلام: هان! بی گمان ما اهل بیت، درهای حکمت و

1- سوره نساء، آیه 54.

2- الکافی: ج 80، ص 118، ح 92.

3- سوره جاثیه، آیه 16.

4- العمدة: ص 378، ح 744.

5 / 5 لقمان

5 / 6 قس بن ساعده

5 / 7 مثرم بن رغب

نورهای در ظلمت و روشنی اکتها هستیم . (1)

5 / 5 لقمان پیامبر خدا صلی الله علیه و آله : به حقیقت می گویم : لقمان پیامبر نبود ، ولی بنده ای بسیار اندیشمند و نیکو یقین بود . خدا را دوست داشت ، پس خدا هم او را دوست داشت و با عطای حکمت بر وی منت نهاد . (2)

5 / 6 قس بن ساعده امام باقر علیه السلام : از حکمت و معرفت قس بن ساعده ایادی چنین رسیده است که پیامبر صلی الله علیه و آله از هر کس که از قبیله ایاد بر او وارد می شد ، درباره حکمتهايش می پرسید و به او گوش می سپرد . (3)

5 / 7 مثرم بن رغب پیامبر خدا صلی الله علیه و آله _ در توصیف مثرم بن رغب بن شیبان _ : او یکی از عابدان بود که خداوند متعال را 270 سال عبادت کرد و چیزی از خدا نخواست ، مگر آنکه برآورده کرد و خداوند عز و جل حکمت را در دلش جای داد و طاعت نیکوی پروردگارش را به وی الهام کرد . (4)

1- .غرر الحکم : 2786.

2- .مجمع البيان : ج 8 ، ص 494.

3- .کمال الدین : ص 166 ، ح 22.

4- .الفضائل : 49.

5 / 8 سلمان فضیل بن یسار: امام باقر علیه السلام به من گفت: آیا آنچه را مردم روایت می کنند که علی علیه السلام درباره سلمان گفته: «او علم اول و آخر را یافته است»، روایت می کنی؟ گفتم: آری. فرمود: می دانی منظورش چه بوده است؟ گفتم: آری، علم بنی اسرائیل و علم پیامبر صلی الله علیه و آله. فرمود: منظورش این نیست، بلکه منظورش علم پیامبر و علم علی علیه السلام و فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله و فرمان علی علیه السلام است. (1)

5 / 9 رویل پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از جبرئیل: از قوم یونس بن مَتّی علیه السلام مجز دو تن او را پیروی نکردند: نام یکی از آنها رویل بود و نام دیگری تنوخا. رویل از خاندان دانش و نبوت و حکمت بود و پیش از بعثت یونس، دیر زمانی با وی همراه بود و تنوخا مردی مستضعف و عابد و زاهد و غرق در عبادت بود و بهره ای از دانش و حکمت نداشت. رویل گوسفنددار بود. آنها را می چراند و قوت خود را از آن به دست می آورد و تنوخا مردی هیزم شکن بود و هیزمها را بر سر خود حمل می کرد و از دسترنج خویش نان می خورد و رویل به سبب دانش و حکمت و سابقه دوستی دیرینه اش، نزد یونس منزلتی داشت که غیر از منزلت تنوخا بود. (2)

1- رجال الکشی: ج 1، ص 25.

2- تفسیر العیاشی: ج 2، ص 129، ح 44.

فصل ششم : دانشمندان بد

6 / هشدار به دانشمند بی عمل

فصل ششم دانشمندان بد 6 / 1 هشدار به دانشمند بی عمل پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: ای ابن مسعود! هرکس دانش آموزد و بدان عمل نکند، خداوند روز قیامت او را کور محشور می گرداند. (1)

امام علی علیه السلام: پشیمان ترین مردم هنگام مرگ، دانشمندان بی کردارند. (2)

امام علی علیه السلام: آنکه دانشش را در نهان به کار نبندد، در عیان رسوایش کند. (3)

عیسی علیه السلام: تا آن گاه که آنچه را می دانی به کار نبسته ای، آموختن آنچه نمی دانی، تو را سود نبخشد. بی گمان فراوانی دانش هنگامی که به کار بسته نشود، جز بر تکبر نمی افزاید. (4)

ر. ک: ص 36 «شرط عمل» / ص 38 «عمل» / ص 187 «عمل» / ص 197 «عمل نکردن» / ص 218 «فراوانی دانشمندان بی کردار»، «مثل دانشمندان بی کردار» / ص 219 «دانشمند بی کردار، نادان است».

1- مکارم الأخلاق: ج 2، ص 348، ح 2660.

2- غرر الحکم: 3198

3- غرر الحکم: 9089.

4- الزهد لابن حنبل: 76.

6 / 2 فراوانی دانشمندان بی کردار

6 / 3 مَثَل دانشمند بی کردار

6 / 2 فراوانی دانشمندان بی کردار امام علی علیه السلام: دانش، فراوان است و کردار، اندک. (1)

امام علی علیه السلام: بسیاری کسانی که دانش دارند و از آن پیروی نمی کنند. (2)

ر . . ك : ارجاعات عنوان سابق .

6 / 3 مَثَل دانشمند بی کردار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دانشمندی بی کردار، مانند چراغی است که خود را می سوزاند و به مردم

روشنی می دهد. (3)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دانشی که بدان عمل نمی شود، مانند گنجی است که از آن خرج نمی شود. صاحبش در گردآوری خود

را به رنج می اندازد و به بهره اش نمی رسد. (4)

امام علی علیه السلام: دانشمندی بی عمل مانند تیرانداز بی زه [کمان] است. (5)

عیسی علیه السلام: مَثَل دانشمندان بدکردار، مانند تخته سنگی بر دهانه نهر است که نه آب می نوشد و نه آب را می نهد تا به کشتزار

رسد. (6)

1- غرر الحکم : 1223

2- غرر الحکم : 9522 .

3- الفردوس : ج 3 ، ص 73 ، ح 4206 .

4- عدة الداعی : 69 .

5- دستور معالم الحکم : 26 .

6- تنبيه الخواطر : ج 1 ، ص 84 .

6 / 4 دانشمند بی کردار ، نادان است

6 / 5 نکوهش دانشمندان بد

لقمان حکیم _ در سفارش به پسرش _ مَثَل حکمت بی طاعت ، مانند کالبد بی جان است یا مانند سرزمین بی آب، و کالبد بی جان و سرزمین بی آب و حکمت بی طاعت، ارزشی ندارند . (1)

ر . ك : ص 183 «مَثَل دانشمندان» / ارجاعات ص 217 .

6 / 4 دانشمند بی کردار ، نادان است امام علی علیه السلام : دانش خود را به نادانی و یقینتان را به شك تبدیل نکنید و چون دانستید ، عمل کنید و چون یقین کردید ، اقدام کنید . (2)

امام علی علیه السلام : بسی دانشمند که نادانی اش او را کشته و دانشی که به همراه داشته ، وی را سودی نبخشیده است . (3)

6 / 5 نکوهش دانشمندان بد عیسی علیه السلام _ به حواریان _ : ای نمک زمین! فاسد مشوید که هرچه فاسد می شود ، دارویش نمک است ، ولی اگر نمک فاسد گردد ، دارویی ندارد . (4)

امام علی علیه السلام _ در توصیف مردم نزد خدا _ : مردی که در میان نادانان ، از اینجا و آنجا چیزهایی گرد آورده است . . .

1- .کنز الفوائد : ج 2 ، ص 67 .

2- .نهج البلاغه : حکمت 274

3- .نهج البلاغه : حکمت 107 .

4- .الزهد لابن المبارك : ص 96 ، ح 283 .

6 / 6 خطر لغزش دانشمند

انسان نمایان او را دانا می نامند و حال آنکه يك روز را هم در دانش به درستی سپری نکرده است . . . آنچه را نمی داند ، دانش به شمار نمی آورد و در ورای آنچه خود بدان رسیده آیینی نمی بیند . اگر چیزی را با چیزی بسنجد ، نظر خود را تکذیب نمی کند و اگر چیزی بر وی تاريك بماند ، آن را می پوشاند تا نادانی اش پنهان بماند . (1)

امام علی علیه السلام : منفورترین مردم نزد خداوند ، فقیر متکبر و پیر زناکار و دانشمند بد کار است . (2)

امام علی علیه السلام : در دانش دروغ پردازان ، خیری نیست . (3)

عیسی علیه السلام : تا کی آب بر کوه می ریزد و آن را نرم نمی کند؟ تا کی حکمت می آموزید و دلهایتان بر آن نرم نمی شود؟ (4)

6 / 6 خطر لغزش دانشمند امام علی علیه السلام : . . . لغزش دانشمند ، مانند شکستن کشتی است . غرق می شود و غرق می کند . (5)

عیسی علیه السلام _ هنگامی که به ایشان گفته شد : ای روح و کلمه خدا ، چه کسی فتنه اش سخت تر باشد؟ _ فرمود : لغزش دانشمند ، هنگامی که دانشمند می لغزد ، بر اثر لغزش وی ، بسیاری خواهند لغزید . (6)

1- .الكافی : ج 1 ، ص 54 ، ح 6.

2- .غور الحکم : 3160

3- .غور الحکم : 10716 .

4- .أمالی المفید : ص 208 ، ح 43.

5- .کنز الفوائد : ج 1 ، ص 319.

6- .الزهد لابن المبارك : ص 520 ، ح 1474.

6 / 7 خطر دانشمندان بد**6 / 8 خطر دانشمند بدکار و عابد نادان**

7 / 6 خطر دانشمندان بدپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: وای بر امتم از دانشمندان بد! دانش را مایه تجارت می کنند و برای سود شخصی به فرمانروایان زمان خود می فروشند . خداوند تجارتشان را سود نبخشد . (1)

امام علی علیه السلام: هنگامی که دانشمند به دانشش عمل نکند ، نادان از آموختن نزد وی خودداری ورزد؛ زیرا دانشمند چون دانشش را به کار نبندد ، نه وی را سود بخشد و نه دیگری را؛ هر چند بارهایی گران از دانش را گرد آورده باشد . (2)

امام عسکری علیه السلام _ در توصیف دانشمندان بدکردار _ : آنان بر شیعیان ناتوان ما از سپاه یزید بر امام حسین علیه السلام و یارانش زیان بارترند؛ چون آنان تنها جان و مال ایشان را ربودند؛ اما دانشمندان بدکرداری که با ما دشمن اند ، ولی خود را دوستان ما و دشمن دشمنان ما نشان می دهند، شک و شبهه را بر شیعیان ناتوان ما وارد می آورند ، آنکه ایشان را گمراه کرده و از قصد رسیدن به حقیقت هم بازشان می دارند . (3)

6 / 8 خطر دانشمند بدکار و عابد نادانپیامبر خدا صلی الله علیه و آله: مایه هلاکت امت من ، دانشمند بدکار و عابد نادان است و بدترین بد ، دانشمندان بدکار و نیکوترین نیکها ،

1- .الفردوس : ج 4 ، ص 398 ، ح 7154 .

2- .تنبيه الغافلین : ص 434 ، ح 677 .

3- .الإحتجاج : ج 2 ، ص 512 ، ح 337 .

6 / حساب دانشمندان بد

6 / 10 کيفر دانشمندان بد

دانشمندان نيك اند . (1)

امام علی علیه السلام: دو کس از دنیا پشت مرا شکستند: زبان آور فاسق و عابد نادان دل . یکی با زیانش فسقش را می پوشاند و دیگری با عبادتش ، نادانی اش را . از دانشمند فاسق و نادان متعبد بپرهیزید که اینان فتنه هر فتنه زده ای هستند . من خود از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: ای علی! هلاك امت من به دست منافق زبان آور است . (2)

6 / 9 حساب دانشمندان بدپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : خداوند عز و جل در روز قیامت ، بی سوادان را از چیزهایی معاف می دارد که دانشمندان را از آنها معاف نمی کند . (3)

امام صادق علیه السلام: هفتاد گناه برای نادان آمرزیده می شود ، پیش از آنکه يك گناه برای دانشمند آمرزیده شود . (4)

ر . ك : ص 222 «کيفر دانشمندان بد» .

6 / 10 کيفر دانشمندان بدپیامبر خدا صلی الله علیه و آله : سخت ترین عذاب در روز قیامت از آن دانشمندی است که خداوند وی را از دانشش سودی نبخشیده است . (5)

- 1- .جامع بيان العلم : ج 1 ، ص 192 .
- 2- .الخصال : ص 68 ، ح 101 .
- 3- .حلیة الأولیاء : ج 2 ، ص 331 .
- 4- .الكافی : ج 1 ، ص 47 ، ح 1 .
- 5- .آداب تعلیم و تعلّم : 150 .

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: دوزخیان از بوی دانشمند و اگذارنده دانشش اذیت می شوند و پشیمان ترین و پر حسرت ترین ساکنان جهنم، مردی است که بنده ای را به سوی خدا فرا خوانده و او پاسخ مثبت داده و از او پذیرفته و اطاعت خدا را کرده و خدا هم او را به بهشت برده، ولی آن دعوت کننده را به سبب واگذاردن دانشش و پیروی از هوایش و درازی آرزویش، به دوزخ افکنده است. پیروی هوا از حقّ باز می دارد و درازی آرزو، آخرت را از یاد می برد. (1)

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله: در دوزخ آسیابی است که دانشمندان فاسد را کاملاً آسیاب می کند. (2)

امام علی علیه السلام: هر توانگری که از دارایی اش بر ناداران بخل ورزد و هر دانشمندی که دین را به دنیا بفروشد، روز قیامت آتش زنه دوزخ است. (3)

ر. ک: ص 222 «حساب دانشمندان بد».

خدایا! از نادانی ام به سوی تو عذر می آورم. خدایا! از اینکه نادانی را با دانایی معاوضه کنم، به تو پناه می برم. خدایا! از این که بلغزم یا گمراه گردم یا نادانی کنم یا بر من نادانی کنند، به تو پناه می برم. خدایا! از اینکه مایه عبرت احدی از خلقت گردم و از اینکه فردی از خلق تو بیش از خودم از آنچه به من آموختی بهره جوید،

1- الکافی: ج 1، ص 44، ح 1.

2- کنز العمال: ج 10، ص 208، ح 29100.

3- غرر الحکم: 10126.

به تو پناه می برم . خدایا! از دانشی که سودی نبخشد به تو پناه می برم . خدایا! بر محمد و خاندان او درود فرست و ما را از آنچه به ما آموخته ای بهره مند ساز و آنچه را به ما بهره می دهد ، به ما بیاموز و بر دانش ما بیفزای . خدایا! بر محمد صلی الله علیه و آله پیامبر رحمت و کلمه نورت درود فرست و دلهای ما را از نور یقین و گوش ما را از نور حفظ و از حکمت آکنده ساز و ما را به عصمت موید بدار . خدایا! حقایق را همان گونه که هست بر ما بنمای و از دانش نهانت به ما بیاموز و به ما نوری عطا فرما که با آن در میان مردم ره سپاریم و بدان در تاریکیها هدایت جوییم و از شك و شبهه ها برهیم . خدایا! ما را به حقایق آنان که به تو نزدیک اند ، برسان و گامهای ما را در جای پای آنان که مجذوب تو گشتند ، بنه و ما را از کسانی قرار ده که صبح و شام جام حکمت می نوشند .

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

